

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## عربی، زبان قرآن (۱)

رشته ادبیات و علوم انسانی

پایه دهم

دوره دوم متوسطه



## وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب:

عربی، زبان قرآن (۱) پایه دهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۰۲۰۷

پدیدآورنده:

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:

حبیب تقوایی، علی جان‌بزرگی، حسن حیدری، سید محمد دلبری، سید مهدی سیف، فاطمه یوسف‌نژاد (اعضای شورای برنامه‌ریزی)

عادل اشکبوس، محی‌الدین بهرام محمدیان، علی چراغی، اباندر عباسچی (اعضای گروه تألیف) -

سید اکبر میرجعفری (ویراستار)

مدیریت آماده‌سازی هنری:

اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

شناسه افزوده آماده‌سازی:

احمد رضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمد مهدی ذبیحی فرد (مدیر هنری) - آزاده امینیان (طراح جلد و صفحه‌آرا) - حسین چراغی، علی مظاهری نظری فرد، زینت بهشتی شیرازی، فریبا سیر، مریم دهقان زاده (امور آماده‌سازی)

نشانی سازمان:

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)  
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹  
وبگاه: [www.irtextbook.ir](http://www.irtextbook.ir) و [www.chap.sch.ir](http://www.chap.sch.ir)

ناشر:

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران - تهران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹

چاپخانه:

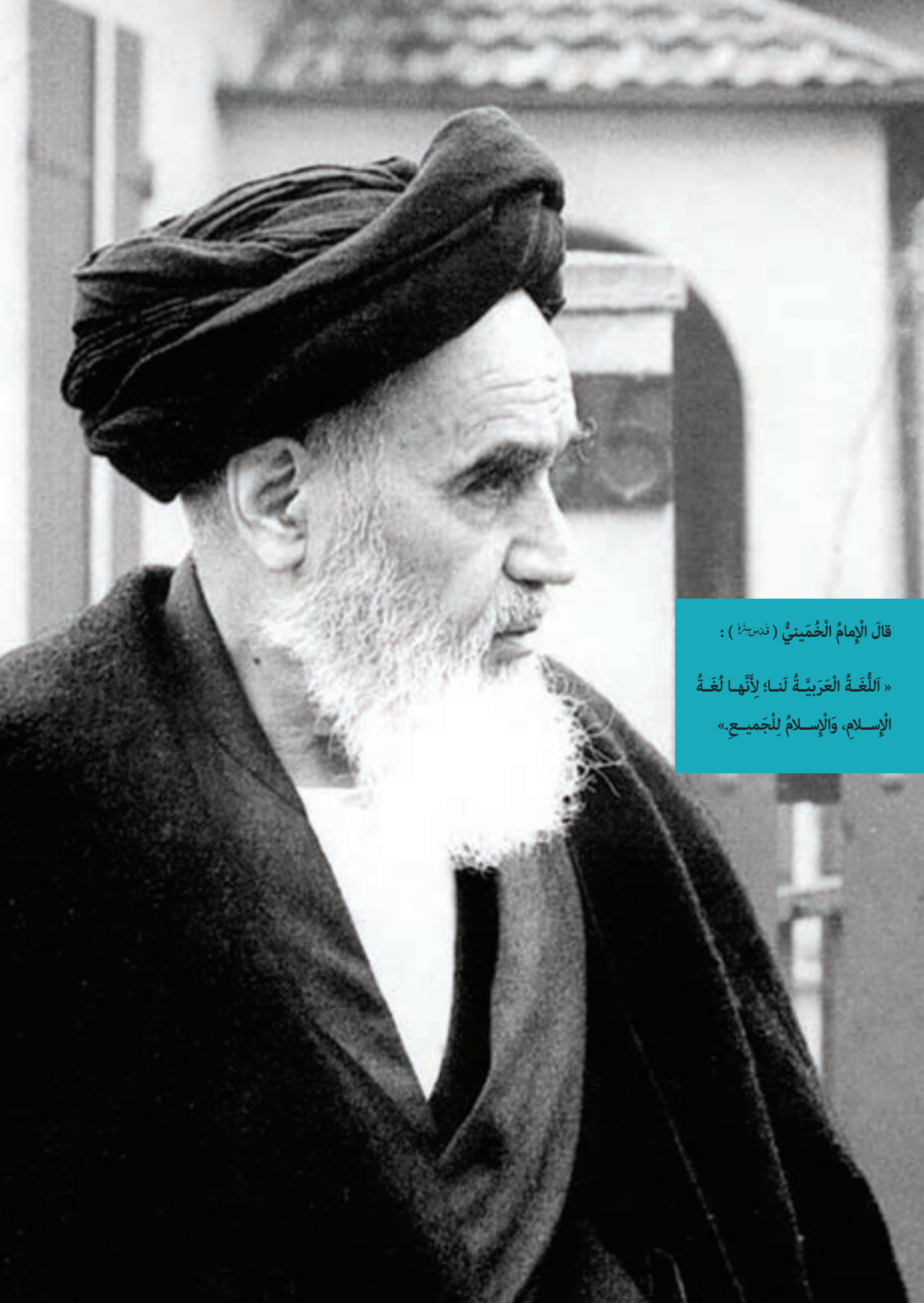
شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ:

چاپ چهارم ۱۳۹۸

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۴۸۳-۱

ISBN: 978-964-05-2483-1



قَالَ الْإِمَامُ الْخَمِينِي (قدس سره) :

«اللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ لَنَا؛ لِأَنَّهَا لُغَةُ  
الْإِسْلَامِ، وَالْإِسْلَامُ لِلْجَمِيعِ.»

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

# الفهرس

■ بيشگفتار ..... الف

■ الدرس الأول ..... ١

ذاك هو الله + صيغ الأفعال + التعارف-----

■ الدرس الثاني ..... ١١

إنكم مسؤولون + الأعداد من واحد إلى مئة + في مطار النجف-----

■ الدرس الثالث ..... ٢٣

مطر السمك + الفعل الثلاثي المجرد والمزيد (١) + في قسم الجوازات-----

■ الدرس الرابع ..... ٣٥

التعائش السلمي + الفعل الثلاثي المزيد (٢) + في صالة التفتيش-----

■ الدرس الخامس ..... ٤٧

«هذا خلق الله» + الجملة الفعلية والاسمية + مع سائق سيارة الأجرة-----

■ الدرس السادس ..... ٥٩

العالم الخلابة + إعراب أجزاء الجملة الاسمية والفعلية + في الصيدلية-----

■ الدرس السابع ..... ٧١

صناعة النفط + الفعل المجهول + مع مسؤول استقبال الفندق-----

■ الدرس الثامن ..... ٨٣

يا من في البحار عجائبه + أجاز والمجور و نون الوقاية + مع مشرف الخدمات --

■ المعجم ..... ٩٩

## پیشگفتار

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان

دبیر عربی برای تدریس این کتاب شایسته است:

۱. کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا نهم را تدریس یا به دقت مطالعه و بررسی کرده باشد.
۲. دوره آموزشی توجیهی ضمن خدمت این کتاب را گذرانده باشد.
۳. کتاب معلم (راهنمای تدریس و ارزشیابی) و نرم‌افزار «بر فراز آسمان» را با دقت کافی بررسی کرده باشد.

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش کتاب درسی آموزش زبان عربی ویژه رشته ادبیات و علوم انسانی به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه دهیم. رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی»

شیوه تألیف کتاب‌های عربی هفتم تا دهم متن‌محوری است. متن‌محوری به معنای نفی قواعد نیست؛ در این کتاب قواعد در خدمت فهم زبان است؛ لذا بخش مهمی از کتاب درسی و نیز بارم‌بندی را قواعد تشکیل می‌دهد.

شایستگی مورد نظر برای دانش‌آموز پایه دهم رشته ادبیات و علوم انسانی این است که بتواند در پایان سال تحصیلی، متون و عبارات ساده عربی را درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند. در این کتاب علاوه بر حدود ۳۵۰ کلمه جدید کتاب عربی پایه دهم، ۸۱۹ واژه عربی هفتم، هشتم و نهم نیز تکرار شده‌اند؛ پس در حقیقت هدف این کتاب در بخش واژگان، آموزش حدود ۱۲۰۰ واژه پربسامد زبان عربی است.

این کتاب با توجه به اسناد بالادستی «قانون اساسی»، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند برای تألیف کتاب‌های درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز نقشه راه برای تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است. کلمات به کاررفته در کتاب‌های عربی، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، احادیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته‌اند.

تصاویر، عبارات و متون کتاب به ابعاد تربیتی و فرهنگی نیز توجه دارند.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است و به استناد برنامه درسی ملی و از آنجا که درس عربی در رشته ادبیات و علوم انسانی یک درس اختصاصی است؛ مکالمات کوتاهی در کتاب

گنجانده شده است. مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد.

### مهم‌ترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

۱. طراحی هر گونه آزمونی (کنکور، داخلی مدرسه، هماهنگ استانی یا کشوری، مسابقات علمی) تابع اهداف کتاب درسی و در چارچوب آن است. این تذکر به ویژه برای طرح سؤال کنکور است و در صورت تخلف، آن آزمون رسماً از نظر وزارت آموزش و پرورش فاقد اعتبار رسمی است. این تأکیدات در حکم یک بخشنامه اداری و لازم الاجراست.

۲. این کتاب شامل هشت درس است. هر درس در سه جلسه آموزشی تدریس می‌شود.

۳. دانش آموز پایه دهم در دوره اول متوسطه با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه ترکیب مخلوط مانند «أَخَوْتُ الصَّغِيرَ» هدف از آموزش ترکیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این بوده که دانش آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أَخِي الْعَزِيزُ» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند.

وزن و ریشه کلمات، اسم اشاره، کلمات پرسشی، و ساعت خوانی؛ در ساعت خوانی فقط ساعت کامل، ربع و نیم آموزش داده شده؛ مثلاً «چهار و بیست و پنج دقیقه» آموزش داده نشده است.

۴. هرچند درس اول دوره آموخته‌های پیشین است؛ اما در سایر درس‌ها نیز این دوره انجام شده است. ۵. در درس دوم، عددها آموزش داده می‌شوند. اهمیت آموزش اعداد بر کسی پوشیده نیست. در متوسطه اول عددهای اصلی و ترتیبی تا ۱۲ آموزش داده شده‌اند. در این کتاب عددهای اصلی از یک تا صد و عددهای ترتیبی از یکم تا بیستم آموزش داده خواهد شد. مباحث مطابقت عدد و معدود و ویژگی‌های معدود جزء اهداف آموزشی کتاب نیست و از طرح آنها خودداری شود. بدیهی است که در کتاب درسی این مطابقت‌ها در متون و عبارات وجود دارد و دانش آموز با دقت در آنها می‌تواند این ظرافت‌ها را کشف کند؛ اما آموزش و ارزشیابی آنها مد نظر نیست.

۶. دانش آموزان در دوره اول متوسطه با هر دو فعل مجرد و مزید در کتاب درسی آشنا شده‌اند؛ هرچند در تمرینات فقط با صرف فعل‌های ثلاثی مجرد صحیح و سالم مواجه شده‌اند؛ اما فعل‌های مزید و حتی فعل‌های مهموز، مضاعف و معتل نیز در کتاب به کار رفته است؛ مانند آمَنَ، ابْتَسَمَ، أَتَى، أَجَابَ، أَحَبَّ، احْتَرَقَ، اشْتَرَى، أَصَابَ، أَعْطَى، تَخَرَّجَ، حَاوَلَ، حَذَرَ، زَادَ و ... دانش آموز قبلاً با شناسه‌های فعل‌های ثلاثی مجرد آشنا شده است. در حقیقت هدف آموزشی این دو درس این است که با استفاده از آموخته‌های سه سال اول با فعل‌هایی آشنا شود که فعل ماضی سوم شخص مفرد آنها «ثلاثی مزید» بیش از سه حرف است. تشخیص ثلاثی مزید از ثلاثی مجرد، ذکر معانی ابواب، ساخت

یا صرف فعل و ترجمه از فارسی به عربی آن از اهداف آموزشی نیست. هدف این است که دانش‌آموز بتواند فعل و مصدر ثلاثی مزید را درست ترجمه کند و ماضی، مضارع، امر و نهی و مصدر آنها را از هم درست تشخیص دهد. تشخیص تعداد حروف زائد از اهداف کتاب نیست.

در بخش واژه‌نامه، مضارع و مصدر فعل‌های ماضی ثلاثی مزید مدام تکرار شده است تا دانش‌آموز کم‌کم این فعل‌ها را بشناسد؛ مصدر فعل‌هایی مانند دَلَّ چون قیاسی نیست نیامده است؛ اما از آنجا که مصدر فعل‌هایی مانند ذَهَبَ در کتاب به کار رفته، در واژه‌نامه آمده است.

۷. در درس پنجم، جمله اسمیه و فعلیه تدریس می‌شود. هدف، شناخت اجزای جمله یعنی فعل، فاعل، مفعول به، مبتدا و خبر است؛ اما قرار دادن اعراب کلمات هدف نیست.

۸. در درس ششم، اعراب جمله اسمیه و فعلیه و سه حالت اعراب اسم (رفع، نصب و جر) آموزش داده شده است. هدف، شناخت اجزای جملات است و توانایی نهادن اعراب (اعراب‌گذاری) هدف آموزشی نیست.

۹. در درس هفتم، فعل مجهول تدریس می‌شود. هدف این است که دانش‌آموز جمله‌های دارای فعل مجهول را درست معنا کند. تبدیل جمله دارای فعل معلوم به مجهول و برعکس هدف نیست. تشخیص نوع نایب فاعل فقط در حالت اسم ظاهر آموزش داده شده است و تشخیص نایب فاعل از نوع ضمیر بارز و ضمیر مستتر هدف نیست. به همین منظور تمرینات کتاب نیز بر اساس نایب فاعل از نوع اسم ظاهر طراحی شده است.

۱۰. در درس هشتم، معانی حروف جر آموزش داده می‌شود. دانش‌آموز باید بتواند حروف جر و جار و مجرور را در جمله تشخیص دهد؛ نهادن اعراب جر در اسم مجرور هدف نیست. در این درس نون وقایه نیز تدریس شده است؛ اما ساخت مدّ نظر نیست.

۱۱. در طراحی سؤال درک مطلب به ویژه در کنکور باید از متون کتاب استفاده شود. در صورتی که متنی غیر از کتاب درسی طرح می‌شود، باید هیچ واژه‌ای خارج از واژگان انتهای کتاب نداشته باشد یا اینکه ترجمه فارسی آنها ذیل متن داده شود. همچنین نباید ساختاری متفاوت با قواعد کتاب درسی در آنها باشد.

۱۲. التحلیل الصرفی و الإعراب (تجزیه و ترکیب) از اهداف این کتاب نیست؛ اما دانش‌آموز به عنوان نمونه باید تشخیص دهد که «کاتب» و «مکتوب» اسم فاعل و مفعول‌اند؛ یا «استرجع» فعل امر است و معنای «کاتب»، «مکتوب» و «استرجع» را بداند.

۱۳. صورت سؤال به زبان عربی است؛ اما شایسته نیست واژگانی در آن باشد که دانش‌آموز نخوانده باشد.

۱۴. مضارع و مصدر برخی فعل‌های ثلاثی مجرد که مصدرشان در کتاب درسی یا در زبان فارسی به کار رفته است، در واژه‌نامه کتاب آمده است؛ اما طرح سؤال امتحانی یا کنکور از آنها هدف نیست.

۱۵. نیازی به ارائه جزوه مکمل قواعد به دانش آموز نیست. هرچه لازم بوده در کتاب آمده است یا در سال‌های بعد خواهد آمد.

۱۶. مکالمه، نمایش، سرود، ترجمه تصویری، پژوهش و داستان‌نویسی کار عملی در درس عربی محسوب می‌شود. انجام بخش پژوهش خارج از کلاس است و ارائه گزارش مربوط به آن بستگی به وقت کلاس دارد.

۱۷. جمله‌سازی، تشکیل، تعریب، تبدیل از صیغه‌ای به صیغه دیگر و نهادن اعراب از اهداف کتاب درسی نیست.

۱۸. در سایه درست خواندن، درست فهمیدن و ترجمه درست، مهارت سخن گفتن نیز حاصل خواهد شد. توجه داشته باشیم که شمار اندکی از دانش‌آموزان قادرند هنگام سخن گفتن ظرافت‌های دستوری را به خاطر بیاورند و رعایت کنند و این کاملاً طبیعی است؛ زیرا به یاد آوردن قواعد، هنگام سخن گفتن برای هر زبان‌آموزی دشوار است. در سخن گفتن سرعت عمل لازم است و با آزمون کتبی قابل مقایسه نیست. اگر به این نکته بسیار مهم توجه نشود، بدترین ضربه در آموزش مهارت سخن گفتن به دانش‌آموز وارد می‌شود. نظر به دشواری مکالمه باید در امتحانات، مسابقات و کنکور صرفاً از همان عبارات موجود در کتاب سؤال طرح گردد.

۱۹. آموزش فعل و ضمیر در سه کتاب عربی متوسطه اول بومی‌سازی شده و بر اساس دستور زبان فارسی و به صورت (من، تو، او، ما، شما، ایشان) است. سبک پیشین به این صورت بود: (هو، هما، هم، هی، هُنَّ، هُنَّ، اَنْتُمْ، اَنْتِ، اَنْتُمْ، اَنْتِ، اَنَا، نَحْنُ) شیوه نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بود و دانش‌آموزان بسیار بهتر درس را آموختند. از آنجا که درس عربی در رشته علوم انسانی اختصاصی است، دانش‌آموزان باید با اصطلاحات خاص زبان عربی آشنا باشند. به همین منظور در درس اول نام صیغه‌ها به زبان عربی ذکر شده است.

**۲۰. معنای کلمات در امتحان باید در جمله خواسته شود.**

۲۱. روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال نمره شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد.

۲۲. در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده تا نیازی به دفتر تمرین نباشد؛ اما متن دروس جای کافی ندارد، می‌توان برای متون کتاب یک ورق در کتاب نهاد، یا یک دفتر کوچک برای بخش ترجمه اختصاص داد.

۲۳. از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا دانش‌آموزان با این شیوه از دوره اول متوسطه به دوره دوم آمده‌اند و کتاب‌های عربی زبان قرآن پایه‌های یازدهم و دوازدهم نیز ادامه و مکمل روش این کتاب خواهند بود.

نشانی وبگاه گروه عربی: [www.arabic-dept.talif.sch.ir](http://www.arabic-dept.talif.sch.ir)

## سخنی با دانش‌آموز

عربی را می‌آموزیم؛ زیرا زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی است. زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان عربی است. زبان و ادبیات فارسی با آن درآمیخته و برای فهم بهتر زبان فارسی آشنایی با زبان عربی لازم است. عربی یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد است و زبانی کامل، پرمعنا و قوی است و ادبیات آن غنی است و ...

این کتاب ادامه سه کتاب پیشین است. هرآنچه در دوره اول متوسطه آموخته‌اید، در این کتاب لایه‌لای متون، عبارات و تمرین‌ها تکرار شده است؛ ترجمه متون و عبارات کتاب بر عهده شماست و دبیر نقش راهنما دارد. شما به راحتی می‌توانید متون را ترجمه کنید؛ به همین منظور در انتهای کتاب همه واژگان سه کتاب عربی دوره اول متوسطه در کنار واژگان عربی دهم قرار داده شده است. استفاده از کتاب کار توصیه نمی‌شود. تجربه کتاب‌های کار دوره اول متوسطه نشان داد که تخلف آشکار از اهداف آموزشی در آن وجود دارد. در کتاب‌هایی که به نام تیزهوشان یا آمادگی برای کنکور و مسابقات طراحی می‌شود، مواردی می‌آید که از اهداف آموزشی زبان آموزی نیست؛ هدف این کتاب فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را درست بخوانید و خوب بفهمید و ترجمه کنید، خود به خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید؛ اما ترجمه به عربی هدف کتاب نیست. در بخش مکالمه مطالبی کاربردی آموزش داده شده است، شما می‌توانید آنها را حفظ کنید و با تغییراتی در آن در کلاس با دوستانتان دو به دو تمرین کنید. از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی می‌توانید در انشا و مقاله‌نویسی استفاده کنید. کتاب گویا نیز تهیه شده است تا با تلفظ درست متون آشنا شوید.



## الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾ الْأنعام : ١

ستایش از آن خدایی است که آسمانها و زمین را آفرید و  
تاریکیها و روشنائی را بنهاد.

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ

أَنْظُرْ لَيْتَكَ الشَّجَرَهُ      ذَاتِ الْغُصُونِ النَّضِرَهُ<sup>١</sup>  
 كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ      وَكَيْفَ صَارَتْ شَجَرَهُ  
 فَابْحَثْ وَقُلْ مَنْ ذَا الَّذِي      يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَهُ  
 وَانْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي      جَذَوْتُهَا مُسْتَعِرَهُ  
 فِيهَا ضِيَاءٌ وَبِهَا      حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَهُ  
 مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا      فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَهُ  
 ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي      أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ لَهُ  
 ذُو حِكْمَةٍ بِالْعَةِ      وَقُدْرَةٍ مُقْتَدِرَهُ  
 أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ      أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ  
 وَزَانَهُ بِأَنْجُمٍ      كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَهُ



١- الشَّاعِرُ: مَعْرُوفُ الرِّصَايِّ، شَاعِرٌ عِرَاقِيٌّ مِنْ أَبِي كُرْدَيْي النَّسَبِ وَ أُمُّ تَرْكَمَانِيَّةٍ، لَهُ آثَارٌ كَثِيرَةٌ فِي النَّثْرِ وَ الشُّعْرِ.

وَأَنْظُرْ إِلَى الْعِیمِ فَمَنْ	أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ
فَصَيَّرَ الْأَرْضَ بِهِ	بَعْدَ اغْبَارِ خَضِرِهِ
وَأَنْظُرْ إِلَى الْمَرْءِ وَقُلْ	مَنْ شَقَّى فِيهِ بَصَرَهُ
مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ	بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرِهِ
ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي	أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ مَرَهُ

■ آموختن معنای کلمات باید در خلال ترجمه متون و عبارات محقق شود.

اغْبَار: تیره رنگی، غبار آلودگی  
 أَنْجَمَ: ستارگان «مفرد: نَجْم»،  
 نَجْمَةٌ  
 أَنْزَلَ: نازل کرد  
 أَنْعَمَ: نعمت‌ها «مفرد: نِعْمَةٌ»  
 أَوْجَدَ: پدید آورد  
 بِالْغ: کامل  
 جَذْوَةٌ: پاره آتش  
 جَهَّزَ: مجهز کرد  
 خَضِرَةٌ: سرسبز

دُرَر: مرواریدها (مفرد: دُر)  
 ذَا: این ← هَذَا  
 ذَات: دارای  
 ذَاكَ: آن  
 ذُو: دارای  
 زَان: زینت داد  
 شَرَرَةٌ: اخگر (پاره آتش)  
 شَقَّى: شکافت  
 صَيَّرَ: گردانید  
 ضیاء: روشنایی

غُصْن: شاخه‌ها (مفرد: غُصْن)  
 عَیْم: ابر  
 قُلْ: بگو  
 مُسْتَعِرَةٌ: فروزان  
 مُفْتَكِرَةٌ: اندیشمند  
 مُنْهَمِرَةٌ: ریزان  
 نَضِرَةٌ: تر و تازه  
 نَمَتْ: رشد کرد «مؤنث نَمَا»  
 يُخْرِجُ: درمی آورد

## اعلموا

### صیغُ الأفعالِ

با نام‌گذاری صیغه‌های فعل‌ها در دستور زبان عربی آشنا شوید.

نام صیغه به فارسی و عربی	ضمیر	ماضی	مضارع	امر	نهی
اول شخص مفرد	من	أَنَا	فَعَلْتُ	أَفْعُلْ	
مفرد مذکر مخاطب	تو	أَنْتَ	فَعَلْتَ	افْعَلْ	لا تَفْعَلْ
مفرد مؤنث مخاطب	تو	أَنْتِ	فَعَلْتِ	افْعَلِي	لا تَفْعَلِي
مفرد مذکر غایب	او	هُوَ	فَعَلَ	يَفْعُلْ	
مفرد مؤنث غایب	او	هِيَ	فَعَلَتْ	تَفْعُلْ	
اول شخص جمع	ما	نَحْنُ	فَعَلْنَا	نَفْعُلْ	
جمع مذکر مخاطب	شما	أَنْتُمْ	فَعَلْتُمْ	افْعَلُوا	لا تَفْعَلُوا
جمع مؤنث مخاطب	شما	أَنْتُنَّ	فَعَلْتُنَّ	افْعَلْنَ	لا تَفْعَلْنَ
مثنای مذکر مخاطب	شما	أَنْتُمَا	فَعَلْتُمَا	افْعَلَا	لا تَفْعَلَا
مثنای مؤنث مخاطب	شما	أَنْتُمَا	فَعَلْتُمَا	افْعَلَا	لا تَفْعَلَا
جمع مذکر غایب	ایشان	هُمْ	فَعَلُوا	يَفْعَلُونَ	
جمع مؤنث غایب	ایشان	هُنَّ	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ	
مثنای مذکر غایب	ایشان	هُمَا	فَعَلَا	يَفْعَلَانِ	
مثنای مؤنث غایب	ایشان	هُمَا	فَعَلَتَا	تَفْعَلَانِ	

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

## جِوَارُ (التَّعَارُفُ<sup>۱</sup>)

زائرُ مَرَقَدِ أميرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ	أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ <sup>۲</sup>
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.	وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.
صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي.	صَبَاحَ النُّورِ وَالسُّرُورِ.
كَيْفَ حَالُكَ؟	أَنَا بِخَيْرٍ، وَكَيْفَ أَنْتَ؟
بِخَيْرٍ وَالحَمْدُ لِلَّهِ.	عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟
أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ.	مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟
إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟	إِسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ.
هَلْ سافَرْتَ إِلَى إِيْرَانٍ حَتَّى الْآنَ؟	لَا؛ مَعَ الْأَسَفِ <sup>۳</sup> . لِكُنِّي أَحَبُّ أَنْ أُسَافِرَ <sup>۴</sup> .
إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيْرَانِ!	إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى اللَّقَاءِ مَعَ السَّلَامَةِ.
فِي أَمَانٍ اللَّهُ.	فِي أَمَانٍ اللَّهُ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي.



۱- تعارف: آشنایی با یکدیگر ۲- قاعة: سالن ۳- مطار: فرودگاه ۴- مع الأسف: متأسفانه

۵- أَنْ أُسَافِرَ: که سفر کنم

التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: كَمِّلْ تَرْجَمَةَ الْآيَاتِ وَالْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ.

۱- ﴿وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ الشُّعْرَاءُ : ٨٤

و برای من یادِ نیکو در .....

۲- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ الصِّفِّ : ۲

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، .....

۳- ﴿وَاعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ الْمُؤْمِنُونَ : ۵۱

و کارِ نیکو .....

۴- ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ الْأَعْرَافُ : ۴۷

پروردگارا، .....

۵- «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَكَثْرَةِ الْحَجِّ... وَلَكِنْ انْظُرُوا إِلَى صِدْقِ

الْحَدِيثِ وَادَاءِ الْأَمَانَةِ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

به بسیاری ..... و روزه شان و بسیاری حج گزاردن ..... بلکه به

..... و امانتداری آنها .....

۶- «إِرْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

به کسی که در زمین است .....

۷- أُطْلِبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

دانش را طلب کنید گرچه ..... ، زیرا طلبِ دانش .....

## التَّمْرِينُ الثَّانِي: اِقْرَأِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ.

۱- «إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ  
 برای (دنیایت □ دنیا □) چنان کار کن گویی همیشه (زندگی می کنی □ لذت میبری □)  
 و برای آخرت چنان کار کن گویی (فردا می میری □ نزدیک است بمیری □).

۲- «أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْتَظِرْ إِلَى مَنْ قَالَ.» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 به آنچه گفته است (بنگر □ می نگرم □) و به آن که گفته است (نگر □ نمی نگرم □).

۳- «إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 هرگاه فرومایگان (به فرمانروایی برسند □ گرامی شوند □)؛ شایستگان هلاک  
 می شوند.

۴- «مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 هرکس (دشمنی □ دوستی □) کاشت؛ (زیان □ سود □) درو کرد.

۵- «الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَكَثِيرُهُ قَاتِلٌ.» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 سخن مانند داروست. اندکش (سود می رساند □ شفا می دهد □) و بسیارش  
 کُشنده است.

۶- إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 هرگاه بر (دشمنت قادر شدی □ دشمن را شکست دادی □)، ، بخشیدن او را  
 شکرانه قدرت یافتن بر او (قرار می دهی □ قرار بده □).

۷- قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» نَصْفُ الْعِلْمِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 گفتن (می دانم □ نمی دانم □)، نیمی از دانش است.

## التَّمرينُ الثَّالثُ: صَعِّ في الدَّائِرَةِ العَدَدَ المُناسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ.»

- ١- الشَّرَرَةُ ☐ مِنْ الْأَحْجارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.
- ٢- الشَّمْسُ ☐ جَذَوْتُهَا مُسْتَعِرَّةً، فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ.
- ٣- الْقَمَرُ ☐ كَوَكَبٌ يَدُورُ<sup>٢</sup> حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِياؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ.
- ٤- الْأَنْعَمُ ☐ بُخَارٌ مُتْرَاكِمْ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.
- ٥- الْغَيْمُ ☐ مِنَ الْمَلَابِسِ النِّسَائِيَّةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ.
- ٦- الْفُسْتَانُ ☐ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ.
- ٧- الدُّرَرُ

## التَّمرينُ الرَّابِعُ: صَعِّ هَذِهِ الْجُمَلِ وَ التَّرَاكيبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

هُؤْلَاءِ فَائِزَاتُ / هُذَانِ الدَّلِيلَانِ / تِلْكَ بَطَّارِيَةٌ / أُولَئِكَ الصَّالِحُونَ / هُؤْلَاءِ الْأَعْدَاءُ / هَاتَانِ الرُّجَاكَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنى مذکر	مثنى مؤنث
جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مكسر

الْتَمَرِينُ الْخَامِسُ: صَعِّ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. = ≠

ضياء / نام / ناجح / مسرور / قريب / جميل / نهاية / يمين / غالية / شراء / مسموح / مجد

رَخِيصَة ≠ .....	رَاسِب ≠ .....	يَسَار ≠ .....
بَيْع ≠ .....	بِدَايَة ≠ .....	بَعِيد ≠ .....
رَقَدَ = .....	قَبِيح ≠ .....	نور = .....
حَزِين ≠ .....	مُجْتَهِد = .....	مَمْنُوع ≠ .....

الْتَمَرِينُ السَّادِسُ: ارْسُمْ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ.



السَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعًا



الثَّامِنَةُ وَ النِّصْفُ



الْخَامِسَةُ وَ الرُّبْعُ

## الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبحَثْ فِي الْإِنْتَرِنْتِ أَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ أَوْ جُمْلٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَظَمَةِ  
مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرَجِّمُهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ.

جبال کیرکوه في مدينة بدره بمحافظة إيلام



﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾

آل عمران: ١٩١

١- مُسْتَعِينًا بِ: با استفاده از

## الدَّرْسُ الثَّانِي



قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

إِنِّي مَسْئُولٌ وَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ.

بی گمان من و شما مسئول هستید.

## «إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ»

كَانَتْ سُمِّيَّةُ يَنْتَظِرُ الْوَلَدَ بَعْدَ انْتِهَاءِ الدَّوَامِ الْمَدْرَسِيِّ، وَكَانَتْ حُجْرَاتِ الْمَدْرَسَةِ مُغْلَقَةً، وَكَانَتْ مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ وَبَعْضُ الْمُدْرَسَاتِ يَنْتَظِرْنَ أَنْ تَفْرَغَ الْمَدْرَسَةُ مِنَ الطَّالِبَاتِ.

عِنْدَئِذٍ سَمِعَتْ سُمِّيَّةُ صَوْتَ مُكَيِّفِ الْهَوَاءِ مِنْ إِحْدَى الْحُجْرَاتِ، فَظَنَّتْ أَنَّ طَالِبَاتِ صَفٍّ آخَرَ فِي حِصَّةِ تَقْوِيَةٍ، أَوْ يُمَارِسْنَ نَشَاطًا حَرًّا؛ وَعِنْدَمَا نَظَرَتْ بِدَقَّةٍ، وَجَدَتْ الْحُجْرَةَ فَارِغَةً وَبَابَهَا مُغْلَقًا، فَذَهَبَتْ إِلَى مُدِيرَةِ الْمَدْرَسَةِ، وَأَخْبَرَتْهَا بِمَا شَاهَدَتْ، فَشَكَرَتْهَا الْمُدِيرَةُ، وَطَلَبَتْ مِنْ سُمِّيَّةِ إِطْفَاءَ الْمَصَابِيحِ وَ الْمُكَيِّفِ.

عِنْدَئِذٍ شَاهَدَتْ الْمُدِيرَةُ طَالِبَةً بِاسْمِ فَاطِمَةَ؛ كَانَتْ فَاطِمَةُ تَذْهَبُ لِإِغْلَاقِ حَنْفِيَّةِ الْمَاءِ الَّتِي كَانَتْ مَفْتُوحَةً قَلِيلًا.

وَ فِي صَبَاحِ الْيَوْمِ التَّالِي، شَكَرَتْ مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ فِي الْإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ سُمِّيَّةَ وَ فَاطِمَةَ لِاهْتِمَامِهِمَا بِالْمُرَافِقِ الْعَامَّةِ.

وَ فِي حِصَّةِ الْعُلُومِ الْإِجْتِمَاعِيَّةِ، قَامَتْ رُقِيَّةٌ وَ سَأَلَتْ الْمُدْرَسَةَ:

«مَا الْمَقْصُودُ بِالْمُرَافِقِ الْعَامَّةِ؟»

أَجَابَتِ الْمُدْرَسَةُ: «هِيَ الْأَمَاكِينُ الَّتِي تَمْتَلِكُهَا الدَّوْلَةُ، وَ يَنْتَفِعُ بِهَا النَّاسُ جَمِيعًا. إِذَا فَهِمْتَ مَعْنَاهَا، فَادْكُرِي لَنَا أَمَثَلَةً لِلْمُرَافِقِ الْعَامَّةِ.»

أَجَابَتْ رُقِيَّةُ: «الْمَدَارِسُ وَ الْهَوَاتِفُ الْعَامَّةُ وَ الْمُسْتَشْفَيَاتُ وَ الْمُسْتَوَصَفَاتُ وَ الْمَتَاحِفُ وَ الْمَكْتَبَاتُ وَ دَوَارُ الْمِيَاهِ وَ الْحَدَائِقُ الْعَامَّةُ وَ الْأَشْجَارُ عَلَى الرَّصِيفِ وَ أَعْمَدَةُ الْكَهْرَبَاءِ...»  
أَجَابَتِ الْمُدْرَسَةُ: «أَحْسَنْتِ، وَ الْحِفَافُ عَلَى هَذِهِ الْمُرَافِقِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُوَاطِنٍ.»

سَأَلَتِ الطَّالِبَاتُ بِتَعَجُّبٍ: «لِمَ وَ كَيْفَ؟! ذَلِكَ وَاجِبُ الدَّوْلَةِ.»

قَالَتِ الْمُدْرَسَةُ: «بَلْ هِيَ مَسْئُولِيَّةُ مُشْرَكَةً، فَسَمِيَّةُ الَّتِي أَطْفَأَتِ الْمَكْيِيفَ وَ الْمَصَابِيحَ

وَ فَاطِمَةُ الَّتِي أَغْلَقَتْ حَنْفِيَّةَ الْمَاءِ وَ الطَّالِبَةُ الَّتِي تَدْخُلُ مَكْتَبَةَ الْمُدْرَسَةِ فَتُحَافِظُ عَلَى

الْهُدُوءِ فِيهَا وَ عَلَى نَظَافَةِ الْكُتُبِ وَ تَرْتِيبِهَا، وَ تِلْكَ الَّتِي تَنْصَحُ مَنْ يَرْمِي النُّفَايَاتِ فِي غَيْرِ

مَكَانِهَا بِكَلَامٍ طَيِّبٍ؛ هَؤُلَاءِ يَعْمَلْنَ بِوَاجِبَاتِهِنَّ كَمُوَاطِنَاتٍ يَشْعُرْنَ بِالْمَسْئُولِيَّةِ.»

قَامَتْ سَمِيَّةُ وَ قَالَتْ: «أَ لَيْسَ مِنَ الْمُنَاسِبِ كِتَابَتُهُ هَذَا الْحَدِيثِ عَلَى اللُّوْحَةِ

الْجِدَارِيَّةِ؟

إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

قَبِلَتْ الْمُدْرَسَةُ وَ قَالَتْ: «هَذَا الْإِقْتِرَاحُ حَسَنٌ، وَ سَنَتَعَاوَنُ جَمِيعاً عَلَى الْعَمَلِ بِهَذَا الْحَدِيثِ.»

قام: برخاست

مارَسَ: انجام داد، تمرین کرد

مَرَافِقُ عَامَّةٌ: تأسیسات عمومی

مُغْلَقٌ: بسته شده

مَكْيِيفُ الْهُوَاءِ: کولر

مُوَاطِنٌ: شهروند، هم‌میهن

نَشَاطٌ: فعالیت

نَصَحَ: پند داد

نُفَايَةُ: زباله

هُدُوءٌ: آرامش

هَاتِفٌ: تلفن

تَعَاوَنَ: همکاری کرد

تَيَّارٌ: جریان

حَافِظٌ: نگهداری کرد

حُجَرَاتٌ: اتاق‌ها

حُرٌّ: آزاد، آزاده

حِصَّةٌ: زنگ درسی، قسمت

حِفَافٌ عَلَى: نگهداری از

حَنْفِيَّةُ الْمَاءِ: شیر آب

دَوَامٌ مَدْرَسِيٌّ: ساعت کار مدرسه

دَوْرَةُ الْمِيَاهِ: سرویس بهداشتی

رَمَى: پرت کرد

عِنْدَيْدُ: در این هنگام

فَرَعٌ: خالی شد

أَحْسَنْتِ: آفرین بر تو

أَخْبَرَ: خبر داد

إِصْطِفَافٌ صَبَاحِيٌّ: صف صبحگاه

أَطْفَأَ: خاموش کرد

أَعْمِدَةٌ: ستون‌ها «مفرد: عمود»

أَغْلَقَ: بست

إِقْتِرَاحٌ: پیشنهاد

إِمْتَلَكَ: مالک شد

إِنْتَفَعَ: سود بُرد

بَهَائِمٌ: چارپایان (به جز درندگان)

«مفرد: بهیمة»

بِقَاعٌ: قطعه‌های زمین

«مفرد: بُقعة»

١- كَانَتْ سُمَيَّةُ بِانْتِظَارِ وَالِدَتِهَا لِلذَّهَابِ إِلَى الْمَنْزِلِ.

٢- ذَهَبَتْ الْمُدِيرَةُ نَفْسَهَا لِإِطْفَاءِ الْمَصَابِيحِ وَ الْمُكَيِّفِ.

٣- أَخْبَرَتْ سُمَيَّةُ مُدِيرَةَ الْمَدْرَسَةِ بِمَا شَاهَدَتْ فِي الْحَجَرَةِ.

٤- الْمَرَاثِقُ الْعَامَّةُ هِيَ الْأَمَّاكِنُ الَّتِي يَمْتَلِكُهَا بَعْضُ النَّاسِ.

٥- شَكَرَتْ الْمُدِيرَةُ فِي الْإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ جَمِيعَ الطَّالِبَاتِ.

## إِعْلَمُوا

### الْأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ

الْأَعْدَادُ الْأَصْلِيَّةُ (وَاحِدٌ إِلَى عَشْرِينَ)	الْأَعْدَادُ التَّرْتِيبِيَّةُ (الْأَوَّلُ إِلَى الْعَشْرِينَ)	الْعُقُودُ
وَاحِدٌ ١	أَحَدَ عَشَرَ ١١	الْأَوَّلُ ١م
إِثْنَانِ ٢	إِثْنَاعَشَرَ ١٢	الْأَوَّلُ ١١م
ثَلَاثَةٌ ٣	ثَلَاثَةَ عَشَرَ ١٣	الثَّانِي ٢م
أَرْبَعَةٌ ٤	أَرْبَعَةَ عَشَرَ ١٤	الثَّالِثُ ٣م
خَمْسَةٌ ٥	خَمْسَةَ عَشَرَ ١٥	الرَّابِعُ ٤م
سِتَّةٌ ٦	سِتَّةَ عَشَرَ ١٦	الرَّابِعُ ٤م
سَبْعَةٌ ٧	سَبْعَةَ عَشَرَ ١٧	الخَامِسُ ٥م
ثَمَانِيَّةٌ ٨	ثَمَانِيَةَ عَشَرَ ١٨	الخَامِسُ ٥م
تِسْعَةٌ ٩	تِسْعَةَ عَشَرَ ١٩	السادسُ ٦م
عَشْرَةٌ ١٠	عِشْرُونَ ٢٠	السادسُ ٦م
		السَّابِعُ ٧م
		السَّابِعُ ٧م
		الثَّامِنُ ٨م
		الثَّامِنُ ٨م
		التَّاسِعُ ٩م
		التَّاسِعُ ٩م
		الْعِشْرُونَ ٢٠م

۱- به کلمات «رِجَالٍ» و «گَوَکِبًا» در «خَمْسَةُ رِجَالٍ» و «أَحَدَ عَشَرَ گَوَکِبًا» معدود گفته می‌شود.

۲- گاهی عددهای ثَلَاثَةٌ تا عَشْرَةٌ بدون «ة» می‌آیند؛ مثال: ثَلَاث و ثَلَاثَةٌ؛ أَرْبَع و أَرْبَعَةٌ.

۳- «مِئَّة» به معنای «صد» به صورت «مِائَةٌ» نیز نوشته می‌شود.

۴- عددهای «عِشْرُونَ، ثَلَاثُونَ، أَرْبَعُونَ، خَمْسُونَ، سِتُونَ، سَبْعُونَ، ثَمَانُونَ، تِسْعُونَ» عُقُود نام دارند.

۵- عُقُود با «وَنَ» و «يَنَ» می‌آید؛ مثال: أَرْبَعُونَ و أَرْبَعِينَ. (فرق این دو را در درس‌های آینده خواهید خواند.)

۶- «وَاحِد، وَاحِدَةٌ» و «إِثْنَان، إِثْنَيْنِ، إِثْنَانِ، إِثْنَيْنِ» بعد از معدود می‌آیند؛ مثال: سَائِحٌ وَاحِدٌ، غُصْنَانِ اثْنَانِ، إِمْرَأَتَيْنِ اثْنَتَيْنِ.

۷- معدود سه تا ده مضافٌ الیه و به صورت جمع است. مثال: ثَلَاثَةٌ كُتُبٌ.

۸- به عددهایی مانند وَاحِدٌ و عِشْرُونَ، إِثْنَانِ و عِشْرُونَ معطوف گفته می‌شود.

۹- در زبان عربی یکان پیش از دهگان می‌آید؛ مثال:

أَرْبَعَةٌ وَ خَمْسُونَ (۵۴)، تِسْعَةٌ وَ سَبْعُونَ (۷۹)

۱۰- معدود عددهای «یازده» تا «نود و نه» مفرد هستند؛ مثال:

أَحَدَ عَشَرَ گَوَکِبًا، تِسْعَةٌ وَ تِسْعُونَ یَوْمًا.<sup>۱</sup>

۱- طرح سؤال از مبحث عدد، خارج از ده نکته فوق در هر آزمونی به‌ویژه در کنکور خلاف اهداف آموزشی است.

## اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ.

.....	١- ﴿ثَلَاثِينَ لَيْلَةً﴾ الْأَعْرَافُ: ١٤٢
.....	٢- ﴿سَبْعِينَ رَجُلًا﴾ الْأَعْرَافُ: ١٥٥
.....	٣- خَمْسَةَ عَشَرَ تِمْنَالًا
.....	٤- وَاحِدَةً وَعِشْرُونَ جَامِعَةً
.....	٥- سِتِّ عَشْرَةَ مَدِينَةً
.....	٦- تِسْعٌ وَتِسْعُونَ بَقَرَةً
.....	٧- سَبْعٌ وَثَلَاثُونَ حَدِيقَةً
.....	٨- وَاحِدَةً وَسَبْعُونَ قَرْيَةً
.....	٩- اثْنَانِ وَثَمَانُونَ عَامًا
.....	١٠- تِسْعَةً وَعِشْرُونَ كُرْسِيًّا



در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

## جَوازٌ (في مطارِ النَّجَفِ الْأَشْرَفِ)


سَائِحٌ <sup>۱</sup> مِنْ إِيْرَانِ	سَائِحٌ مِنْ الْكُوَيْتِ
الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ.	وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.
مَسَاءً الْخَيْرِ يَا حَبِيبِي.	مَسَاءً النُّورِ يَا عَزِيزِي.
هَلْ حَضَرْتُكَ مِنَ الْعِرَاقِ؟	لَا؛ أَنَا مِنَ الْكُوَيْتِ. أَأَنْتَ مِنَ بَاكِسْتَانِ؟
لَا؛ أَنَا إِيْرَانِيٌّ. كَمْ مَرَّةً جِئْتُ لِلزِّيَارَةِ؟	جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الْأُولَى؛ وَكَمْ مَرَّةً جِئْتُ أَنْتَ؟
أَنَا جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ.	كَمْ عُمْرُكَ؟
عُمْرِي سِتَّةَ عَشَرَ عَامًا.	مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتَ؟
أَنَا مِنْ مَدِينَةِ جَوِيْبَارِ فِي مُحَافَظَةِ مازَنْدَرَانِ.	مَا أَجْمَلُ <sup>۲</sup> غَابَاتِ مازَنْدَرَانِ وَطَبِيعَتِهَا!
هَلْ ذَهَبْتَ إِلَى إِيْرَانِ مِنْ قَبْلُ؟!	نَعَمْ؛ ذَهَبْتُ لَزِيَارَةِ الْإِمَامِ الرُّضَا، ثَامِنِ أَيْمَنَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ.
كَيْفَ وَجَدْتَ إِيْرَانَ؟	إِنَّ إِيْرَانَ بِلَادٌ جَمِيلَةٌ جِدًّا، وَالشَّعْبُ <sup>۳</sup> الْإِيْرَانِيَّ شَعْبٌ مِضْيَافٌ <sup>۴</sup> .



۱- سائح: گردشگر ۲- ما أَجْمَلُ: چه زیباست! ۳- شَعْبٌ: ملت ۴- مِضْيَافٌ: مهمان‌دوست

التمرين الأول: اكتب العمليات الحسابية التالية بالأعداد كالمثال.

(+ زائد<sup>١</sup>) (- ناقص<sup>٢</sup>) (÷ تقسيم على) (× في، ضرب في)

١- عشرة<sup>٣</sup> في ثلاثة يساوي<sup>٤</sup> ثلاثين.   $10 \times 3 = 30$

٢- تسعون ناقص عشرة يساوي ثمانين.

٣- مئة تقسيم على خمسة يساوي عشرين.

٤- ستة في أحد عشر يساوي ستة وستين.

٥- خمسة وسبعون زائد خمسة وعشرين يساوي مئة.

٦- اثنان وثمانون تقسيم على اثنين يساوي واحداً وأربعين.

التمرين الثاني: اكتب في الفراغ عدداً ترتيبياً مناسباً.

١- اليوم ال ..... من أيام الأسبوع يوم الأحد.

٢- اليوم ال ..... من أيام الأسبوع يوم الخميس.

٣- الفصل ال ..... في السنة الإيرانية فصل الشتاء .

٤- الفصل ال ..... في السنة الإيرانية فصل الخريف.

٥- يأخذ الفائز الأول جائزة ذهبية و الفائز ال ..... جائزة فضية.

١- زائد: به علاوه ٢- ناقص: منهای ٣- برای اختصار کلمه «ضرب» در «ضرب في» حذف می شود.

٤- يساوي: مساوی است با

الْتَمْرِينُ الثَّالِثُ: صَعِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعِدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- ١- النَّشَاطُ ○ إعطاء حَلٍّ وَ بَيَانٍ طَرِيقَةً لِلْقِيَامِ بِعَمَلٍ.
- ٢- الدَّوَامُ ○ آلَةٌ لِنَقْلِ الْأَصَوَاتِ مِنْ مَكَانٍ إِلَى آخَرَ.
- ٣- الْحِصَّةُ ○ سَاعَاتُ الْعَمَلِ لِلْمُوظَّفِينَ وَ الْعُمَالِ.
- ٤- الْهَاتِفُ ○ هُوَ الَّذِي يَعِيشُ مَعَنَا فِي وَطَنِ وَاحِدٍ.
- ٥- الْإِقْتِرَاحُ ○ عَمَلٌ بِتَحَرُّكِ وَ سُرْعَةٍ.
- ٦- الْمُواطِنُ

الْتَمْرِينُ الرَّابِعُ: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ».

- عَشْرُ / الْهُدُوءُ / خَمْسِينَ / أَعْمَدَةٌ / أَخْبَرُونَا / مُضِيَّافٍ / حُجْرَةٌ / يَمْتَلِكُ / فَرَعَتْ
- ١- ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا<sup>١</sup> نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ<sup>٢</sup> فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا ..... عَامًا﴾ الْعَنْكَبُوتُ: ١٤  
٩٥٠ سال
  - ٢- ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ ..... أَمْثَالُهَا﴾ الْأَنْعَامُ: ١٦٠
  - ٣- سَافَرْنَا إِلَى قَرْيَةٍ، لِأَنَّا بِحَاجَةٍ إِلَى.....
  - ٤- أَلْجِيرَانُ ..... بِمَا حَدَّثَ فِي الشَّارِعِ.
  - ٥- أَنْزَلَ الْعَامِلُ الْبُضَائِعَ فَ ..... السَّيَّارَةُ.
  - ٦- هَلْ ..... أَبُوكَ أَرْضًا فِي الْقَرْيَةِ؟
  - ٧- لَيْسَتْ فِي الْفُنْدُقِ ..... فَارِعَةً.

١- أَرْسَلْنَا: فرستاديم ٢- لَبِثَ: درنگ کرد ٣- جَاءَ بِ: آورد

الْتَمَرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ ...

١- ... الْكَلْبَ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعِ صَوْتِ السَّاعَةِ مِنْ مَسَافَةٍ أَرْبَعِينَ قَدَمًا؟

٢- ... النَّمْلَةَ تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفُوقُ ٣ وَزْنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً؟

٣- ... ثَمَانِينَ فِي الْمِئَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشَرَاتٌ؟

٤- ... طُولَ قَامَةِ الزَّرَافَةِ سِتَّةُ أَمْتَارٍ؟ (أَمْتَار: جَمْعُ مِتر)

٥- ... الْغُرَابُ يَعِيشُ ثَلَاثِينَ سَنَةً أَوْ أَكْثَرَ؟



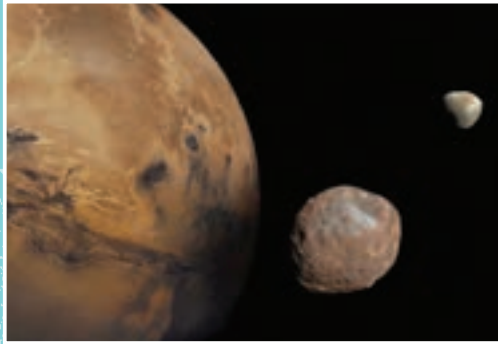
٣- يَفُوقُ: بَرْتَرَى مِ يَابِد

٢- نَمْلَةً: مَوْرِچَه

١- سَمَاع: شَنِيدَن

## الْتَمَرِينُ السَّادِسُ: عَيْنِ الْعَدَدِ أَوِ الْمَعْدُودِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ.

- ١- فِي الْإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ وَقَفْنَا فِي ..... صُفُوفٍ. ☐ عَشْرَةٌ ☐ الْعَاشِرِ
- ٢- يَلْعَبُ أَحَدَعَشَرَ ..... فِي فَرِيقِ كُرَةِ الْقَدَمِ. ☐ لَاعِبِينَ ☐ لَاعِبًا
- ٣- أَرْبَعَةٌ ..... وَاقِفُونَ أَمَامَ بَابِ الْمُنْتَظَمَةِ. ☐ جُنُودٍ ☐ جُنْدِيٍّ
- ٤- تَيَّارُ الْكَهْرَبَاءِ فِي ..... حُجَرَاتٍ مَقْطُوعٌ. ☐ الرَّابِعِ ☐ أَرْبَعِ
- ٥- ..... اثْنَانِ حَوْلَ كَوْكَبِ الْمَرِيخِ. ☐ قَمَرَانِ ☐ أَقْمَارٍ
- ٦- ..... وَاحِدَةٌ فِي الْحَدِيقَةِ مُغْلَقَةٌ. ☐ أَنْبُوبَةٌ ☐ أَنْابِيْبُ



## اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

اُكْتُبْ آيَةً أَوْ حَدِيثًا أَوْ نَصًّا بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ مَسْئُولِيَّةِ جَمِيعِ الْمَوَاطِنِينَ  
بِالنِّسْبَةِ لِثَرَوَاتِ الْوَطَنِ وَالْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ وَالْآثَارِ التَّارِيخِيَّةِ وَ اُكْتُبْ تَرْجَمَتَهَا الْفَارْسِيَّةَ وَ  
الْإِنْجِلِيزِيَّةَ مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ.



الْجَانِبِ الشَّرْقِيِّ مِنْ بُسْتَانِ إِثْلُغُولِي فِي مَدِينَةِ تَبْرِيزِ.

تَحَفَّظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمُّكُمْ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

Safeguard the earth, for it is your mother.

از زمین نگهداری کنید؛ زیرا مادرتان است.

## الدَّرْسُ الثَّالِثُ



﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَاباً فَيَبْسُطُهُ فِي

السَّمَاءِ...﴾ الرَّؤْم: ٤٨

خدا همان کسی است که بادهای را می‌فرستد و [بادها] ابری را  
برمی‌انگیزند و [خدا] آن [ابر] را در آسمان می‌گستراند.

هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَتَساقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟! إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ  
وَالنَّلَجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛ وَلَكِنْ أَيْمُنُ أَنْ نَرَى مَطَرَ السَّمَكِ؟! هَلْ تَظُنُّ أَنْ يَكُونَ  
ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ فِلْمًا خَيَالِيًّا؟! حَسَنًا فَانْظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ.



انْظُرْ بِدِقَّةٍ؛ أَنْتَ تُشَاهِدُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ نُمِطِرُ أَسْمَاكَ.  
يُسَمِّي النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرَ السَّمَكِ». حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ النَّاسَ سَنَوَاتٍ  
طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا. يَحْدُثُ «مَطَرُ السَّمَكِ» سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهِنْدُورَاسِ فِي  
أَمْرِيكََا الْوُسْطَى.



تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أَحْيَانًا. فَيَلَاحِظُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً  
وَرَعْدًا وَ بَرَقًا وَ رِيحًا قَوِيَّةً وَ مَطَرًا شَدِيدًا لِمُدَّةٍ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ ثُمَّ تُصْبِحُ الْأَرْضُ  
مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ، فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لِيَطْبَخُهَا وَ تَنَاوُلَهَا.



حَاوَلَ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ؛ فَأَرْسَلُوا فَرِيقًا لِمَزَارَةِ الْمَكَانِ وَ  
التَّعَرُّفِ عَلَى الْأَسْمَاكِ الَّتِي تَسَاقُطُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الْأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ، فَوَجَدُوا أَنَّ  
أَكْثَرَ الْأَسْمَاكِ الْمُنْتَشِرَةِ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ نَوْعٍ وَاحِدٍ، وَلَكِنَّ الْغَرِيبَ فِي الْأَمْرِ أَنَّ الْأَسْمَاكِ  
لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالْمِيَاهِ الْمُجَاوِرَةِ بَلْ بِمِيَاهِ الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ مَسَافَةً مِائَتَيْ  
كِيلُومِترٍ عَنِ مَحَلِّ سُقُوطِ الْأَسْمَاكِ. مَا هُوَ سَبَبُ تَشْكِيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ؟! يَحْدُثُ إِعْصَارٌ  
شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكِ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ وَيَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ وَ عِنْدَمَا يَفْقِدُ  
سُرْعَتَهُ تَسَاقُطُ عَلَى الْأَرْضِ.

يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الْهُندُورَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا وَ يُسَمُّوْنَهُ «مِهْرَجَانِ مَطَرِ السَّمَكِ».



حَتَّى تُصَدِّقَ: تا باور کنی	تَسَاقَطَ: پی در پی افتاد	أَثَارَ: برانگیخت
ظَاهِرَةٌ: پدیده «جمع: ظواهر»	التَّعَرُّفُ عَلَی: شناختن	إِحْتَفَلْ: جشن گرفت
عَبَّرَ: از راه	تَلَجَّ: برف، یخ «جمع: ثلوج»	أَرْسَلَ: فرستاد
فِلمَ: فیلم «جمع: أفلام»	حَسَنًا: بسیار خوب	أَصْبَحَ: شد
لَاخَظَ: ملاحظه کرد	حَيَّرَ: حیران کرد	إِعْصَارَ: گردباد «جمع: أعاصير»
الْمُحِيطُ الْأَطْلَسِيّ: اقیانوس اطلس	سَحَبَ: کشید	أَمْرِيكَا الْوُسْطَى: آمریکای مرکزی
مَفْرُوشَ: پوشیده	سَمَّى: نامید	أَمَطَرَ: باران بارید
مِهْرَجَان: جشنواره	سَوْدَاءَ: سیاه (مؤنثِ أَسْوَد)	بَسَطَ: گستراند
نُزُول: پایین آمدن	سَتَوِيًّا: سالانه	بَعْدَ: دور شد
	صَدَّقَ: باور کرد	تَرَى: می بینی «أَنْ تَرَى: که ببینی»

×      ✓



### عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- يَحْتَفِلُ أَهَالِي الْهِنْدُورَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ شَهْرِيًّا وَ يُسَمُّوْنَهُ «مِهْرَجَانُ الْبَحْرِ».
- ۲- عِنْدَمَا يَفْقِدُ الْإِعْصَارُ سُرْعَتَهُ، تَتَسَاقَطُ الْأَسْمَاكُ عَلَى الْأَرْضِ.
- ۳- يَتَسَّ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ.
- ۴- إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَ التَّلَجِّ مِنَ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ.
- ۵- تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي السَّنَةِ.

## إِعْلَمُوا

### الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمُجَرَّدُ وَالْمَزِيدُ (۱)

در زبان فارسی به فعل‌هایی مانند «رفت» و «برگشت»، سوم شخص مفرد می‌گوییم. فعل‌ها در زبان عربی بر اساس شکل «سوم شخص مفرد در فارسی» (مفرد مذکر غایب) به دو گروه تقسیم می‌شوند.

**گروه اول:** ثلاثی مجرّد؛ یعنی فعل‌هایی که «ماضی مفرد مذکر غایب» آنها فقط از سه حرف اصلی تشکیل می‌شود. بیشتر فعل‌های عربی متوسطهٔ اوّل این‌گونه بودند؛ مانند: حَرَجَ، عَرَفَ، قَطَعَ و شَكَرَ.

**گروه دوم:** ثلاثی مزید؛ فعل‌هایی که «ماضی مفرد مذکر غایب» آنها علاوه بر سه حرف اصلی، حروف زائد دارد؛ مانند: اسْتَخْرَجَ، اعْتَرَفَ، انْقَطَعَ و تَشَكَّرَ؛ این فعل‌ها علاوه بر اینکه تعداد حروفشان بیشتر است، معنایشان نیز فرق دارد.

این فعل‌ها هشت دسته‌اند که به هر دسته «باب» گفته می‌شود.

در جدول زیر به ترتیب چهار باب ثلاثی مزید «استفعال، افتعال، انفعال و تفعل» آمده است.

الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر	الْمَصْدَر
اسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعِلُ	اسْتَفْعِلْ	اسْتِفْعَال
اِفْتَعَلَ	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعِلْ	اِفْتِعَال
اِنْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	اِنْفَعِلْ	اِنْفِعَال
تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّل

أَلْبَاب	الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر	الْمَصْدَر
إِسْتَفْعَال	إِسْتَرْجَعَ: پس گرفت	يَسْتَرْجِعُ: پس می گیرد	إِسْتَرْجِعْ: پس بگیر	إِسْتِرْجَاع: پس گرفتن
إِفْتِعَال	إِسْتَعَلَ: کار کرد	يَسْتَعِلُّ: کار می کند	إِسْتَعِلْ: کار کن	إِسْتِغَال: کار کردن
إِنْفِعَال	إِنْفَتَحَ: باز شد	يَنْفَتَحُ: باز می شود	إِنْفَتَحْ: باز شو	إِنْفِتَاح: باز شدن
تَفْعُل	تَخَرَّجَ: دانش آموخته شد	يَتَخَرَّجُ: دانش آموخته می شود	تَخَرَّجْ: دانش آموخته شو	تَخَرُّج: دانش آموخته شدن

## إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ:

### تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الثَّلَاثِيَّةَ الْمَزِيدَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْبَابِ.

#### باب

	يَسْتَغْفِرُ:	إِسْتَغْفَرَ:	مضارع	ماضي
	إِسْتِغْفَار: آمرزش خواستن	إِسْتَغْفَر:	مصدر	امر

	يَعْتَذِرُ:	إِعْتَذَرَ:	مضارع	ماضي
	إِعْتِذَار: پوزش خواستن	إِعْتَذَرَ:	مصدر	امر

	يَنْقَطِعُ:	إِنْقَطَعَ:	مضارع	ماضي
	إِنْقِطَاع: بُریده شدن	إِنْقَطَعَ:	مصدر	امر

	يَتَكَلَّمُ:	تَكَلَّمَ:	مضارع	ماضي
	تَكَلُّم: سخن گفتن	تَكَلَّمَ:	مصدر	امر

## الْفِعْلُ اللَّازِمُ وَ الْفِعْلُ الْمُتَعَدِّي

پیش از آشنایی با فعل لازم و متعدی با مفهوم فعل، فاعل و مفعول آشنا شوید.

**فعل،** کلمه‌ای است که بر انجام کاری یا داشتن حالتی در گذشته، حال یا آینده دلالت دارد.

**فاعل،** انجام دهنده کار یا دارنده حالت است.

**مفعول،** اسمی است که در زبان عربی معمولاً پس از فاعل می‌آید و کار بر آن انجام می‌شود.

فعلی که معنای آن با فاعل کامل می‌شود و به مفعول نیاز ندارد، فعل لازم نام دارد.

مثال: رَجَعَ جَوَادُ: جواد برگشت.

تَجَلَّسَ سَاجِدَةٌ: ساجده می‌نشیند.

به فعلی که معنای آن با فاعل کامل نمی‌شود و به مفعول نیاز دارد، فعل متعدی گفته می‌شود.

مثال: أَرْسَلَ جَوَادُ رِسَالَةً: جواد نامه‌ای را فرستاد.

يَقْطَعُ النَّجَّارُ الْخَشَبَ: نجار چوب را می‌برد.

## اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَ وَ عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُتَعَدِّي.

۱- ﴿إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ...﴾ يوسف : ۴

۲- ذَهَبَتْ طَالِبَةٌ لِإِطْفَاءِ الْمُكَيِّفَاتِ.

۳- زَانَ اللَّهُ السَّمَاءَ بِأَنْجُمٍ كَالدُّرَرِ.

۴- تَنْمُو الشَّجَرَةُ مِنْ حَبَّةٍ صَغِيرَةٍ.

۵- اشْتَرَى وَالِدٌ حَامِدٌ حَاسِبًا لَهُ.

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

## حوار

### (في قسم الجوازات<sup>١</sup>)

شُرطِي إدارة الجوازات	المُساوِر الإيراني
أهلاً وَ سهلاً بِكُمْ. مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟	نَحْنُ مِنْ إِيْرانَ وَ مِنْ مَدِينَةِ زابُل.
مَرَحَباً بِكُمْ <sup>٢</sup> . شَرَفْتُمونا <sup>٣</sup> .	أَشْكُرُكَ يا سَيِّدي.
ماشاءالله! تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّداً!	أَحِبُّ هَذِهِ اللُّغَةَ. الْعَرَبِيَّةُ جَمِيلَةٌ.
كَمْ عَدَدُ المُرَافِقِينَ <sup>٤</sup> ؟	سِتَّةٌ: وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ <sup>٥</sup> .
أهلاً بِالضُّيُوفِ. هَلْ عِنْدَكُمْ بَطَاقَاتُ <sup>٦</sup> الدُّخُولِ؟	نَعَمْ؛ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا بِطَاقَتُهُ بِيَدِهِ.
الرِّجَالُ عَلَى الِئْمِينِ وَ النِّسَاءُ عَلَى الِئْسارِ لِلتَّفْتِيشِ <sup>٧</sup> .	عَلَى عَيْنِي.
رَجاءً؛ اجْعَلُوا جَوَازاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ.	نَحْنُ جَاهِزُونَ <sup>٨</sup> .



١- جواز: گذرنامه ٢- مَرَحَباً بِكُمْ: خوش آمدید ٣- شَرَفْتُم: مشرف فرمودید ٤- مُرافِق: همراه ٥- وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ: پدر و مادر، دو خواهرم و دو برادرم ٦- بَطَاقَةُ: کارت، بلیت ٧- تَفْتِيش: بازرسی ٨- جَاهِزُونَ: آماده

التَّمرينُ الأوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرَ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. ✓ x

- ١- الْمِهْرَجَانُ احْتِفَالٌ بِمُنَاسَبَةٍ جَمِيلَةٍ، كَمِهْرَجَانِ الْأَزْهَارِ وَ مِهْرَجَانِ الْأَفْلامِ. ....
- ٢- الثَّلْجُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ نُزُولِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ يَنْزِلُ عَلَى الْجِبَالِ فَقَط. ....
- ٣- يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُّونَ بِالنُّورُوزِ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الْهَجْرِيَّةِ الشَّمْسِيَّةِ. ....
- ٤- تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ فِي النَّهْرِ وَ الْبَحْرِ وَ لَهَا أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ. ....
- ٥- الْإِعْصَارُ رِيحٌ شَدِيدَةٌ لَا تَنْتَقِلُ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ. ....

التَّمرينُ الثَّانِي: صَعْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- |                         |   |
|-------------------------|---|
| ١- مَكَيِّفُ الْهَوَاءِ | ○ يَدْرُسُ فِيهِ الطُّلَّابُ.                                       |
| ٢- الْمِشْمِشُ          | ○ مَا لَيْسَ مَفْتُوحًا؛ بَلْ مَسْدُودًا.                           |
| ٣- الْمَغْلَقُ          | ○ جِهَازٌ لِلْخَلَاصِ مِنْ حَرَارَةِ الصَّيْفِ.                     |
| ٤- الْخَضِرَةُ          | ○ فَاكِهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُجَفَّفَةً وَ غَيْرَ مُجَفَّفَةٍ. |
| ٥- الصَّفِّ             |   |

التَّمرينُ الثَّالِثُ: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ. = ≠

أَنْزَلَ / أَصْبَحَ / حَفَلَةٌ / رَفَعَ / صُعُودَ / صَارَ / حُجْرَةٌ / مِهْرَجَانُ / نُزُولُ / عُرْفَةٌ  
/ ..... / ..... / ..... / .....

## الْتَّمَرِينَ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ، وَعَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُتَعَدِّي.

١- النَّاسُ نِيَامٌ؛ فَإِذَا مَاتُوا **اِنْتَبَهُوا**<sup>٢</sup>. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٢- شَاهَدَ النَّاسُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ.

٣- يَزْرَعُ الْجَاهِلُ الْعُدُونَ فَيَحْصُدُ الْخُسْرَانَ.

٤- ذَهَبَتْ سُمَيَّةُ إِلَى مُدِيرَةِ الْمَدْرَسَةِ.

٥- يَرْجِعُ الطُّلَّابُ مِنَ السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ.



سنگ قبر بانو دکتر آنه ماری شیمیل اسلام پڑوه، خاورشناس و مولوی شناس آلمانی

آراسته به حدیث پیامبر اسلام ﷺ

١- نیام: خفتگان ٢- اِنْتَبَهُوا: بیدار شدن (بیدار شوند)

التَّمَرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ.

﴿رَجِعُوا إِلَيْهِمْ﴾	﴿يَعْرِفُونَهُمْ﴾	﴿سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾
.....	.....	.....
﴿أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾	﴿وَلَا تَيْأَسُوا﴾	﴿يَقُولُونَ سَمِعْنَا﴾
.....	.....	.....
﴿أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾	﴿اسْتَخْرَجَهَا﴾	﴿ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ﴾
.....	.....	.....
﴿ظَلَمْتُ نَفْسِي﴾	﴿نَجْعَلُهُمْ أُيُمَةً﴾	﴿لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ﴾
.....	.....	.....
﴿أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ﴾	﴿اغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ﴾	﴿اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا﴾
.....	.....	.....
﴿قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا﴾	﴿وَاتْرِكِ الْبَحَرَ﴾	﴿يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ﴾
.....	.....	.....

## الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ قِصَّةٍ قَصِيرَةٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوْ مَجَلَّةٍ أَوْ كِتَابٍ وَ تَرَجِّمْهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ – فَارِسِيِّ.



## الدَّرْسُ الرَّابِعُ



﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ الْأَنْبِيَاءُ : ٩٢  
بی گمان این امت شماست؛ امتی یگانه و من پروردگارتان هستم، پس  
مرا پرستید.

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ قَائِمَةً عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَاجْتِنَابِ أَيِّ إِسَاءَةٍ؛  
فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ:

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ  
عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾<sup>١</sup> فَصَّلَتْ: ٣٤

إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَلَّا يَسْبُوا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ فَهُوَ يَقُولُ:

﴿وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ...﴾<sup>٢</sup> الْأَنْعَامُ: ١٠٨

الْإِسْلَامُ يَحْتَرِمُ الْأَدْيَانَ الْإِلَهِيَّةَ؛ ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ  
أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً﴾ آلْ عِمْرَانُ: ٦٤

يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى حُرِّيَةِ الْعَقِيدَةِ: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٥٦

لَا يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدْوَانِ، لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ؛ وَ عَلَى كُلِّ النَّاسِ  
أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشاً سَلْمِيّاً، مَعَ اخْتِفَاطٍ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ؛ لِأَنَّهُ  
﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ الرَّؤْمُ: ٣٢

الْبِلَادُ الْإِسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا وَ أَلْوَانِهَا.  
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوباً وَ  
قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ الْحُجُرَاتُ: ١٣

١- و نیکی و بدی برابر نیستند؛ [بدی را] به گونه‌ای که بهتر است دفع کن که آنگاه کسی که میان تو و او دشمنی  
هست، گویی دوستی صمیمی می‌شود.

٢- کسانی را که به جای خدا فرا می‌خوانند، دشنام ندهید که به خداوند دشنام دهند ...

يَأْمُرُنَا الْقُرْآنُ بِالْوَحْدَةِ. ﴿وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾ آل عمران: ١٠٣

يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ، مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ. الْمُسْلِمُونَ خُمُسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ، يَعِيشُونَ فِي مِسَاحَةٍ وَاسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصِّينِ إِلَى الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ.

قَالَ الْإِمَامُ الْخُمَيْنِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ: ... إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلَامًا يُفَرِّقُ الْمُسْلِمِينَ، فَاعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ يُحَاوِلُ إِيجَادَ التَّفْرِيقَةِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ. وَ قَالَ قَائِدُنَا آيَةُ اللَّهِ الْخَامِنِي: مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِيقَةِ، فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.

إِحْتَرَمَ: احترام گذاشت

إِحْتِفَازٌ: نگاه داشتن

إِسَاءَةٌ: بدی کردن

إِسْتَوَى: برابر شد

أَشْرَكَ: شریک قرار داد

إِعْتَصَمَ: چنگ زد (با دست گرفت)

أَكَّدَ: تأکید کرد

أُنْثَى: زن، ماده

أَلَّا: که نه ... أَلَّا نَعْبُدَ: که نپرستیم

(أَنَّ+لَا نَعْبُدُ)

أَيُّ إِسَاءَةٍ: هرگونه بدی، هرگونه

بی ادبی

تَجَلَّى: جلوه گر شد

تَعَارَفَ: یکدیگر را شناختن

لِتَعَارَفُوا: تا یکدیگر را بشناسید.

تَعَايَشَ: همزیستی داشت

«أَنْ يَتَعَايَشُوا تَعَايُشًا سَلَمِيًّا: که

همزیستی مسالمت آمیز کنند.»

تَفَرَّقَ: پراکنده شد

لَا تَفَرَّقُوا: پراکنده نشوید

جَازَ: جایز است

حَبَلٌ: طناب «جمع: حبال»

حُرِّيَّةٌ: آزادی

حَمِيمٌ: گرم و صمیمی

خِلَافٌ: اختلاف

خُمْسٌ: یک پنجم

دَعَا: فرا خواند، دعا کرد

«يَدْعُونَ: فرا می خوانند»

ذَكَرَ: مرد، نر

فَرِحَ: شاد

فَرَّقَ: پراکنده ساخت

قَائِدٌ: رهبر «جمع: قادة»

قَائِمٌ: استوار، ایستاده

سَبَّ: دشنام داد

سُكَّانٌ: ساکنان

سِلْمِيٌّ: مُسَالَمَت آمیز

«سِلْمٌ: صلح»

سَوَاءٌ: یکسان

عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ: در گذر زمان

عَمِيلٌ: مزدور «جمع: عملاء»

فَضْلٌ: برتری، فزونی

لَدَى: نزد «لَدَيْهِمْ: دارند»

مَعَ بَعْضٍ: با همدیگر

مِنْ دُونِ اللَّهِ: به جای خدا، به غیر

خدا

x ✓

## عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ..... ۱- يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ الْعُدْوَانِ، لِلدَّفَاعِ عَنِ الْحَقِيقَةِ.
- ..... ۲- رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ قَائِمَةٌ عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَ اجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ.
- ..... ۳- عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشاً سَلْمِيّاً.
- ..... ۴- لِبَعْضِ الشُّعُوبِ فَضْلٌ عَلَى الْآخَرِينَ بِسَبَبِ اللَّوْنِ.
- ..... ۵- رُبْعُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ.

## اعلموا

### الفعل الثلاثي المزيد (۲)

در درس گذشته با چهار باب از فعل‌های «ثلاثی مزید» آشنا شدیم.  
با چهار باب ثلاثی مزید دیگر (تَفَاعَلَ، تَفَعَّلَ، مُفَاعَلَةٌ و اِفعال) آشنا شوید.

الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر	الْمَصَدَر
تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ	تَفَاعُلٌ
فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	فَعِّلْ	تَفَعُّيلٌ
فَاعَلَ	يُفَاعِلُ	فَاعِلْ	مُفَاعَلَةٌ
أَفْعَلَ	يُفْعِلُ	أَفْعِلْ	إِفْعَالٌ



أَلْبَاب	الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر	الْمَصْدَر
تَفَاعُل	تَشَابَهَ: همانند شد	يَتَشَابَهُ: همانند می شود	تَشَابَهَ: همانند شو	تَشَابُه: همانند شدن
تَفْعِيل	فَرَّحَ: شاد کرد	يُفَرِّحُ: شاد می کند	فَرَّحَ: شاد کن	تَفْرِيح: شاد کردن
مُفَاعَلَة	جَالَسَ: همنشینی کرد	يُجَالِسُ: همنشینی می کند	جَالَسَ: همنشینی کن	مُجَالَسَة: همنشینی کردن
إِفْعَال	أَخْرَجَ: بیرون آورد	يُخْرِجُ: بیرون می آورد	أَخْرَجَ: بیرون بیاور	إِخْرَاج: بیرون آوردن

## إِخْتَبَرْ نَفْسَكَ:

### تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الثَّلَاثِيَّةَ الْمَزِيدَةَ، وَ اكْتُبْ بَابَهَا.

#### باب

يَتَعَامَلُ:

تَعَامَلَ:

مضارع

ماضي

تَعَامَلُ: داد و ستد کردن

تَعَامَلَ:

مصدر

امر

يُعَلِّمُ:

عَلَّمَ:

مضارع

ماضي

تَعْلِيم: یاد دادن

عَلَّمَ:

مصدر

امر

يُكَاتِبُ:

كَاتَبَ:

مضارع

ماضي

مُكَاتَبَة: نامه نگاری کردن

كَاتَبَ:

مصدر

امر

يُجْلِسُ:

أَجْلَسَ:

مضارع

ماضي

إِجْلَاس: نشاندن

أَجْلَسَ:

مصدر

امر

■ در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

جِوَارُ  
(في صَالَةٍ التَّفْتِيشِ بِالْجَمَارِكِ<sup>٢</sup>)

شُرْطِيُّ الْجَمَارِكِ	الزَّائِرَةُ
إِجْلِبِي هَذِهِ الْحَقِيبَةَ إِلَى هُنَا.	عَلَى عَيْنِي، يَا أَخِي، وَلَكِنْ مَا هِيَ الْمُسْكِلَةُ؟
تَفْتِيشٌ بَسِيطٌ.	لَا بَأْسَ.
عَفْوًا؛ لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيبَةُ؟	لِأُسْرَتِي.
إِفْتَحِيهَا مِنْ فَضْلِكَ <sup>٣</sup> .	تَفَضَّلْ، حَقِيبَتِي مَفْتُوحَةٌ لِلتَّفْتِيشِ.
مَاذَا فِي الْحَقِيبَةِ؟	فُرْشَاةُ الْأَسْنَانِ وَالْمَعْجُونُ وَالْمِنْشَقَّةُ وَالْمَلَابِيسُ ...
مَا هَذَا الْكِتَابُ؟	لَيْسَ كِتَابًا؛ بَلْ دَفْتَرُ الذِّكْرِيَّاتِ <sup>٤</sup> .
مَا هَذِهِ الْحُبُوبُ؟	حُبُوبٌ مُهْدَّئَةٌ، عِنْدِي صُدَاعٌ.
هَذِهِ، غَيْرُ مَسْمُوحَةٍ.	وَلَكِنْ أَنَا بِحَاجَةٍ إِلَيْهَا جِدًّا.
لَا بَأْسَ.	شُكْرًا.
إِجْمَعِيهَا وَادْهَبِي.	فِي أَمَانِ اللَّهِ.



١- صَالَةٌ: سالن ٢- جَمَارِك: گمرک ٣- مِنْ فَضْلِكَ: لطفاً ٤- ذِّكْرِيَّات: خاطرات

التَّمرينُ الأوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ النَّصِّ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- رَئِيسُ الْبِلَادِ، الَّذِي يَأْمُرُ الْمَسْؤُولِينَ وَ يَنْصَحُهُمْ لِإِدَاءِ وَاجِبَاتِهِمْ. ....
- ٢- عَرَفَ الْبَعْضُ الْبَعْضَ الْآخَرَ. ....
- ٣- الَّذِي يَعْمَلُ لِمَصْلَحَةِ الْعَدُوِّ. ....
- ٤- جُزْءٌ وَاحِدٌ مِنْ خَمْسَةٍ. ....

التَّمرينُ الثَّاني: صَغْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

سَوَاءٍ / الشَّعْبُ / يَجُوزُ / قَائِمَةٌ / فَضْلٌ / لَدَيَّ / مِنْ دُونِ

١- ..... جَوَّالٌ تَفَرَّغَ بَطَارِيَّتُهُ خِلَالَ نِصْفِ يَوْمٍ.

٢- زُمْلَانِي فِي الدَّرْسِ عَلَى حَدِّ .....

٣- لِصَدِيقِي ..... فِي حُسْنِ الْخُلُقِ.

٤- لَا يَقْبَلُ ..... الْإِيرَانِيَّ أَيَّ صَغَطٍ.

٥- لَا تَعْبُدُوا ..... اللَّهَ أَحَدًا.

الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ. (هَلْ تَعْلَمُ أَنْ...)

١- ... الزَّرَافَةُ لَا تَنَامُ فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ إِلَّا أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً وَعَلَى ثَلَاثِ مَرَاحِلَ؟

٢- ... مَقْبَرَةُ «وَادِي السَّلَام» فِي النَّجَفِ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ؟

٣- ... الصِّينُ أَوَّلُ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَحْدَمَتْ نُقُوداً وَرَقِيَّةً؟

٤- ... الْفَرَسَ قَادِرٌ عَلَى النَّوْمِ وَاقِفاً عَلَى أَقْدَامِهِ؟

٥- ... أَكْثَرَ فَيْتَامِينَ C لِلْبُرْتُقَالِ فِي قِشْرِهِ؟



الْتَمَرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ وَ اكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.

١- قَلْبٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحِكْمَةِ كَبَيْتٍ خَرِبٍ فَتَعَلَّمُوا وَ عَلِّمُوا وَ تَفَقَّهُوا<sup>١</sup>، وَ لَا تَمُوتُوا جُهَالًا؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَعْذِرُ<sup>٢</sup> عَلَى الْجَهْلِ.

٢- تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ وَ تَعَلَّمُوا لَهُ السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَ لِمَنْ تُعَلِّمُونَهُ.

٣- مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْعِطَّارِ إِنْ جَالَسَتْهُ<sup>٣</sup> نَفَعَكَ، وَ إِنْ مَاشَيْتَهُ<sup>٤</sup> نَفَعَكَ، وَ إِنْ شَارَكَتَهُ نَفَعَكَ.

٤- لَا تَجْتَمِعْ خَصْلَتَانِ فِي مُؤْمِنٍ: الْبُخْلُ وَ الْكِذْبُ.

١- تَفَقَّهُوا: دَانَشْ بِيَامُوزِيد ٢- لَا يَعْذِرُ: عَذْرَ نَمِي پَذِيرِد ٣- إِنْ جَالَسَتْهُ: اِگَر بَا اَوْ هَمَنْشِينِي كَنِي

٤- إِنْ مَاشَيْتَهُ: اِگَر بَا اَوْ هَمْرَاهِي كَنِي

التَّمرِينُ الْخامِسَ: تَرْجِمُ أَفْعَالَ هَذَا الْجَدْوَلِ وَ مَصَادِرَهَا.

الْمَاضِي	الْمُضَارِعُ	الْمَصْدَرُ	الْأَمْرُ
أَنْتَجَ	يُنْتَجِجُ	إِنْتَاَج	أَنْتِجْ
شَجَّعَ	يُشَجِّعُ	تَشْجِيع	شَجِّعْ
سَاعَدَ	يُسَاعِدُ	مُسَاعَدَة	سَاعِدْ
تَسَاقَطَ	يَتَسَاقَطُ	تَسَاقُط	تَسَاقُطْ
اِسْتَحْدَمَ	يَسْتَحْدِمُ	اِسْتِحْدَام	اِسْتَحْدِمْ
اِنْتَفَعَ	يَنْتَفِعُ	اِنْتِفَاع	اِنْتَفِعْ
تَعَلَّمَ	يَتَعَلَّمُ	تَعَلُّم	تَعَلَّمْ
اِنْكَسَرَ	يَنْكَسِرُ	اِنْكِسَار	اِنْكَسِرْ



التَّمْرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ اكْتُبِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِيهَا وَ صَيِّغْهَا. ۞ نُورُ السَّمَاءِ ۞

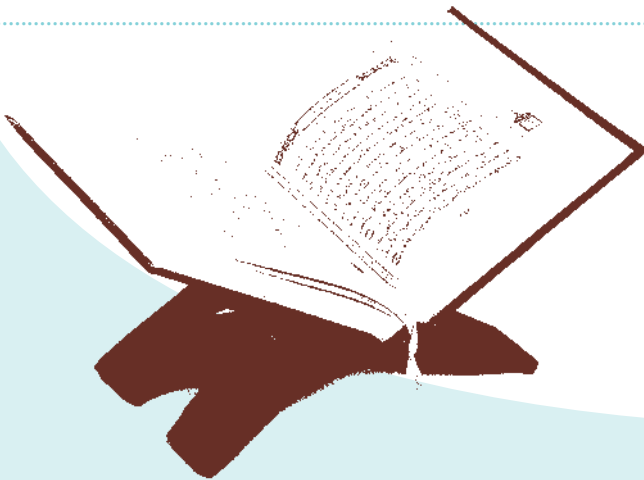
١- ﴿وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٢

٢- ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٥٧

٣- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾ غَافِر: ٥٥

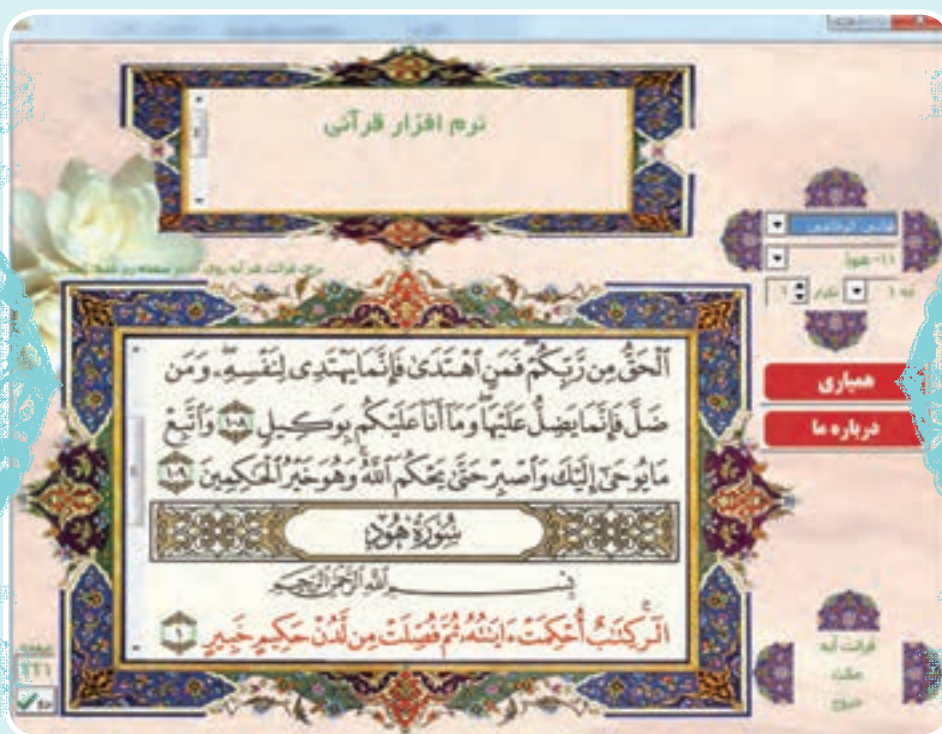
٤- ﴿وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ﴾ الْإِسْرَاء: ١٠٥

٥- ﴿قَالَ إِنِّي أَغْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ الْبَقَرَةُ: ٣٠



اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ آيَاتٍ فِي كُلِّ مِّنْهَا فَعَلْ مِنْ هَذِهِ الْأَفْعَالِ. (فِي كُلِّ آيَةٍ فَعِلْ وَاحِدًا).  
أَرْسَلْنَا. انتَظَرُوا. اسْتَغْفِرْ. اِنْبَعَثْ. تَفَرَّقْ. تَعَاوَنُوا. عَلَّمْنَا. يُجَاهِدُونَ



## الدَّرْسُ الْخَامِسُ



﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾ الْعَنْكَبُوت: ٢٠  
بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه [خداوند] آفرینش را آغاز  
کرد.

﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ﴾ لقمان: ١١

﴿الْغَوَاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لَيْلاً، شَاهَدُوا مِثَاتِ الْمَصَابِيحِ الْمُلَوَّنَةِ الَّتِي يَنْبَعِثُ ضَوْؤُهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيئَةِ، وَ تَحُولُ ظِلَامُ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْغَوَاصُونَ التِّقَاطَ صَوْرٍ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ. اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَنْبَعِثُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عْيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ. هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْماً مِنْ تِلْكَ الْمُعْجَزَةِ الْبَحْرِيَّةِ، وَ يَسْتَعِينُ بِالْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ؟



رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ، لِأَنَّهُ «مَنْ طَلَبَ شَيْئاً وَ جَدَّ وَجَدَ».

﴿إِنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَبِئِيٌّ دَائِمٌ، لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغُدَدٍ تُفْرِزُ سَائِلاً مُطَهَّراً، فَيَلْعَقُ الْقِطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَنِمَ.

﴿إِنَّ بَعْضَ الطُّيُورِ وَ الْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِغَيْرِزَتِهَا

الْأَعْشَابَ الطَّبِئَةَ وَ تَعْلَمُ كَيْفَ تَسْتَعْمِلُ الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ

لِلوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ؛ وَ قَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِّ الطَّبِئَةِ لِكَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتَاتِ الْبَرِّيَّةِ وَ غَيْرِهَا.

﴿إِنَّ أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى امْتِلَاقِهَا لِلْعَةِ خَاصَّةً بِهَا، تَمْلِكُ لُعَةً عَامَّةً تَسْتَطِيعُ مِنْ خِلَالِهَا أَنْ تَتَفَاهَمَ مَعَ بَعْضِهَا، فَلِلْغُرَابِ صَوْتُ يُحْذِرُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعدَ سَرِيعاً عَنْ مَنَاطِقَةِ الْخَطَرِ، فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ جَاسُوسٍ مِنْ جَوَاسِيسِ الْغَابَةِ.





لِلْبَطَّةِ غُدَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ ذَنْبِهَا تَحْتَوِي زَيْتًا خَاصًّا  
تَنْشُرُهُ عَلَى جِسْمِهَا فَلَا يَتَأَثَّرُ بِالْمَاءِ.



تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي  
اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ رَأْسَهَا وَ هِيَ تَسْتَطِيعُ  
أَنْ تَرَى فِي اتِّجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.

لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ، وَلَكِنَّهَا تَعْوِضُ هَذَا النِّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا  
فِي كُلِّ جِهَةٍ؛ وَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا مِائَتَيْنِ وَ سَبْعِينَ دَرَجَةً دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ جِسْمَهَا.





إِبْتَعَدَ: دور شد  
 «حَتَّى تَبْتَغِدَ: تا دور شود»  
 اتَّجَاهَ: جهت  
 أَدَارَ: چرخاند، اداره کرد  
 «أَنْ تُدِيرَ: که بچرخاند»  
 أَنْ تَرَى: که ببیند  
 اسْتَفَادَ: بهره بُرد  
 «أَنْ يَسْتَفِيدَ: که بهره ببرد»  
 إِضَافَةً إِلَى: افزون بر  
 أَعْشَابَ طَبِيبَةٍ: گیاهان دارویی  
 «مفرد: عُشْبَ طَبِيبٍ»  
 أَفْرَزَ: ترشح کرد  
 اِلْتَأَمَ: بهبود یافت  
 «حَتَّى يَلْتَمِمْ: تا بهبود یابد»  
 اِلْتِقَاطُ صُورٍ: عکس گرفتن  
 إِنْارَةً: نورانی کردن

بَرِيٍّ: خشکی، زمینی  
 نَبَاتَاتٌ بَرِّيَّةٌ: گیاهان صحرایی  
 بَطٌّ، بَطَّةٌ: اردک  
 بَكْتِيرِيَا: باکتری  
 بَوْمٌ، بَوْمَةٌ: جغد  
 تَأَثَّرَ: تحت تأثیر قرار گرفت  
 تَحْتَوِي: در بر دارد  
 تَحَرَّكَ: حرکت کرد  
 تَنَشَّرُ: پخش می کند  
 جُرْحٌ: زخم  
 حَرَكٌ: حرکت داد  
 حَوَّلَ: تبدیل کرد  
 حِرْبَاءٌ: آفتاب پرست  
 دَلَّ: راهنمایی کرد  
 دُونَ أَنْ: بی آنکه  
 «دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ: بی آنکه حرکت بدهد»

ذَنْبٌ: دُم «جمع: أَذْنَابٌ»  
 زَيْتٌ: روغن «جمع: زُيُوتٌ»  
 سَارَ: حرکت کرد، به راه افتاد  
 سَائِلٌ: مایع  
 ضَوْءٌ: نور «جمع: أَضْوَاءٌ»  
 ظَلَامٌ: تاریکی  
 عَوَّضَ: جبران کرد  
 قَطٌّ: گربه  
 لَعِقَ: لیسید  
 مُضِيٌّ: نورانی  
 مُطَهِّرٌ: پاک کننده  
 وَقَايَةُ: پیشگیری  
 مَلَكٌ: مالک شد، فرمانروایی کرد  
 يَسْتَطِيعُ: می تواند  
 يَسْتَعِينُ بِ: از ... یاری می جوید  
 يُنْبِغِثُ: فرستاده می شود

× ✓

عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ.

- ..... ۱- لِلزَّرَافَةِ صَوْتُ يُحَذِّرُ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَغِدَ عَنِ الْخَطَرِ.
- ..... ۲- تُحَوَّلُ الْأَسْمَاكُ الْمُضِيَّةُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ.
- ..... ۳- تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ فَقَطْ.
- ..... ۴- لِسَانُ الْقِطِّ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تُفْرِزُ سَائِلًا مُطَهِّرًا.
- ..... ۵- لَا تَعِيشُ حَيَوَانَاتُ مَائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ.
- ..... ۶- يَتَحَرَّكُ رَأْسُ الْبَوْمَةِ فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ.

## إَعْلَمُوا

«الْجُمْلَةُ الْفَعْلِيَّةُ» وَ «الْجُمْلَةُ الْاِسْمِيَّةُ»

به جمله «يَغْفِرُ اللَّهُ الذُّنُوبَ.» «جمله فعلیه» گفته می‌شود؛ زیرا با فعل شروع شده‌است.

الگوی جمله فعلیه این است: يَغْفِرُ اللَّهُ الذُّنُوبَ.

فعل      فاعل      مفعول

دو جمله «اللَّهُ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ.» و «اللَّهُ غَافِرُ الذُّنُوبِ.» با اسم شروع شده‌اند. به چنین

جمله‌هایی «جمله اسمیه» گفته می‌شود.

الگوی جمله اسمیه این است: اللَّهُ يَغْفِرُ.

مبتدا      خبر

به جمله «اللَّهُ عَالِمٌ.» جمله اسمیه گفته می‌شود؛ زیرا با اسم شروع شده‌است.

مبتدا و خبر تقریباً همان نهاد و گزاره در دستور زبان فارسی‌اند.

مبتدا، اسمی است که معمولاً در ابتدای جمله می‌آید و درباره آن خبری گفته می‌شود.

خبر، بخش دوم جمله اسمیه است و درباره مبتدا خبری می‌دهد.

شناخت اجزای جمله در ترجمه به ما کمک می‌کند.



عَيْنِ الْجُمْلَةِ الْفِعْلِيَّةِ وَ الْجُمْلَةِ الْإِسْمِيَّةِ، ثُمَّ اذْكُرِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ<sup>١</sup>.

١- ﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ﴾ آلُ بَر: ٣٥ خدا برای مردم مثلها می زند.

٢- إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةً. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَبَاهٍ كَرْدَنِ فُرْصَتِ اَنْدَوَه اِسْت.

گاهی مبتدا و خبر (نهاد و گزاره) و نیز فاعل و مفعول، صفت یا مضاف الیه می گیرند و خودشان موصوف و مضاف می شوند؛ مثال:

صُدُورُ<sup>٢</sup> الْأَحْرَارِ<sup>٣</sup> قُبُورُ الْأَسْرَارِ<sup>٤</sup>.  
سینه های آزادگان گورهای رازهاست.

مبتدا مضاف الیه خبر مضاف الیه

يَزْرَعُ الْفَلَّاحُ الْمُجْدُّ أَشْجَارَ التُّفَاحِ.  
کشاورزِ کوشا درختان سیب می کارد.

فعل فاعل صفت مفعول مضاف الیه

تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيْنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

١- الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ، كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْخُطْبَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٢- مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنْ الْعَقْلِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١- منظور از «عَيْنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ» فقط تعیین نقش کلمه در جمله است؛ مانند مبتدا، خبر، فاعل، مفعول،

مضاف الیه، صفت و ... .

٢- صُدُورُ : سینه ها ٣- أحرار: آزادگان ٤- قَسَمَ وَ قَسَمَ: تقسیم کرد

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

### جَوَازُ (مَعَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأُجْرَةِ)

السَّائِقُ	سَائِقُ سَيَّارَةِ الْأُجْرَةِ
أَيُّهَا السَّائِقُ، نُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ إِلَى الْمَدَائِنِ.	أَنَا فِي خِدْمَتِكُمْ. تَفَضَّلُوا.
كَمْ الْمَسَافَةُ مِنْ بَغدَادَ إِلَى هُنَاكَ؟	أَطْنُ الْمَسَافَةَ سَبْعَةً وَ ثَلَاثِينَ كِيلُومِتْرًا. عَجِيبُ؛ لِمَ تَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدَائِنِ؟
لِزِيَارَةِ مَرْقَدِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَ مُشَاهَدَةِ طَاقِ كِسْرَى؛ لِمَاذَا تَتَعَجَّبُ؟!	لَأَنَّهُ لَا يَذْهَبُ إِلَى الْمَدَائِنِ إِلَّا قَلِيلٌ مِنَ الزُّوَارِ.
فِي الْبِدَايَةِ تَشَرَّفْنَا بِزِيَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ فِي الْمُدُنِ الْأَرْبَعَةِ كَرْبَلَاءَ وَ النَّجَفِ وَ سَامَرَاءَ وَ الْكَاظِمِيَّةِ.	زِيَارَةُ مَقْبُولَةٌ لِلْجَمِيعِ! أَ تَعْرِفُ مَنْ هُوَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ أَمْ لَا؟
نَعَمْ؛ أَعْرِفُهُ، إِنَّهُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ﷺ وَ أَوَّلُهُ مِنْ إِصْفَهَانَ.	أَحْسَنْتَ! وَ هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ عَنْ طَاقِ كِسْرَى؟
بِالتَّأَكِيدِ؛ إِنَّهُ أَحَدُ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ قَبْلَ الْإِسْلَامِ. قَدْ أَنْشَدَ شَاعِرَانِ كَبِيرَانِ قَصِيدَتَيْنِ عِنْدَ مُشَاهَدَتِهِمَا إِيوَانَ كِسْرَى: الْبُحْتُرِيُّ مِنَ أَكْبَرِ شُعَرَاءِ الْعَرَبِ، وَ خَاقَانِي، الشَّاعِرُ الْإِيرَانِيُّ.	مَا شَاءَ اللَّهُ! بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ! <sup>٢</sup> مَعْلُومَاتُكَ كَثِيرَةٌ!



١- قَدْ أَنْشَدَ: سروده است ٢- بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ: آفرین بر تو

التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- طَائِرٌ يَسْكُنُ فِي الْأَمَاكِنِ الْمَتْرُوكَةِ يَنَامُ فِي النَّهَارِ وَ يَخْرُجُ فِي اللَّيْلِ.

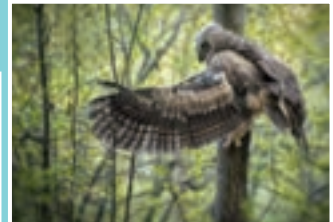
٢- عُضْوٌ خَلَفَ جِسْمِ الْحَيَّوانِ يُحَرِّكُهُ غَالِباً لِطَرْدِ الْحَشَرَاتِ.

٣- نَبَاتَاتٌ مُفِيدَةٌ لِلْمُعَالَجَةِ نَسْتَفِيدُ مِنْهَا كَدَوَاءٍ.

٤- طَائِرٌ يَعِيشُ فِي الْبَرِّ وَ الْمَاءِ.

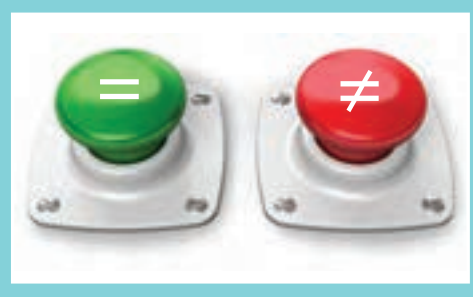
٥- عَدَمُ وُجُودِ الصُّوءِ.

٦- نَشْرُ النَّوْرِ.



التَّمْرِينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ. = ≠

سَلَمٌ ..... حَرْبٌ	اِسْتَطَاعَ ..... قَدِرَ
اِحْسَانٌ ..... اِساءَةٌ	اِقْتَرَبَ ..... اِبْتَعَدَ
ظَلَامٌ ..... ضِيَاءٌ	فَارِغٌ ..... مَمْلُوءٌ
نُفَايَةٌ ..... زُبَالَةٌ	اَغْلَقَ ..... فَتَحَ
حُجْرَةٌ ..... غُرْفَةٌ	غَيْمٌ ..... سَحَابٌ
قَرَبٌ ..... بَعْدٌ	قَذَفَ ..... رَمَى
مِنْ فَضْلِكَ ..... رَجَاءٌ	فَرِحَ ..... حَزِنَ
جَاهِزٌ ..... حَاضِرٌ	عُصَّةٌ ..... حُزْنٌ



التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: اكتب اسم كل صورة في الفراغ ، ثم عَيِّن المَطْلُوبَ مِنْكَ.

البَطُّ / الكِلَابُ / الغُرَابُ / الطَّاوُوسُ / الحِرْبَاءُ / البَقَرَةُ



١- تُعْطِي ..... الحليب. ٢- يُرْسَلُ ..... أخبار الغابة. ٣- ذَنْبٌ ..... جميل.



٤- ..... ذاتُ عيونٍ مُتَحَرِّكَةٍ. ٥- الشُّرْطِيُّ يَحْفَظُ الأَمْنَ بِ..... ٦- طَائِرٌ جَمِيلٌ.

١- أَلْفَاعِلُ: ..... ٢- أَلْمَفْعُولُ: ..... ٣- أَلْمُضَافُ إِلَيْهِ: .....

٤- أَلصِّفَةُ: ..... ٥- أَلْمُبْتَدَأُ: ..... ٦- أَلْخَبَرُ: .....

## التَّمرِينُ الرَّابِعُ : عَيْنِ الْفَاعِلِ وَ الْمَفْعُولِ مِنَ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

١- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ<sup>١</sup> عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الْفَتْح: ٢٦

٢- ﴿لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا<sup>٢</sup> إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾ الْأَعْرَاف: ١٨٨

٣- ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا<sup>٣</sup> وَ نَبِيَّ خَلَقَهُ﴾ يَس: ٧٨

٤- ﴿وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ الْكَهْف: ٤٩

٥- ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ<sup>٤</sup>﴾ الْبَقَرَة: ١٨٥

## التَّمرِينُ الْخَامِسُ: عَيْنِ الْمُبْتَدَأِ وَ الْخَبَرِ فِي الْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ.

١- **الْتَّدَمُ** عَلَى السُّكُوتِ خَيْرٌ مِنَ التَّدَمِ عَلَى الْكَلَامِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٢- أَكْبَرُ الْحَقِّ<sup>٥</sup> الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَ **الدَّمُ**<sup>٦</sup>. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- أَلْعِلْمُ صَيْدٌ وَ الْكِتَابَةُ **قَيْدٌ**<sup>٧</sup>. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

١- سَكِينَة: آرامش ٢- ضَرَّ: زيان ٣- يُسْر: آسانی ٤- نَدَم: پشیمانی ٥- حَقَّق: نادانی ٦- دَم: نکوهش ٧- قَيْد: بند

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: تَرَجِّمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

(مبتدأ و خبر و فاعل ومفعول و مضاف إليه)

١- ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾ الْبَقَرَةُ: ٤٤

٢- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا ٢ إِلَّا وُسْعَهَا﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٨٦

٣- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٥- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

## الدَّرْسُ السَّادِسُ



﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ

فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ﴾ الرُّوم: ٤٢

بگو در زمین بگردید و بنگرید سرانجام پیشینیان چگونه بوده است.

## الْمَعَالِمُ الْخَلَابَةُ

إِنَّ إِيْرَانَ مِنَ الدُّوَلِ الْجَمِيْلَةِ فِي الْعَالَمِ وَ الْمَشْهُورَةِ بِالكَثِيرِ مِنَ الْمَنَاطِقِ الْخَلَابَةِ وَ الْمَعَالِمِ التَّارِيخِيَّةِ وَ الثَّقَافِيَّةِ؛ وَ فِيهَا صِنَاعَاتٌ يَدَوِيَّةٌ تَجْذِبُ السَّائِحِينَ مِنْ كُلِّ الْعَالَمِ. شَهِدَتْ إِيْرَانُ فِي السَّنَوَاتِ الْأَخِيرَةِ نُمُوًّا مَلْحُوظًا فِي السِّيَاحَةِ، فَهِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَحْصُلَ مِنَ السِّيَاحَةِ عَلَى ثَرَوَةٍ عَظِيمَةٍ بَعْدَ النَّفْطِ. يَرَى بَعْضُ السَّائِحِينَ إِيْرَانَ بَلَدًا مُمْتَازًا لِقَضَاءِ الْعُطَلَاتِ.

قَامَتْ مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكَو بِتَسْجِيلِ مُدُنٍ وَ مَنَاطِقٍ ثَقَافِيَّةٍ وَ تَارِيخِيَّةٍ إِيْرَانِيَّةٍ فِي قَائِمَةِ الثَّرَاثِ الْعَالَمِيِّ؛ لِأَنَّهَا تَجْذِبُ كَثِيرًا مِنَ السَّائِحِينَ إِلَيْهَا.

مِنَ الْأَثَارِ وَ الْمَعَالِمِ التَّارِيخِيَّةِ فِي إِيْرَانَ: مَرْقَدُ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَرْقَدُ الْفِرْدَوْسِيِّ فِي مَشْهَدٍ، وَ مَرْقَدُ السَّيِّدَةِ مَعْصُومَةِ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِمَدِينَةِ قُمْ وَآثَارُ بَرْسُولِيسَ وَ مَقْبَرَتَا حَافِظٍ وَ سَعْدِيِّ فِي مُحَافَظَةِ فَارِسَ، وَ «طَاقُ بُسْتَانٍ» وَ «كَتَيْبَةُ بِيَسْتُونٍ» فِي مُحَافَظَةِ كِرْمَانشَاهِ وَ قَلْعَةُ «فَلَكِ الْأَفْلَاقِ»



في حُرْمِ آباء، وَ قَلْعُهُ الْوَالِي وَ غَابَاتُ الْبَلُوطِ فِي إِيْلَامَ وَ «حَمَامُ كَنْجَعَلِي خَان» فِي مُحَافَظَةِ كِرْمَانِ الْمَشْهُورَةِ بِإِنْتَاكِ الْفُسْتَقِ وَ السَّجَادِ، وَ شَلَالَتُ شُوشْتَرِ وَ مَقْبَرَةُ النَّبِيِّ دَانِيَالِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي خُوزِسْتَانِ، وَ مَرْقَدُ ابْنِ سِينَا الْعَالِمِ الْمَشْهُورِ فِي الْعَالَمِ، وَ كَهْفُ عَلِيِّ صَدْرٍ وَ هُوَ مِنْ أَطْوَلِ الْكُهُوفِ الْمَائِيَّةِ فِي الْعَالَمِ فِي هَمْدَانَ، وَ الْعِمَارَاتُ الْأَثَرِيَّةُ فِي إِصْفَهَانَ وَ قَدْ سَجَّلَتْهَا مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكُو الدُّوَلِيَّةُ فِي قَائِمَةِ الثَّرَاثِ الْعَالَمِيِّ، أَمَّا الْمُحَافَظَاتُ الشَّمَالِيَّةُ الثَّلَاثُ عَلَى شَاطِئِ بَحْرِ قَزْوِينَ (Caspian) فَهِيَ رَائِعَةٌ بِمَنَاطِرِهَا الْجَمِيلَةِ، وَ كَانَهَا قِطْعَةً مِنَ الْجَنَّةِ فَهِيَ مُنَاسِبَةٌ لِلْبِطَاقَاتِ الْبَرِيدِيَّةِ.

لَابَدُّ مِنْ تَأْلِيفِ كِتَابٍ عَظِيمٍ لِإِحْصَاءِ مَنَاطِقِ الْجَذْبِ السِّيَاحِيِّ فِي إِيرَانَ، نَذْكُرُ قِسْمًا آخَرَ مِنْهَا: يَزْدُ وَ حَلَوِيَّاتُهَا وَ مَنَاطِقُهَا الصَّحْرَاوِيَّةُ، وَ تَبْرِيزُ وَ سُوقُهَا الْمَشْهُورَةُ بِأَنَّهَا أَكْبَرُ سُوقٍ مُسَقَّفَةٍ فِي الْعَالَمِ.

وَ بُحَيْرَةُ زَرِيَارِ فِي مَرْيَوَانَ، وَ قُبَّةُ سُلْطَانِيَّةٍ فِي زَنْجَانَ، وَ مُتَحَفُ الثَّرَاثِ الرَّيْفِيِّ قُرْبَ رَشْتِ، وَ آلَافُ الْمَنَاطِقِ الْآخَرَى. فَتَنَوُّعُ مَعَالِمِ إِيرَانَ وَ اسْتِقْرَارُ الْوَضْعِ الْأَمْنِيِّ فِيهَا يُسَجِّعُ السَّائِحِينَ إِلَى السَّفَرِ إِلَيْهَا لِرُؤْيَةِ جَمَالِ آثَارِهَا وَ طَبِيعَتِهَا الْخَلَابَةِ.





آثَرِيّ : تاريخي

اِحْتِواء : دربرگرفتن

اِحْصاء : شمارش

أَطْوَل : بلندترین

بُحَيْرَة : دریاچه

بَرِيد : پست «بطاقة بَرِيدِيَّة»

كارت پستال

تُراث : میراث

تَسْجِيل : ثبت کردن

ثَقافِيَّة : فرهنگی

جَذَب : جذب کرد

حَصَلَ عَلَى : به دست آورد

حَلَوِيَّات : شیرینیجات

خَلَاب : جَذاب «مَعالمُ ایران»

الْخَلابَة : آثار جَذاب ایران»

سَجَاد : فرش

سِياحَة : جهانگردی، گردشگری

شَاطِئ : ساحل «جمع: شَواطِئ»

صَحراوِيَّة : کویری

رائع : جالب

رِيفِيّ : روستایی

عُطْلَة : تعطیلی

عِمارة : ساختمان

فُسْتُق : پسته

قائِمَة : لیست

قُبَة : گنبد

قَضاءُ العُطَلاتِ : گذراندن

تعطیلات

كَهْف : غار «جمع: كُهوف»

لأَبَدٍ مِنْ : ناگزیر

مَعالم : آثار

مَلحوظ : قابل ملاحظه

مَناطِقُ الجَذبِ السِّياحِيّ : مناطق

دارای جاذبه جهانگردی

نَفْط : نفت

وَقَعَ : واقع شد، اتّفاق افتاد، افتاد

(مضارع: يَقَعُ)

يَدَوِيَّة : دستی

### اِبْحَثْ فِي نَصِّ الدَّرْسِ عَنْ جَوَابٍ قَصِيرٍ لِهَذِهِ الْأَسْئَلَةِ.

۱- مَا اسْمُ الْكَهْفِ الَّذِي هُوَ مِنْ أَطْوَلِ الْكُهُوفِ الْمَائِيَّةِ فِي الْعَالَمِ؟ .....

۲- مِمَّ<sup>۱</sup> تَسْتَطِيعُ إِيرانُ أَنْ تَحْصَلَ عَلَى ثَرَوَةٍ بَعْدَ النِّفْطِ؟ .....

۳- أَذْكَرُ عِمارةٍ مِنَ الْعِماراتِ الْأَثَرِيَّةِ فِي مَدِينَةِ إِصفهان. ....

۴- أَيُّ صِناعَةٍ إِيرانِيَّةٍ تَجْذِبُ السَّائِحِينَ مِنْ كُلِّ الْعَالَمِ؟ .....

۵- أَيْنَ تَقَعُ<sup>۲</sup> قَلْعَةُ الْوالِي؟ .....

۱- مِمَّ = مِنْ + ما: از چه      ۲- تَقَعُ: واقع است

## اعلموا

### إعرابُ أجزاءِ الجُمْلَةِ الاسْمِيَّةِ وَالفِعْلِيَّةِ

إعراب به علامت انتهای کلمه گفته می‌شود و از ویژگی‌های بارز زبان عربی است.

کلمات از نظر علامت حرف آخرشان دو نوع‌اند: **مُعَرَّب** و **مَبْنِي**

علامت حرف آخر بیشتر اسم‌ها با تغییر جایگاهشان در جمله، تغییر می‌کند که به آنها «**مُعَرَّب**» گفته می‌شود؛ بیشتر اسم‌ها معرب‌اند؛ مانند «اللَّهُ» در جمله‌های زیر:

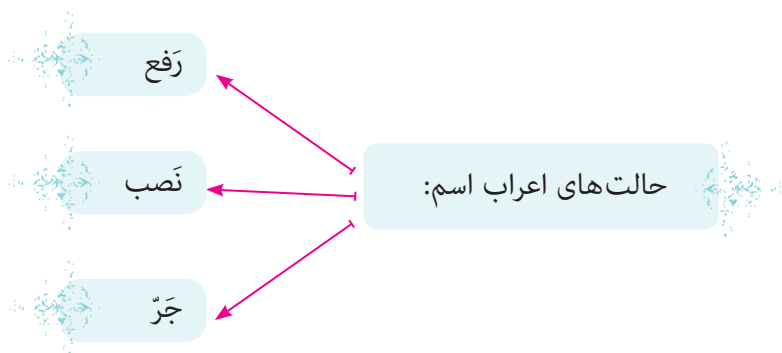
﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ﴾ الأَحْزَاب: ۵۱

﴿وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ الْبَقَرَة: ۱۹۹

برخی هم با تغییر جایگاهشان در جمله، علامت حرف آخرشان ثابت می‌ماند که «**مَبْنِي**» نامیده می‌شوند مانند ضمائر ( أَنْتُمْ، كُمْ، ... )؛ اسم اشاره ( هَذَا، ذَلِكَ، ... )؛

کلمات پرسشی ( أَيْنَ، مَنْ، ... )



إعراب رفع و علامت آن « ُ ، ٌ ، ٍ » و در جمع مذکر، **ان** در مثنی « است؛

مانند **اَلْكَاتِبُ**، **كَاتِبٌ**، **اَلْكَاتِبُونَ**، **اَلْكَاتِبَانِ**

إعراب نصب و علامت آن « َ ، ِ ، ِ » **ین** در جمع مذکر، **ین** در مثنی « است؛

مانند **اَلْكَاتِبِ**، **كَاتِبًا**، **اَلْكَاتِبِينَ**، **اَلْكَاتِبَيْنِ**

إعراب جرّ و علامت آن « ِ ، ِ ، ِ » **ین** در جمع مذکر، **ین** در مثنی « است؛

مانند **اَلْكَاتِبِ**، **كَاتِبٍ**، **اَلْكَاتِبِينَ**، **اَلْكَاتِبَيْنِ**

کلمه دارای إعراب رفع را «**مرفوع**»؛

دارای إعراب نصب را «**منصوب**»؛

و دارای إعراب جر را «**مجرور**» می نامند.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: عَيِّنْ إِعْرَابَ الْأَسْمَاءِ الْمُلَوَّنَةِ الْمَرْفُوعَةِ وَ الْمَنْصُوبَةِ وَ الْمَجْرُورَةِ.

۱- قَرَأَ الطَّالِبُ الْمُجِدُّ قَصِيدَةً رَائِعَةً.

۲- لَا تَكْتُبْ شَيْئًا عَلَى الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.

۳- رَسَمَ الْأَوْلَادُ صُورَةً جَمِيلَةً عَلَى زَمْلِ السَّاحِلِ.

با نقش‌های فاعل، مفعول، مبتدا و خبر آشنا شوید. اکنون با اِعراب این نقش‌ها آشنا شوید.  
 فاعل، مبتدا و خبر، مرفوع اند و مفعول منصوب است (البته هنگامی که یک اسم ظاهر باشند).

﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ﴾ قالوا هذا ما وَعَدَنَا اللهُ ﴿الْأَحْزَابُ: ٢٢﴾

فاعل و مرفوع به واو      مفعول و منصوب به فتحه      فاعل و مرفوع به ضمّه

ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ. أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

مبتدا و مرفوع به ضمّه      خبر و مرفوع به ضمّه

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُملَوَّةَ.

۱- مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ واقِفٌ أَمَامَ الْإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ.

۲- أَلْوَنُ الْبَنَفْسِجِيِّ لِعُرْفَةِ النَّوْمِ مُهْدِيٌّ الْأَعْصَابِ.

۳- لَا يُصَدِّقُ الْعَاقِلُ قَوْلَ الَّذِي يَكْذِبُ كَثِيرًا.

## إِعْرَابُ الصِّفَةِ وَ الْمُضَافِ إِلَيْهِ

با صفت و مضافِ الیه در پایهٔ نهم آشنا شدید. صفت در اِعراب تابع (پیرو) موصوفِ خودش است و اِعراب مضافِ الیه جرّ است (مضافِ الیه مجرور است؛ یعنی دارای علامت - ، ، ین یا ینِ است).

مبتدا، خبر، فاعل و مفعول می‌توانند بعد از خودشان صفت یا مضافِ الیه داشته باشند؛  
مثال:

الْمُبْتَدَأُ مَرْفُوعٌ بِهِ ضَمُّهُ      صِفَتُهُ وَ مَرْفُوعَةٌ بِهِ ضَمُّهُ      خَبَرُهُ وَ مَرْفُوعَةٌ بِهِ ضَمُّهُ      مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ بِهِ كَسْرُهُ  
لَلْوَنِ الْأَبْيَضِ ضُ لَوْنٌ الْهُدُوءِ.  
فَحَصَّ الطَّبِيبُ أَسْنَنَانِ الْوَلَدِ الصَّغِيرِ.  
فَعَلُ فَاعِلٌ وَ مَرْفُوعٌ      مَفْعُولٌ وَ مَنْصُوبٌ      مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ      صِفَتُهُ وَ مَجْرُورٌ

اخْتَبَرْتُ نَفْسَكَ: عَيْنِ الصِّفَةِ وَ الْمُضَافِ إِلَيْهِ، ثُمَّ أَذْكَرُ إِعْرَابَهُمَا.

۱- رَضَا اللَّهُ فِي رِضَا الْوَالِدَيْنِ. رَسُوْلُ اللَّهِ ﷺ

۲- سَكُوتُ اللِّسَانِ سَلَامَةٌ الْإِنْسَانِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۳- يَكْذِبُ الْإِنْسَانُ الضَّعِيفُ وَ يَصْدُقُ الْإِنْسَانُ الْقَوِيُّ.

۴- الطُّلَّابُ الْمُؤَدَّبُونَ مُحْتَرَمُونَ عِنْدَ الْمُعَلِّمِينَ.

۵- الشَّعْبُ الْعَالِمُ شَعْبٌ نَاجِحٌ.

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

جَوارُ

(فِي الصِّيدَلِيَّةِ<sup>١</sup>)

أَلْحَاجُّ

الصِّيدَلِيُّ<sup>٢</sup>

عَفْوَاً، مَا عِنْدِي وَصَفَةٌ  
وَأُرِيدُ هَذِهِ الْأَدْوِيَّةَ<sup>٣</sup> الْمَكْتُوبَةَ عَلَى  
الْوَرَقَةِ.

أَعْطِنِي الْوَرَقَةَ:  
مِحْرَارٌ<sup>٤</sup>، حُبُوبٌ مُسَكَّنَةٌ لِلصُّدَاعِ، حُبُوبٌ مُهْدِّئَةٌ، كَبْسُول  
أَمْبِيسِيلِين، قُطْنٌ<sup>٥</sup> طَبِّيٌّ، مَرَهَمٌ لِحَسَّاسِيَّةِ الْجِلْدِ<sup>٦</sup> ...  
لَا بَأْسَ، لَكِنْ لَا أُعْطِيكَ أَمْبِيسِيلِين.

لِمَاذَا، أَمَّا عِنْدَكُمْ؟

لَا؛ عِنْدَنَا، وَلَكِنْ بَيْعُهَا بِدُونِ وَصْفَةٍ غَيْرُ مَسْمُوحٍ.

شُكْرًا جَزِيلًا، يَا حَضْرَةَ الصِّيدَلِيِّ.

لِمَنْ تَشْتَرِي هَذِهِ الْأَدْوِيَّةَ؟

أَشْتَرِيهَا لِزُمَلَائِي فِي الْقَافِلَةِ.

الشفَاءُ مِنَ اللَّهِ.



٤- مِحْرَار: دماسنج

٣- أَدْوِيَّة: داروها «مفرد: دواء»

٢- صِيدَلِي: داروخانه دار

١- صِيدَلِيَّة: داروخانه

٦- جِلْد: پوست


٥- قُطْن: پنبه

التَّمرينُ الأوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الدَّرْسِ، تُناسِبُ التَّوضِيحاتِ التَّالِيَةِ؟

- ١- آلَةٌ لِإِطْلَاعٍ عَلَى دَرَجَةِ حَرَارَةِ الْجِسْمِ وَ الْجَوِّ.
- ٢- يَوْمُ الإِسْتِرَاحَةِ لِلْمُوظَّفِينَ وَ الْعُمَالِ وَالطُّلَّابِ.
- ٣- مَنطَقَةٌ بَرِّيَّةٌ بِجِوَارِ الْبَحَارِ وَ الْمُحِيطَاتِ.
- ٤- إِدَارَةٌ لِتَسْلِيمِ الرِّسَالِ وَ اسْتِلامِهَا.
- ٥- نَبَاتٌ يُعْطِي ثَمَرًا أَبْيَضَ اللَّوْنِ.
- ٦- مَكَانٌ لِبَيْعِ الْأَدْوِيَةِ.

التَّمرينُ الثَّاني: صُغْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُناسِبَةً مِنْ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

تُرَاثٌ / قُبَّةٌ / جِلْدِيٌّ / رَائِعَةٌ / السِّيَاحِيُّ / الرِّيفُ / الْحَلَوِيَّاتُ

- ١- كَانَ لِصَدِيقِي<sup>١</sup> مَرَضٌ ..... فَذَهَبَ إِلَى الْمُسْتَشْفَى.
- ٢- قَرَأْتُ قَصِيدَةً ..... لِأَمِيرِ الشُّعْرَاءِ أَحْمَدَ شَوْقِي.
- ٣- جَلَسْنَا تَحْتَ ..... شَاهِ شِرَاغٍ  فِي مَدِينَةِ شِيرَاز.
- ٤- إِنَّ كُرْدِسْتَانَ مِنْ مَنَاطِقِ الْجَذِبِ ..... فِي إِيرانِ.
- ٥- أَلْعَيْشُ فِي ..... جَمِيلٌ جَدًّا.

١- كَانَ لـ : دَاشَت

### التَّمرِينُ الثَّالِثُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- ١- رَأَيْنَا ..... مِنْ أَمْرِيكَا الْوُسْطَى فِي الْمُتَحَفِ. سَائِحَانِ ☐ سَائِحَيْنِ ☐
- ٢- سَاعَدَتِ ..... الْمَرْأَةُ الَّتِي تَصَادَمَتْ بِالسَّيَّارَةِ. الْمُمَرِّضَتَانِ ☐ الْمُمَرِّضَتَيْنِ ☐
- ٣- حُزِنُ ..... فِي قُلُوبِهِمْ لَا فِي وُجُوهِهِمْ. الْمُؤْمِنُونَ ☐ الْمُؤْمِنِينَ ☐
- ٤- ..... وَقَفَا فِي بَدَايَةِ السَّاحَةِ الْأُولَى. الْأَشْرَاطِيَّانِ ☐ الْأَشْرَاطِيَّيْنَ ☐
- ٥- ..... حَاضِرُونَ فِي مِهْرَجَانِ الْمَدْرَسَةِ. الْمُعَلِّمُونَ ☐ الْمُعَلِّمِينَ ☐
- ٦- نَزَلَ ..... مِنْ طَائِرَاتِهِمْ الْحَرْبِيَّةِ. الطَّيَّارُونَ ☐ الطَّيَّارِينَ ☐

### التَّمرِينُ الرَّابِعُ: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْمُعْرَبَةَ مِنْ نَاحِيَةِ الْقَوَاعِدِ.

- ١- سَعِيدٌ ☐ كَيْفَ ☐ هُوَ ☐ كُمْ ☐
- ٢- هَذَا ☐ هَؤُلَاءِ ☐ اللَّهُ ☐ ذَلِكَ ☐
- ٣- هِيَ ☐ أَنْتِ ☐ نَحْنُ ☐ صَحِيفَةٌ ☐
- ٤- بَرِيدٌ ☐ أَوْلَيْكَ ☐ تِلْكَ ☐ هَذِهِ ☐
- ٥- هَلْ ☐ فَسْتُقِ ☐ آيَنَ ☐ مَتَى ☐

## التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: أَغْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُؤَوَّنَةَ.

١- ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾ الرَّحْمَنُ: ٦٠

٢- خَيْرُ النَّاسِ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- أَلَدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٤- جَمَالُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ وَتَمَرُّهُ الْعَمَلُ بِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٥- اسْتَخْرَجَ الْفَلَّاحُونَ مَاءً مِنْ بئرِ الْقَرْيَةِ.

٦- الْعَقْلُ السَّلِيمُ فِي الْجِسْمِ السَّلِيمِ.

## الدَّرْسُ السَّابِعُ



﴿هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ هود: ٦١  
او شما را از زمین پدیدآورد و خواستار آباد کردن آن از شما شد.

## صِنَاعَةُ النَّفْطِ

كَيْفَ نَحْصُلُ عَلَى النَّفْطِ؟

يَسْتَخْرِجُ الْإِنْسَانُ النَّفْطَ مِنْ بَاطِنِ الْأَرْضِ؛ وَ هَذَا الْإِسْتِخْرَاجُ فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ يَسْتَغْرِقُ وَقْتًا طَوِيلًا، لِأَنَّ الْحَفَرَ يَكُونُ فِي طَبَقَاتِ الصُّخُورِ.

فِي إِيرَانَ ثَرَوَاتٌ كَثِيرَةٌ فِي بَاطِنِ الْأَرْضِ؛ بِلَادُنَا غَنِيَّةٌ بِالنَّفْطِ وَ الْغَازِ وَ هِيَ تُصَدِّرُ قِسْمًا مِنْهُمَا إِلَى الْبُلْدَانِ الصَّنَاعِيَّةِ.

عَرَفَ الْإِنْسَانُ النَّفْطَ مِنْ قَدِيمِ الزَّمَانِ وَ كَانَ يَجْمَعُهُ مِنْ سَطحِ الْأَرْضِ وَ يَسْتَفِيدُ مِنْهُ كَوَقُودٍ وَ لِمُعَالَجَةِ الْأَمْرَاضِ الْجِلْدِيَّةِ. يَحْفِرُ الْعُمَالُ بِئْرًا وَ يَصْعَوْنَ أَنْبُوبًا فِيهَا، فَيَصْعَدُ النَّفْطُ بِوَاسِطَةِ الْأَنْبُوبِ، وَ يُفْتَحُ وَ يُغْلَقُ الْأَنْبُوبُ بِحَنْفِيَّاتٍ.

نَقْلُ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبَابِ أَقْلُ خَطَرًا وَ نَفَقَةً مِنْ نَقْلِهِ بِنَاقِلَاتِ النَّفْطِ؛ وَ لِتَسْهِيلِ نَقْلِ النَّفْطِ بِوَاسِطَةِ الْأَنْبَابِ عَبْرَ الْمُنْحَدَرَاتِ تُسْتَخْدَمُ آلَاتٌ لِتَقْلِيلِ الضَّغْطِ حَتَّى تَبْقَى الْأَنْبَابُ سَالِمَةً.

لِإِيرَانَ تَجَارِبُ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ نَقْلِ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبَابِ وَ هِيَ مِنْ أَكْبَرِ الدُّوَلِ الْمُصَدِّرَةِ لِلنَّفْطِ وَ أَنْجَحَهَا فِي مَدِّ خُطُوطِ



الأنابيب وَ صيانتِها مِنْ أَمَاكِنِ الإنتاجِ إِلَى أَمَاكِنِ الإِسْتِهْلَاكِ.

عَلَى امْتِدَادِ الأنابيبِ تَوْجَدُ أَعْمَدُهُ اتِّصَالَاتٍ كَمَحَطَّاتٍ إِنْذَارٍ، وَ لَوَحَاتٍ تَحْذِيرِيَّةٌ بِاللَّوْنِ الْأَصْفَرِ تُحَذِّرُ الْمَوَاطِنِينَ مِنْ حَفْرِ الْأَرْضِ لِبِنَاءِ عِمَارَةٍ أَوْ لِلزَّرَاعَةِ؛ وَ يَجِبُ عَلَى كُلِّ مُوَاطِنٍ صِيَانَتُهُ هَذِهِ الأنابيبِ وَ الاتِّصَالِ بِالشَّرَكَةِ عِنْدَ مُشَاهَدَةِ الْخَطَرِ. نَحْصُلُ مِنَ النَّفْطِ عَلَى مُسْتَقَاتٍ كَثِيرَةٍ كَالْبَنْزِينِ وَ الزُّيُوتِ، وَ لِلنَّفْطِ اسْتِعْمَالٌ آخَرٌ فِي الصَّنَاعَةِ، فَيُصْنَعُ مِنْهُ الْمَطَّاطُ وَ الْعُطُورُ وَ الْأَدْوِيَّةُ وَ مُبِيدَاتُ الْحَشَرَاتِ، وَ مَوَادُّ التَّجْمِيلِ وَ مَعْجُونُ

الْأَسْنَانِ وَ السَّمَادُ الْكِيمَاوِيُّ وَ غَيْرُهَا.

كَيْفَ يُنْقَلُ النَّفْطُ وَ إِلَى أَيْنَ؟

يُنْقَلُ النَّفْطُ مِنَ الْآبَارِ أَوْ الْمَوَانِي إِلَى

الْمَصَافِي عَبْرَ الأنابيبِ.

ثُمَّ تَنْقَلُ التَّاقِلَاتُ مُسْتَقَاتِ النَّفْطِ مِنَ

الْمَصَافِي إِلَى مَحَطَّاتِ الْوَقُودِ فِي الْبِلَادِ.





مَطَّاط : پلاستیک، کائوچو	تَحْذِيرِيَّة : هُشدار آمیز	آبار : چاه‌ها «مفرد: بئر»
مُنَحَدَر : سرازیری	حَصَلَ عَلَيَّ : به دست آورد	اتِّصَالَات : مخابرات
مَوَادُّ التَّجْمِيلِ : موادّ آرایشی	سَمَاد : کود	اسْتَعْمَرَ : خواستار آباد کردن شد
مَوَانِي : بندرها «مفرد: میناء»	صَدَّرَ : صادر کرد	اسْتَغْرَقَ وَقْتًا طَوِيلًا : وقتی
نَاقِلَاتُ النِّفْطِ : نفتکش‌ها	صُخُور : صخره‌ها	طولانی گرفت
وَقُود : سوخت (موادّ سوختی)	صِيَانَةٌ : نگهداری، تعمیر	اسْتِهْلَاك : مصرف
يَجِبُ : واجب است، باید	غاز : گاز	أَقْلُ خَطَرًا : کم‌خطرتر، کم‌خطرترین
يَضَعُونَ : قرار می‌دهند	مُبِيدَةُ الْحَشَرَاتِ : حشره‌کش	أَنْبُوب : لوله «جمع: أنابيب»
وَضَعَ : قرار داد/ يَضَعُ : قرار می‌دهد	مَحْطَّة : ایستگاه	أَنْجَحَ : موفق‌تر، موفق‌ترین
يُفْتَحُ : باز می‌شود	مَدُّ خُطُوطِ الْأَنْبَابِ : کشیدن	إنذار : هشدار
يُغْلَقُ : بسته می‌شود	خطوط لوله	أَنْشَأَ : پدیدآورد، آفرید
يُنْقَلُ : منتقل می‌شود	مَصَافِي : پالایشگاه‌ها «مفرد: مَصْفَى»	بُلْدَان : کشورها «مفرد: بَلَد»
	مُصَدَّرَةٌ : صادرکننده	بِنَاء : ساختن، ساختمان

x ✓

### عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- لِبِلَادِنَا تَجَارِبُ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ نَقْلِ النِّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبَابِ.
- ۲- يَسْتَفِيدُ الْإِنْسَانُ مِنَ النِّفْطِ فِي صِنَاعَةِ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ.
- ۳- عَلَى امْتِدَادِ الْأَنْبَابِ لَا تَوْجَدُ أَعْمِدَةُ اتِّصَالَاتٍ.
- ۴- يُنْقَلُ النِّفْطُ مِنَ الْبَيْرِ إِلَى مِينَاءِ التَّصْدِيرِ.
- ۵- نَقْلُ النِّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبَابِ أَكْثَرُ خَطَرًا.

## اعلموا

### الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ

در زبان فارسی برای مجهول کردن فعل، از مشتقات مصدر «شدن» استفاده می‌شود؛ مثال:

زده شد   می‌زند: زده می‌شود   دید: دیده شد   می‌بیند: دیده می‌شود

در جمله دارای فعل معلوم، فاعل معلوم است؛ ولی در جمله دارای فعل مجهول، فاعل ناشناس می‌باشد؛ یعنی حذف شده است.

در جمله «نگهبان در را گشود.» می‌دانیم فاعل نگهبان است؛ ولی در جمله «در گشوده شد.» فاعل نامشخص است.

اکنون با فعل مجهول در دستور زبان عربی آشنا شویم.

(عَسَلَ: شُست   ➡   عَسَلَ: شسته شد   /   خَلَقَ: آفرید   ➡   خَلَقَ: آفریده شد)

(يَغْسِلُ: می‌شوید   ➡   يَغْسِلُ: شسته می‌شود   /   يَخْلُقُ: می‌آفریند   ➡   يَخْلُقُ: آفریده می‌شود)

در دستور زبان عربی هنگام مجهول شدن فعل، حرکت‌های آن تغییر می‌کند.

كَتَبَ: نوشت	كَتَبَ: نوشته شد	يَكْتُبُ: می‌نویسد	يَكْتُبُ: نوشته می‌شود
ضَرَبَ: زد	ضَرَبَ: زده شد	يَضْرِبُ: می‌زند	يَضْرِبُ: زده می‌شود
عَرَفَ: شناساند	عَرَفَ: شناسانده شد	يُعْرِفُ: می‌شناساند	يُعْرِفُ: شناسانده می‌شود
أَنْزَلَ: فرو فرستاد	أَنْزَلَ: فرو فرستاده شد	يُنْزِلُ: فرو می‌فرستد	يُنْزِلُ: فرو فرستاده می‌شود
اسْتَخْدَمَ: به کار گرفت	اسْتَخْدَمَ: به کار گرفته شد	يَسْتَخْدِمُ: به کار می‌گیرد	يَسْتَخْدِمُ: به کار گرفته می‌شود

فرق فعل معلوم و فعل مجهول را در مثال‌های بالا ببایید.

بعد از فعل مجهول «نایب فاعل<sup>۱</sup>» می‌آید. نایب فاعل مانند فاعل مرفوع است؛ مثال:

﴿... سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ﴾ الزُّخْرُف: ۱۹

نایب فاعل و مرفوع

...گواهی آنها نوشته خواهد شد و [از آن] پرسیده خواهند شد.

﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ﴾ الرَّحْمَن: ۵۵

نایب فاعل و مرفوع به واو

تبهکاران از چهره‌شان شناخته می‌شوند.

يُفْتَحُ بَابُ صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ لِلطُّلَابِ.

نایب فاعل و مرفوع

در سالن امتحان برای دانش‌آموزان گشوده می‌شود.

۱- نایب فاعل همانند فاعل فقط به صورت یک اسم ظاهر در کتاب تدریس شده است.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: اكْمِلْ<sup>١</sup> تَرْجَمَةَ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنةَ.

١- ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ (البقرة: ١٨٥)

ماه رمضان که در آن قرآن ..... .

٢- ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ﴾ (الأعراف: ٢٠٤)

و هرگاه قرآن ..... به آن گوش فرا دارید.

٣- تُعْرِفُ الْأَشْيَاءَ بِأَضْدَادِهَا.

چیزها به کمک متضادهایشان ..... .

٤- أَغْلَقَ السَّائِقُ بَابَ حَافِلَةِ الْمَدْرَسَةِ.

راننده در اتوبوس مدرسه را ..... .

٥- طَبَخَتْ وَالِدَةُ سَعِيدٍ طَعَاماً لَذِيذاً.

مادر سعید خوراک خوشمزه‌ای ..... .

١- اكْمِلْ: کامل کن ٢- اِستَمِعُوا: گوش فرا دهید

■ در گروه‌های دو نفره، شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

## جَوارُ (مَعَ مَسْئُولِ اسْتِقبالِ<sup>۱</sup> الْفُنْدُقِ)

السَّائِحُ	مَسْئُولُ الْإِسْتِقبالِ
رَجَاءً، أَعْطِنِي <sup>۲</sup> مِفْتَاحَ عُرْفَتِي.	ما هُوَ رَقْمُ عُرْفَتِكَ؟
مِئَتَانِ وَ عِشْرُونَ.	تَفَضَّلْ.
عَفْوًا، لَيْسَ هَذَا مِفْتَاحَ عُرْفَتِي.	أَعْتَدِرُ مِنْكَ؛ أَعْطَيْتُكَ ثَلَاثِمِئَةً وَ ثَلَاثِينَ.
لا بَأْسَ، يَا حَبِيبِي. ما هِيَ سَاعَةُ دَوَامِكَ <sup>۳</sup> ؟	مِنَ السَّادِسَةِ صَبَاحًا إِلَى الثَّانِيَةِ بَعْدَ الظُّهْرِ؛ ثُمَّ يَأْتِي زَمِيلِي بَعْدِي.
مَتَى مَوَاعِدُ <sup>۴</sup> الْفُطُورِ وَ الْغَدَاءِ وَ الْعِشَاءِ؟	الْفُطُورُ مِنَ السَّابِعَةِ وَ النِّصْفِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا؛ الْغَدَاءُ مِنَ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ حَتَّى الثَّانِيَةِ وَ الرُّبْعِ؛ الْعِشَاءُ مِنَ السَّابِعَةِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا.
وَ ما هُوَ طَعَامُ الْفُطُورِ؟	شايٌ وَ خُبْزٌ وَ جُبْنَةٌ <sup>۵</sup> وَ زُبْدَةٌ <sup>۶</sup> وَ حَلِيبٌ وَ مَرَبَّى الْمِشْمِشِ.
وَ ما هُوَ طَعَامُ الْغَدَاءِ؟	رُزٌّ مَعَ دَجَاجٍ <sup>۷</sup> .
وَ ما هُوَ طَعَامُ الْعِشَاءِ؟	رُزٌّ مَعَ مَرَقٍ <sup>۸</sup> بِادْنِجانٍ.
أَشْكُرُكَ.	لا شُكْرَ عَلَى الْوَجِبِ.



۱- مَسْئُولُ الْإِسْتِقبالِ: مسئول پذیرش      ۲- أَعْطِنِي: به من بده      ۳- دَوَامٌ: ساعت کار      ۴- مَوَاعِدُ: وقت‌ها  
۵- جُبْنَةٌ: پنیر      ۶- زُبْدَةٌ: کره      ۷- دَجَاجٌ: مرغ      ۸- مَرَقٌ: خورشید

التَّمرينُ الأوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- مَكَانٌ عَلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ تُشَاهِدُ السُّفُنُ<sup>١</sup> إِلَى جَنْبِهِ.  
.....
- ٢- حُفْرَةٌ عَمِيقَةٌ يُسْتَخْرَجُ الْمَاءُ أَوْ النَّفْطُ مِنْهَا.  
.....
- ٣- مَادَّةٌ كَالْبَنْزِينِ وَ النَّفْطِ وَ الْغَازِ.  
.....
- ٤- الِاسْتِعْمَالُ وَ الِاسْتِفَادَةُ.  
.....
- ٥- الْحِفَاطُ عَلَى الْأَشْيَاءِ.  
.....

التَّمرينُ الثَّانِي: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

- إِسْتِهْلَاكِ / سَمَادُ / سَائِلُ / تَنْقُلُ / تَسْتَغْرِقُ / سُفُنُ / الْمَحَطَّةُ
- ١- وَقَفَتِ الْحَافِلَةُ فِي ..... حَتَّى يَذْهَبَ الْمُسَافِرُونَ إِلَى دَوَارِ الْمِيَاهِ.
  - ٢- كَم سَاعَةً ..... السَّفَرَةُ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ؟
  - ٣- السَّيَّارَةُ ..... أَخْشَابًا مِنَ الْغَابَةِ إِلَى مَصْنَعِ الْوَرَقِ.
  - ٤- صُنِعَ جِهَازٌ لِتَقْلِيلِ ..... الْكَهْرَبَاءِ فِي الْحَاسِبِ.
  - ٥- النَّفْطُ ..... أَسْوَدُ تُصْنَعُ أَشْيَاءٌ كَثِيرَةٌ مِنْهُ.

١- سُفُنُ: كَشَتَىهَا

### التَّمرينُ الثَّالثُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ فِعْلاً مُنَاسِباً.

- ١- أَلْلُوحَاتُ التَّحْذِيرِيَّةِ ..... الْمُوَاطِنِينَ مِنْ حَفْرِ الْأَرْضِ. ☐ يُحَذِّرُ ☐ تُحَذِّرُ
- ٢- ..... صَدِيقِي صُورَةَ خَلَابَةٍ عَلَى جِدَارِ الْمَدْرَسَةِ. ☐ يَرَسُمُ ☐ يُرَسِّمُ
- ٣- ..... صَوْتُ قَوِيٍّ مِنْ بَعِيدٍ، فَخَافَ الْجَمِيعُ. ☐ سَمِعَ ☐ سُمِعَ
- ٤- ..... النَّفْطُ عَبَرَ النَّاqِلَاتِ إِلَى الْمَصَافِي. ☐ يَنْقُلُ ☐ يُنْقَلُ
- ٥- ..... الطَّبَّاخُ طَعَاماً طَيِّباً فِي الْمَطْعَمِ. ☐ يَطْبُخُ ☐ يُطْبَخُ
- ٦- ..... حَلَوِيَّاتٌ لَذِيذَةٌ فِي مَدِينَةِ يَزْدَ. ☐ يَصْنَعُ ☐ تُصْنَعُ

### التَّمرينُ الرَّابِعُ: اكْتُبْ مُفْرَدَ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ، مُسْتَعِيناً بِمُعْجَمِ الدَّرْسِ.

- |                   |                   |
|-------------------|-------------------|
| آبار: .....       | مَوَائِي: .....   |
| صُخُور: .....     | سُفُن: .....      |
| مَصَافِي: .....   | مَوَادِّ: .....   |
| أَدْوِيَّة: ..... | دُّوَل: .....     |
| خُطُوط: .....     | أَنَابِيِب: ..... |
| مَوَاعِد: .....   | بُلْدَان: .....   |

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي الْمَعْنَى مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

١- وَقُود ☐ غَاز ☐ نِفْط ☐ حَرْب ☐

٢- نَاقِلَة ☐ ثَامِنَة ☐ طَائِرَة ☐ حَافِلَة ☐

٣- سَمَاد ☐ مَحْطَة ☐ سَاحَة ☐ مَطَار ☐

٤- زُبْدَة ☐ جُبْنَة ☐ تَقَاعُد ☐ حَلِيب ☐

٥- دَجَاجَة ☐ حَمَامَة ☐ بَوْمَة ☐ نَفَقَة ☐

٦- أَحْمَر ☐ أَحْسَن ☐ أَزْرَق ☐ أَصْفَر ☐



## اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

اُكْتُبْ آيَةً أَوْ حَدِيثًا أَوْ شِعْرًا أَوْ كَلَامًا جَمِيلًا مُرْتَبِطًا بِمَفْهُومِ الدَّرْسِ.  
(لِلإِشَارَةِ إِلَى النِّعَمِ الْإِلَهِيَّةِ)



مَنْجَمُ الْفَحْمِ<sup>١</sup> فِي مُحَافَظَةِ كَرْمَانَ

١- مَنْجَمُ الْفَحْمِ: مَعْدَن زَغَال سَنَگ

## الدَّرْسُ الثَّامِنُ



أَنْتَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ عَظَمْتُكَ، وَفِي الْأَرْضِ  
قُدْرَتُكَ، وَفِي الْبِحَارِ عَجَائِبُكَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
تو کسی هستی که بزرگی‌ات در آسمان و توانمندی‌ات در زمین و  
شگفتی‌هایت در دریاهاست.

يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ

يُشَاهِدُ أَعْضَاءَ الْأُسْرَةِ فَلَمَّا رَئِعًا عَنِ الدَّلْفِينِ الَّذِي أَنْقَذَ إِنْسَانًا مِنَ الْغَرَقِ، وَ أَوْصَلَهُ إِلَى الشَّاطِئِ.

حامد: لَا أَصَدِّقُ؛ هَذَا أَمْرٌ عَجِيبٌ. يُحَيِّرُنِي جِدًّا.

الأب: يَا وَلَدِي، لَيْسَ عَجِيبًا، لِأَنَّ الدَّلْفِينَ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبَحَارِ.

صادق: تَصَدِيقُهُ صَعْبٌ! يَا أَبِي، عَرَفْنَا عَلَى هَذَا الصَّدِيقِ.

الأب: لَهُ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ، وَ سَمْعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَ وَزْنُهُ يَبْلُغُ

ضِعْفَيْ وَزْنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِيبًا، وَ هُوَ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تُرَضِعُ صِغَارَهَا.

نورا: إِنَّهُ حَيَوَانٌ ذَكِيٌّ يُحِبُّ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ! أَلَيْسَ كَذَلِكَ؟

الأب: بَلَى؛ بِالتَّأَكُّدِ، تَسْتَطِيعُ الدَّلَافِينُ أَنْ تُرْشِدَنَا إِلَى مَكَانٍ سُقُوطِ طَائِرَةٍ أَوْ مَكَانٍ غَرَقِ سَفِينَةٍ.

الأم: تُؤَدِّي الدَّلَافِينُ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ، وَ تَكْشِفُ مَا تَحْتَ الْمَاءِ

مِنْ عَجَائِبٍ وَ أَسْرَارٍ، وَ تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى اكْتِشَافِ أَمَاكِنٍ تَجْمَعُ الْأَسْمَاكُ.



صَادِقٌ: رَأَيْتُ الدَّلَافِينَ تُؤَدِّي حَرَكَاتٍ جَمَاعِيَّةً؛ فَهَلْ تَتَكَلَّمُ مَعًا؟

الْأُمُّ: نَعَمْ؛ قَرَأْتُ فِي مَوْسُوعَةٍ عِلْمِيَّةٍ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يُؤَكِّدُونَ أَنَّ الدَّلَافِينَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَتَكَلَّمُ بِاسْتِخْدَامِ أَصْوَاتٍ مُعَيَّنَةٍ، وَأَنَّهَا تُغْنِي كَالطَّيُورِ، وَ تَبْكِي كَالْأَطْفَالِ، وَ تَصْفِرُ وَ تَضْحَكُ كَالْإِنْسَانِ.

نورا: هَلْ لِلدَّلَافِينَ أَعْدَاءٌ؟

الْأَبُّ: بِالتَّأَكِيدِ، تَحْسَبُ الدَّلَافِينَ سَمَكَ الْفَرَشِ عَدُوًّا لَهَا، فَإِذَا وَقَعَ نَظَرُهَا عَلَى سَمَكَةِ الْفَرَشِ، تَتَجَمَّعُ بِسُرْعَةٍ حَوْلَهَا، وَ تَضْرِبُهَا بِأُنُوفِهَا الْخَادَّةِ وَ تَقْتُلُهَا.

نورا: وَ هَلْ يُحِبُّ الدُّلْفِينُ الْإِنْسَانَ حَقًّا؟

الْأَبُّ: نَعَمْ؛ تَعَالَى نَقْرًا هَذَا الْخَبَرَ فِي الْإِنْتَرْنِتِ: ... سَحَبَ تَيَّارُ الْمَاءِ رَجُلًا إِلَى الْأَعْمَاقِ بِسِدَّةٍ، وَ بَعْدَ نَجَاتِهِ قَالَ الرَّجُلُ: رَفَعَنِي شَيْءٌ بَغْتَةً إِلَى الْأَعْلَى بِقُوَّةٍ، ثُمَّ أَخَذَنِي إِلَى الشَّاطِئِ وَ لَمَّا عَزَمْتُ أَنْ أَشْكُرَ مُنْقِذِي، مَا وَجَدْتُ أَحَدًا، وَلَكِنِّي رَأَيْتُ دُلْفِينًا كَبِيرًا يَقْفِزُ قُرْبِي فِي الْمَاءِ بِفَرَحٍ.

الْأُمُّ: إِنَّ الْبَحَرَ وَ الْأَسْمَاكَ نِعْمَةٌ عَظِيمَةٌ مِنَ اللَّهِ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

النَّظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ عِبَادَةٍ:  
النَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ،  
وَالنَّظَرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ،  
وَالنَّظَرُ فِي الْبَحْرِ.



عَرَفَ : معرفی کرد	تَجَمَّعَ : جمع شد	أَدَّى : ایفا کرد، منجر شد
عَزَمَ : تصمیم گرفت	جَمَاعِيّ : گروهی	أَرْشَدَ : راهنمایی کرد
غَنَى : آواز خواند	حَادّ : تیز	أَرْضَعَ : شیر داد
قَفَزَ : پرید، جهید	دَوَّرَ : نقش	أَعْلَى : بالا، بالاتر
لَبَوْنَةَ : پستاندار	ذَاكِرَةً : حافظه	أُنُوفَ : بینی ها «مفرد: أَنْف»
كَذَلِكَ : همین طور	سَمَكُ الْقِرْشِ : کوسه ماهی	أَوْصَلَ : رسانید
مُنْقَذَ : نجات دهنده	صَفَرَ : سوت زد	بِحَارَ : دریاها «مفرد: بَحْر»
مَوْسُوعَةً : دانشنامه	ضَعَفَ : برابر در مقدار	بَكَى : گریه کرد
	«ضَعَفَيْنِ: دو برابر»	بَلَغَ : رسید
	طُيُورَ : پرندگان «مفرد: طَير»	بَلَى : آری

✓ x



### عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- الدُّلْفَيْنِ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تُرَضِعُ صِغَارَهَا.
- ۲- يُؤَدِّي سَمَكُ الْقِرْشِ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ.
- ۳- سَمِعَ الْإِنْسَانُ يَفُوقُ سَمْعَ الدُّلْفَيْنِ عَشْرَ مَرَّاتٍ.
- ۴- سَمَكُ الْقِرْشِ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبِحَارِ.
- ۵- سَمَكُ الْقِرْشِ عَدُوُّ الدَّلَافِينِ.
- ۶- لِلدَّلَافِينِ أُنُوفٌ حَادَّةٌ.

## إِعْلَمُوا

### الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ

به حروف « مِنْ ، فِي ، إِلَى ، عَلَى ، بِ ، لِ ، عَنْ ، كَ ... » در دستور زبان عربی «حروف جر» می‌گویند. این حروف به همراه کلمه بعد از خودشان معنای جمله را کامل‌تر می‌کنند.

مثال: مِنْ قَرْيَةٍ، فِي الْغَابَةِ، إِلَى الْمُسْلِمِينَ، عَلَى الْوَالِدَيْنِ، بِالْحَافِلَةِ، لِلَّهِ، عَنْ نَفْسِهِ، كَجَبَلٍ  
به حرف جر، جار و به اسم بعد از آن مجرور و به این دو «جار و مجرور» می‌گویند.

سَلَامَةُ الْعَيْشِ، فِي الْمُدَارَةِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

مجرور به حرف جر

جار و مجرور

حرف جر

### أَهْمُ مَعَانِي حُرُوفِ الْجَرِّ:

مِنْ    از

﴿... حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ آل عمران: ۹۲

تا اتفاق کنید از آنچه دوست می‌دارید. (مِمَّا = مِنْ + ما)

﴿... أَسَاوَرَ مِنْ فِضَّةٍ﴾ الإنسان: ۲۱

دستبندهایی از جنس نقره

مِنْ هُنَا إِلَى هُنَاكَ: از اینجا تا آنجا

فِي    در

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً﴾ الْبَقَرَةُ: ۲۹

او کسی است که همه آنچه را در زمین است برایتان آفرید.

النَّجَاهُ فِي الصَّدَقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رهايي در راستگویی است.

إِلَى ، به ، به سوی ، تا

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى﴾ [الأنعام: ١]  
 پاک است کسی که بنده‌اش را در شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی حرکت داد.  
 ﴿قَالَ كَمْ لَبِثْتُ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضُ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتُ مِائَةً عَامٍ فَأَنْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ  
 وَشَرَابِكَ﴾ [البقرة: ۲۵۹]

گفت: «چقدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز یا بخشی از یک روز.» گفت: «نه، بلکه صد  
 سال درنگ کردی؛ به خوراکت و نوشیدنی‌ات بنگر.»  
 كَانَ الْفَلَاخُ يَعْمَلُ فِي الْمَرْعَةِ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيْلِ. کشاورز از صبح تا شب در مزرعه کار می‌کرد.

عَلَى ، بر ، روی ، به زیان

النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مردم بر دین پادشاهانشان هستند.  
 عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَنِي بِهَا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ  
 به صفات برتر اخلاقی پایبند باشید، زیرا پروردگارم مرا به خاطر آن فرستاده است.  
 أَلَدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 روزگار دو روز است؛ روزی به سودت و روزی به زیانت.  
 الْحَقِيقَةُ عَلَى الْمِنْصَدَةِ. کیف روی میز است.

بِ ، به وسیله، در

﴿إِذَا رَأَوْا رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ [العلق: ۳ و ۴]  
 بخوان و پروردگارت گرامی‌ترین است؛ همان که به وسیله قلم یاد داد.  
 ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ﴾ [آل عمران: ۱۲۳] و خدا شما را در [جنگ] بدر یاری کرد.

لِ برای ، از آن (مال) ، داشتن

﴿لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ النساء : ۱۷۱

آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آن اوست.

﴿لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سَوْءَ الْخُلُقِ﴾ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هر گناهی جز بداخلاقی توبه دارد.

﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾ الْكَافِرُونَ : ۶

دین شما از آن خودتان و دین من از آن خودم.

لِمَاذَا رَجَعْتَ؟ - لِأَنِّي نَسِيتُ مِفْتَاحِي. برای چه برگشتی؟ - برای اینکه کلیدم را فراموش کردم.

عَنْ از ، درباره

﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ...﴾ الشُّورَى : ۲۵

او کسی است که توبه را از بندگان می‌پذیرد و از بدی‌ها در می‌گذرد ...

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ...﴾ الْبَقَرَة : ۱۸۶

و اگر بندگانم از تو درباره من بپرسند، قطعاً من [به آنان] نزدیکم.

كَ مانند

فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى غَيْرِهِ كَفَضْلِ النَّبِيِّ عَلَى أُمَّتِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

برتری دانشمند بر غیر خود، مانند برتری پیامبر بر امت خودش است.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: أَعَرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةَ.

١- الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ. الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٢- شَرَفُ الْمَرْءِ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ لَا بِالْأَصْلِ وَالنَّسَبِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

اسم ظاهر بعد از حروف جرّ، مجرور است. علامت جر ( ، \_ ، \_ ) در مفرد ، يَنْ در جمع مذکر و يَنْ در مثنی) است؛ مانند الْكَاتِبِ ، كَاتِبٍ ، الْكَاتِبَيْنِ ، الْكَاتِبَيْنِ

صَّعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

١- الْعَرَبِيَّةُ مِنَ اللُّغَاتِ الرَّسْمِيَّةِ فِي ..... الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ. مُنَظَّمَةٌ مُنَظَّمَةٌ

٢- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيَّ ..... أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. اللَّهُ اللَّهُ

٣- إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ ..... كِ الْقِيَامَةِ. هَجَرٌ هَجَرٌ

٤- الْعَالَمُ بِلا عَمَلٍ كَ ..... بِلا ثَمَرٍ. الشَّجَرُ الشَّجَرُ

٥- سَعِيدٌ قَسَمَ الْمَرْزَعَةَ إِلَى ..... . نِصْفَيْنِ نِصْفَانِ

٦- حُمُسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنْ ..... . الْمُسْلِمِينَ الْمُسْلِمُونَ

## نُونُ الْوَقَايَةِ

در متن درس با دو فعل «يُحَيِّرُنِي» و «أَخَذَنِي» رو به رو شدید.

يُحَيِّرُ + ن + ي: مرا حیران می‌کند      أَخَذَ + ن + ي: مرا بُرد، مرا گرفت

وقتی که فعلی به ضمیر متکلم وحده «ي» وصل شود، نون وقایه بین فعل و ضمیر واقع می‌شود؛ مثال:

يَعْرِفُنِي: مرا می‌شناسد.      ارْقَعْنِي: مرا بالا ببر.

هنگامی که دو حرف جرّ «مِنْ» و «عَنْ» نیز به ضمیر «ي» وصل شوند، نون وقایه میانشان می‌آید؛ مثال:

مِنْ + ي = مَنِّي / عَنْ + ي = عَنِّي



اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَ.

۱- ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ﴾ إبراهيم : ٤٠

۲- إِنَّ اللَّهَ أَمَرَني بِمُدارَةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَني بِإِقَامَةِ الْفَرَائِضِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳- اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي شَكُوراً وَاجْعَلْنِي صَبُوراً وَاجْعَلْنِي فِي عَيْنِي صَغِيراً وَفِي أَعْيُنِ

النَّاسِ كَبِيراً. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

## جِوَارُ (مَعَ مُشْرِفٍ<sup>۱</sup> خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ)

مَسْئُولُ الْإِسْتِقْبَالِ	السَّائِحُ
السَّيِّدُ دِمَشْقِيّ مُشْرِفٌ خَدَمَاتِ غُرَفِ الْفُنْدُقِ. مَا هِيَ الْمُسْكِلَةُ؟	عَفَوًا؛ مَنْ هُوَ مَسْئُولُ تَنْظِيفٍ <sup>۲</sup> الْغُرْفِ وَ الْحِفَاطِ عَلَيْهَا؟
أَعْتَذِرُ مِنْكَ؛ رَجَاءً، إِسْتَرْخُ؛ سَأَتَّصِلُ <sup>۳</sup> بِالْمُشْرِفِ.	لَيْسَتْ الْغُرْفُ نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ.
مَسْئُولُ الْإِسْتِقْبَالِ يَتَّصِلُ بِالْمُشْرِفِ وَ يَأْتِي الْمُشْرِفُ مَعَ مُهَنْدِسِ الصِّيَانَةِ <sup>۴</sup> .	
السَّائِحُ	مُشْرِفُ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ
لَيْسَتْ غُرْفَتِي وَ غُرْفُ زُمْلَائِي نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ.	مَا هِيَ الْمُسْكِلَةُ، يَا حَبِيبِي؟!
فِي الْغُرْفَةِ الْأُولَى سَرِيرٌ <sup>۵</sup> مَكْسُورٌ، وَ فِي الْغُرْفَةِ الثَّانِيَةِ شَرَشَفٌ <sup>۶</sup> نَاقِصٌ، وَ فِي الْغُرْفَةِ الثَّالِثَةِ الْمُكَيَّفُ لَا يَعْمَلُ.	سَيَأْتِي عُمَالُ التَّنْظِيفِ، وَ مَا الْمُسْكِلَاتُ الْأُخْرَى؟
تَسَلَّمَ عَيْنُكَ!	نَعْتَذِرُ مِنْكُمْ. سَنُصَلِّحُ <sup>۷</sup> كُلَّ شَيْءٍ بِسُرْعَةٍ؛ عَلَى عَيْنِي.



- ۱- مُشْرِف: مدير داخلی ۲- تَنْظِيف: پاکیزگی ۳- اتَّصَلُ: تماس می گیرم ۴- صِيَانَةُ: نگهداری، تعمیرات  
۵- سَرِير: تخت ۶- شَرَشَف: ملافه ۷- نُصَلِّحُ: تعمیر می کنیم

الْتَمْرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ. ✓ X

- ١- عِنْدَمَا يَنْقَطِعُ تَيَّارُ الْكَهْرَبَاءِ فِي اللَّيْلِ، يَغْرُقُ كُلُّ مَكَانٍ فِي الظَّلَامِ. ....
- ٢- الطَّاوُوسُ مِنَ الطُّيُورِ الْمَائِيَّةِ تَعِيشُ فَوْقَ جِبَالٍ ثَلْجِيَّةٍ. ....
- ٣- الْمَوْسُوعَةُ مُعْجَمٌ صَغِيرٌ جِدًّا يَجْمَعُ قَلِيلًا مِنَ الْعُلُومِ. ....
- ٤- الْأَنْفُ عَضْوُ التَّنَفُّسِ وَ الشَّمُّ<sup>١</sup>. ....
- ٥- الْحَفَّاشُ طَائِرٌ مِنَ اللَّبُونَاتِ. ....

الْتَمْرِينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ.

بَعَثَ	صِغَار	شَاطِئُ	أَرْسَلَ	بَكَى	كِبَار	أَقَلَّ	صَوء	بَعُدَ	سَاحِل
صَحِكَ	ظَلَام	أَكْثَرُ	بَغْتَةً	قَرَبَ	دَفَعَ	فَجَاءَ	كَنَمَ	اسْتَلَمَ	سَتَرَ

<p>..... = .....</p> <p>..... = .....</p> <p>..... ≠ .....</p> <p>..... ≠ .....</p> <p>..... ≠ .....</p>	<p>..... = .....</p> <p>..... = .....</p> <p>..... ≠ .....</p> <p>..... ≠ .....</p> <p>..... ≠ .....</p>
--	--

١- شَمٌّ: بويایی

الْتَّمِرِينَ الثَّالِثُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَالْحَدِيثَيْنِ، ثُمَّ صَعِّ خَطًّا تَحْتَ الْجَارِّ وَالْمَجْرُورِ، وَادْكُرْ عَلَامَةَ الْجَرِّ.

١- ﴿وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ الأنبياء : ٨٦

٢- ﴿وَأَدْخَلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ التَّوْبَةِ : ١٩

٣- ﴿وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ آلِ عِمْرَانَ : ١٤٧

٤- أَدْبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

١- عِبَادُكَ الصَّالِحِينَ: بندگان درستکارت



## الْتَمَرِينُ الرَّابِعُ: نَرْجِمُ كَلِمَاتِ الْجَدُولِ الْمُتَقَاطِعِ، ثُمَّ اكْتُبْ رَمَزَهُ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)

يَبْلُغَنَّ / صِغَار / ذَاكِرَةٌ / عَفَا / بَكَى / مُنْقِذَ / مَرَقَ / أَوْصَلَ / صَفَرُوا / غَنَيْتُمْ / سَمِعَ / طُيُورَ / حَادَّةٌ / دَوَّرَ /  
لَبُونَةٌ / كَذَلِكَ / جَمَارِكُ / زُبُوتَ / سَمِينَا / ظَاهِرَةٌ / أَمَطَرَ / حَمِيمَ / ثُلُوجَ / سَوَارَ / رَائِحَ

رَمَزُ ↓

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١) كوچکها
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٢) اینطور
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٣) تیز
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٤) پدیده
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٥) سوت زدند
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٦) روغن‌ها
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٧) نقش
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٨) شنوایی
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٩) جالب
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٠) نجات دهنده
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١١) نامیدیم
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٢) دستبند
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٣) گرم و صمیمی
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٤) برف‌ها
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٥) حافظه
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٦) پستاندار
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٧) پرندگان
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٨) رسانید
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٩) باران بارید
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٢٠) بخشید
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٢١) می‌رسند
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٢٢) آواز خواندند
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٢٣) گریه کرد



قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

## الْتَمَرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةَ.

١- ذَكِّرُ اللَّهَ شِفَاءُ الْقُلُوبِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٢- آفَةُ الْعِلْمِ النِّسيَانُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- الْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوِّءِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- لِسَانُ الْمُقَصِّرِ قَصِيرٌ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ع

## الْتَمَرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْآيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةَ.

١- ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ النَّبَأُ: ٤٠

٢- مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

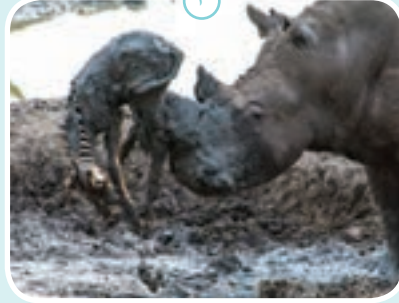
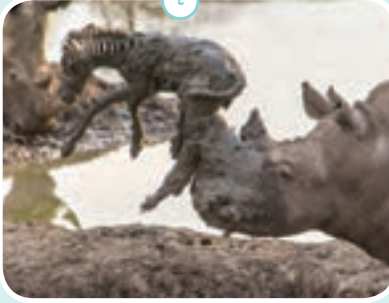
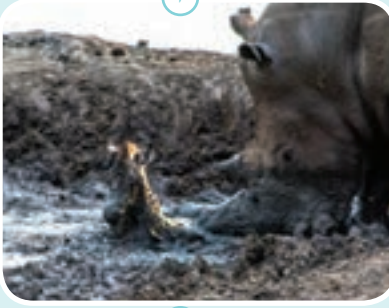
٤- الْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ:

صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ، أَوْ عِلْمٌ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

## الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

ابْحَثْ عَنْ قِصَّةِ حَقِيقَةِ قَصِيرَةِ حَوْلٍ حَيَوَانٍ،  
وَ اكْتُبْهَا فِي صَحِيفَةِ جِدَارِيَّةٍ،  
ثُمَّ تَرْجِمْهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ-فَارِسِيِّ.





# الْمُعْجَمُ

## كَلِمَاتُ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ وَ التَّاسِعِ وَ الْعَاشِرِ

توجه: کلمات بی‌شماره مربوط به کتاب‌های عربی

پایه‌های هفتم، هشتم و نهم و کلمات قرمز فعل هستند.



**أَحَبُّ:** دوست داشت (مضارع: يُحِبُّ)

أَحَبُّ إِلَيَّ: محبوب ترین نزد

**إِحْتَرَقَ:** آتش گرفت

(مضارع: يَحْتَرِقُ / مصدر: إحتراق)

**إِحْتَرَمَ:** احترام گذاشت

(مضارع: يَحْتَرِمُ / مصدر: إحترام) ٤

إِحْتِفَاطٌ: نگاه داشتن ٤

**إِحْتَفَلَ:** جشن گرفت

(مضارع: يَحْتَفِلُ / مصدر: إحْتِفَال) ٣

**إِحْتَوَى:** در بر داشت

(مضارع: يَحْتَوِي / مصدر: إحتواء) ٥

الْأَحَدُ: یکی از، کسی، یکتا، تنها

أَحَدٌ، يَوْمُ الْأَحَدِ: یکشنبه

أَحَدَ عَشَرَ: یازده

إِحْدَى: یکی از

أَحْسَنُ: بهتر، بهترین

**أَحْسَنَ:** خوبی کرد، خوب انجام داد

(مضارع: يُحْسِنُ / مصدر: إحسان) ٢

أَحْسَنْتَ: آفرین بر تو ٢

**أَحْصَى:** شمرد

(مضارع: يَبْتَدِئُ / مصدر: إبتداء)

إِثْسَامٌ: لبخند

**إِبْتَعَدَ:** دور شد

(مضارع: يَبْتَعِدُ / مصدر: إبتعاد) ٥

إِبْنُ: پسر، فرزند «جمع: أبناء، بنون»

إِبْنُ آدَمَ: آدمیزاد

أَبْيَضٌ: سفید

إِتِّجَاهٌ: جهت ٥

إِتِّصَالَاتٌ: مخابرات ٧

**إِتَّصَلَ بِ:** با... تماس گرفت

(مضارع: يَتَّصِلُ / مصدر: إتصال) ٨

**آتَى:** آمد (مضارع: يَأْتِي) = جاء

**أَثَارَ:** برانگیخت

(مضارع: يُثِيرُ / مصدر: إثارة) ٢

أَثَرِيّ: تاریخی ٦

إِثْنَا عَشَرَ: دوازده

إِثْنَانِ، إِثْنَيْنِ: دو

الْإِثْنَيْنِ، يَوْمُ الْإِثْنَيْنِ: دوشنبه

**أَجَابَ عَنْ:** پاسخ داد به

(مضارع: يُجِيبُ / مصدر: إجابة)



آخر: دیگر

آخر: پایان

آلة: دستگاه «جمع: آلات»

آلة الطباعة: دستگاه چاپ

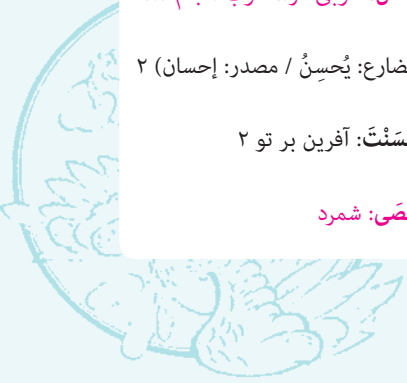
**أَمَنَ:** ایمان آورد

(مضارع: يُؤْمِنُ / مصدر: إيمان)

أَيَا

أَب (أبو، أبا، أبي): پدر «جمع: آباء»

**إِبْتَدَأَ:** شروع شد



(مضارع: يُحْصِي / مصدر: إحصاء) ٦

أَحْمَر: سرخ

أَخ (أخو، أختا، أخي): برادر، دوست

«جمع: إِخْوَة و إِخْوَان»

أَخْبَرَ: خبر داد

(مضارع: يُخْبِرُ / مصدر: إخبار) ٢

أُخْتُ: خواهر «جمع: أَخَوَات»

إِخْتَبَرَ: آزمایش کرد

(مضارع: يَخْتَبِرُ / مصدر: إختبار)

إِخْتَرَعَ: اختراع کرد

(مضارع: يَخْتَرِعُ / مصدر: إختراع)

أَخَذَ: گرفت، برداشت، بُرد

(مضارع: يَأْخُذُ / مصدر: أخذ)

أَخْرَجَ: درآورد

(مضارع: يُخْرِجُ / مصدر: إخراج) ١

أُخْرَى: دیگر ١

أَخْضَرَ: سبز

أَدَاء: به جا آوردن

أَدَاة: ابزار «جمع: أَدَوَات»

أَدَارَ: چرخاند، اداره کرد

(مضارع: يُدِيرُ / مصدر: إدارة) ٥

إِدَارَةُ الْمُرُورِ: اداره راهنمایی و

رانندگی

إِدْخَال: داخل کردن

أَدَّى: ایفا کرد، منجر شد، ادا کرد

(مضارع: يُؤَدِّي) ٨

إِذْ: آنگاه

إِذَا: هرگاه، اگر

أَرَادَ: فرومایگان

أَلْأَرْبَعَاءُ، يَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ: چهارشنبه

أَرْبَعَةٌ: أربع، چهار

أَرْبَعُونَ، أَرْبَعِينَ: چهل

أَرْسَلْ: فرستاد

(مضارع: يُرْسِلُ / مصدر: إرسال) ٣

أَرْشَدَ: راهنمایی کرد

(مضارع: يُرْشِدُ / مصدر: إرشاد) ٨

أَرْض: زمین «جمع: أَرَاظِي»

أَرَضَعَ: شیر داد

(مضارع: يُرْضِعُ / مصدر: إرضاع) ٨

أَزْزَقَ: آبی

إِسَاءة: بدی کردن ٤

أُسْبُوع: هفته

«جمع: أُسَابِيع»

إِسْتَرْجَعَ: پس گرفت

(مضارع: يَسْتَرْجِعُ / مصدر: استرجاع)

إِسْتَطَاعَ: توانست (مضارع: يَسْتَطِيعُ /

مصدر: إستطاعة) ٥

إِسْتَعَانَ: یاری جُست

(مضارع: يَسْتَعِينُ / مصدر: إستعانة) ٥

إِسْتَعْمَرَ: خواستار آباد کردن شد

(مضارع: يَسْتَعْمِرُ / مصدر: إستعمار) ٧

إِسْتَغْرَقَ وَقْتًا طَوِيلًا: وقتی طولانی گرفت

(مضارع: يَسْتَغْرِقُ / مصدر: إستغراق) ٧

إِسْتَفَادَ: استفاده کرد

(مضارع: يَسْتَفِيدُ / مصدر: إستفادة) ٥

إِسْتَلَمَ: دریافت کرد

(مضارع: يَسْتَلِمُ / مصدر: إستلام)

إِسْتَمَعَ: گوش فرا داد (مضارع:

يَسْتَمِعُ / مصدر: إستماع) ٧

إِسْتَوَى: برابر شد

(مضارع: يَسْتَوِي / مصدر: إِسْتَوَاء) ٤

إِسْتِهْلَاك: مصرف ٧

أَسَد: شیر

أُسْرَة: خانواده

أُسْرَى: شبانه حرکت داد

(مضارع: يُسْرِي / مصدر: إِسْرَاء) ٨

أَسْنَان: دندان‌ها «مفرد: سِن»

أُسْوَة: الگو

أَسْوَد: سیاه

إِشَارَاتُ الْمُرُورِ: علامت‌های رانندگی

إِشْتَرَى: خرید

(مضارع: يَشْتَرِي)

إِشْتَغَلَ: کار کرد، سرگرم شد

(مضارع: يَشْتَغِلُ / مصدر: إِشْتَغَالَ)

أَشْرَكَ: شریک قرار داد

(مضارع: يُشْرِكُ) ٤

أَصَاب: اصابت کرد

(مضارع: يُصِيبُ / مصدر: إِصَابَة)

أَصْبَحَ: شد

(مضارع: يُصْبِحُ) ٣

أَصْحَابُ الْمِهْنِ: صاحبان شغل‌ها

إِصْطِفَافُ صَبَاحِي: صف صبحگاه ٢

أَصْفَر: زرد

أَضَاعَ: تباہ کرد

(مضارع: يُضِيعُ / مصدر: إِضَاعَة)

إِضَاعَة: تباہ کردن

إِضَاقَةً إِلَى: افزون بر ٥

إِضْرَار: آسیب زدن ١٠

أَطْفَأَ: خاموش کرد

(مضارع: يُطْفِئُ / مصدر: إِطْفَاء) ٢

أَطَوَّلَ: بلندتر، بلندترین ٦

إِعْتَذَرَ: معذرت خواست

(مضارع: يَعْتَذِرُ / مصدر: إِعْتِذَار)

إِعْتَصَمَ: چنگ زد (با دست گرفت)

(مضارع: يَعْتَصِمُ / مصدر: إِعْتِصَام) ٤

إِعْتَقَدَ: اعتقاد داشت

(مضارع: يَعْتَقِدُ / مصدر: إِعْتِقَاد)

إِعْتَمَدَ: اعتماد کرد

(مضارع: يَعْتَمِدُ / مصدر: إِعْتِمَاد)

أَعْجَزَ: ناتوان‌تر، ناتوان‌ترین

إِعْصَار: گردباد «جمع: أَعْصِير» ٣

أَعْطَى: داد (مضارع: يُعْطِي / مصدر:

إِعْطَاء / أَعْطَيْتُ: به من بده)

أَعْلَمَ: داناتر، داناترین

أَعْلَى: بالا، بالاتر ٨

إِغْرَار: تیره رنگی، غبار آلودگی ١

أَغْلَقَ: بست

(مضارع: يُغْلِقُ / مصدر: إِغْلَاق) ٢

أَفْاضِل: شایستگان

أَفْرَزَ: ترشح کرد

(مضارع: يُفْرِزُ / مصدر: إِفْرَاز) ٥

أَفْضَلَ: برتر، برترین

إِقْتِرَاح: پیشنهاد ٢

إِقْتَرَبَ: نزدیک شد

(مضارع: يَقْتَرِبُ / مصدر: إِقْتِرَاب)

أَقْلُ خَطَرًا: کم خطرتر ٧

أَكْبَر: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین

إِكْتِسَاب: به‌دست آوردن

أَكَّدَ: تأکید کرد

(مضارع: يُؤَكِّدُ / مصدر: تَأَكِيد) ٤

اِكْرَاه: اجبار ٤

**اَكْمَل: کامل کرد**

(مضارع: يُكْمِلُ / مصدر: اِكْمَال) ٧

**اَكَل: خورد** (مضارع: يَأْكُلُ / مصدر:

اَكْل)

اِلَّا: به جز، مانده «در ساعت خوانی»

اَلَا: هان، آگاه باش

اَلَا: که ن ... اَلَا نَعْبُدُ: که نپرستیم

(اَنْ+لا+نَعْبُد) ٤

**اِلْتَمَأ: بهبود یافت**

(مضارع: يَلْتَمِئُ / مصدر: اِلْتِمَاء) ٥

اِلْتِقَاطُ صَوْرٍ: عکس گرفتن ٥

اَلَّذِي: کسی که، که

اَلَّذِيْنَ: کسانی که، که

اَلْف: هزار «جمع: آلف»

**اَلْف: نگاشت**

(مضارع: يُؤَلِّفُ / مصدر: تَأْلِيف) ١٢

اَلَمْ: درد «جمع: آلام» ١٠

اِلَى: به، به سوی، تا

اِلَى اللِّقَاءِ: به امید دیدار

اَلْيَوْم: امروز، روز

اُم: مادر «جمع: اُمّهات»

اُم: یا

اُمَام: روبه رو «متضاد: خَلْف»

اُمَان: امنیّت

**اِمْتَلَك: مالک شد**

(مضارع: يَمْتَلِكُ / مصدر: اِمْتِلَاك) ٢

اِمْرَأُ، اِمْرُؤُ، اِمْرِئ (اَلْمَرْء): انسان، مرد

اِمْرَأَة (اَلْمَرْأَة): زن «نساء: زنان»

اِمْرِيكَا اَلْوُسْطَى: آمریکای مرکزی ٣

اُمْس: دیروز

**اَمَطَر: باران بارید**

(مضارع: يُمَطِرُ / مصدر: اِمْطَار) ٣

**اَمَكَن: امکان دارد**

(مضارع: يُمَكِّنُ / مصدر: اِمْكَان)

اَمِير: فرمانده «جمع: اُمراء»

اَمِين: امانتدار «جمع: اُمّناء»

اَنْ ... : که ...

«اَنْ اُسَافِرَ: که سفر کنیم» ١

اِنَّ: حقیقتاً، قطعاً

اَنَّ: که

اِنْ: اگر ٤

اِنَّا: من

اِنَارَة: نورانی کردن ٥

**اِنْبَعَثَ: فرستاده شد**

(مضارع: يَنْبَعِثُ / مصدر: اِنْبِعَاث) ٥

اَنْبُوبَة: لوله «جمع: اَنْبِيب» ٧

اَنْتَ: تو «مذکر»

اَنْتِ: تو «مؤنث»

اِنْتِاج: تولید

**اِنْتَبَهَ: بیدار شد، متوجه شد، آگاه شد**

(مضارع: يَنْتَبِهُ / مصدر: اِنْتِبَاه) ٣

**اِنْتَظَر: منتظر شد**

(مضارع: يَنْتَظِرُ / مصدر: اِنْتِظَار) ١

**اِنْتَفَعَ بِ: از ... سود برد**

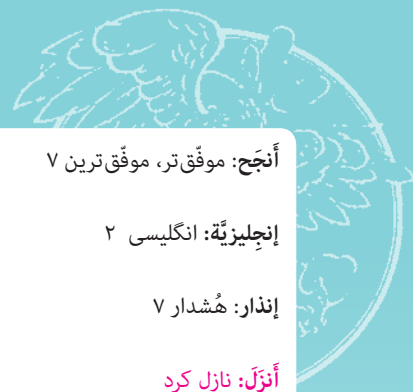
(مضارع: يَنْتَفِعُ / مصدر: اِنْتِفَاع) ٢

اَنْتُمْ: شما «مذکر»

اَنْتُمَا: شما «مثنی»

اَنْتُنَّ: شما «مؤنث»

اَنْثَى: زن، ماده ٤



أُنْجَحَ: موفق‌تر، موفق‌ترین ۷

إِنْجِلِيزِيَّة: انگلیسی ۲

إِنْذَار: هشدار ۷

أَنْزَلَ: نازل کرد

(مضارع: يُنْزِلُ / مصدر: إِنْزَال) ۱

أَنْشَأَ: پدیدآورد، آفرید

(مضارع: يُنْشِئُ / مصدر: إِنْشَاء) ۶

أَنْشَدَ: سرود

(مضارع: يُنْشِدُ / مصدر: إِنْشَاد) ۵

أَنْصَحَ: اندرزگوترین

أَنْفَ: بینی «جمع: أَنْفُ» ۸

أَنْفُسُهُمْ: خودشان

أَنْفَعَ: سودمندتر، سودمندترین

أَنْفَقَ: انفاق کرد

(مضارع: يُنْفِقُ / مصدر: إِنْفَاق) ۸

أَنْقَذَ: نجات داد

(مضارع: يُنْقِذُ / مصدر: إِنْقَاذ)

إِنْكَسَرَ: شکسته شد

(مضارع: يَنْكَسِرُ / مصدر: إِنْكَسَار)

إِنْمًا: فقط

أَوْ: یا

أَوْجَدَ: پدید آورد

(مضارع: يَوْجِدُ / مصدر: إِيجَاد) ۱

أَوْسَطَ: میانه‌تر، میانه‌ترین

أَوْصَلَ: رسانید

(مضارع: يُوْصِلُ / مصدر: إِيْصَال) ۸

أَوَّلَى: یکم، نخستین «مؤنثِ أَوَّلَ»

أَوَّلِكَ: آنان

أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ: خوش آمدید

أَيَّ: کدام، چه، هرگونه

أَيُّهَا: ای «برای مؤنث»

أَيْضًا: همچنین

أَيْنَ: کجا

أَيُّهَا: ای «برای مذکر»

## ب

بِ: به وسیله

بَاب: در «جمع: أَبْوَاب»

بَارِد: سرد «متضاد: حَارٌّ»

بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ: آفرین بر تو ۵

بِالتَّأَكِيدِ: البته

بَالِغ: کامل ۱

بَاعِع: فروشنده

بِحَاجَةٍ: نیازمند

بَحَثَ: پژوهش «جمع: أَبْحَاثُ»

بَحَثَ عَنْ: دنبال...گشت

(مضارع: يَبْحَثُ / مصدر: بَحْث)

بَحْرَ: دریا «جمع: بِحَارُ»

بُحَيْرَةٌ: دریاچه ۶

بَدَأَ: شروع کرد، شروع شد

(مضارع: يَبْدَأُ)

بِدَايَةٍ: شروع «متضاد: نِهَايَةٌ»

بِرٍّ: نیکی ۵

بَرٍّ: خشکی، زمینی ۵

بَرِيد: پست

بِطَاقَةِ بَرِيدِيَّة: کارت پستال ۶

بُسْتَان: باغ «جمع: بَسَاتِين»

بَسَطَ: گستراند (مضارع: يَبْسِطُ) ۲

بِسُهولة: به آسانی

بَسِيط: ساده

بَصَر: دیده «جمع: أَبْصَار»

بِضَاعَة: کالا «جمع بَضَائِع»

بَطْن: اردک ۵

بَطَّارِيَّة: باتری

بِطَاقَة: کارت ۳

بَعَثَ: فرستاد

(مضارع: يَبْعَثُ / مصدر: بَعَثَ) ۸

بَعْدَ: دور شد

(مضارع: يَبْعُدُ / مصدر: بَعُدَ) ۳

بَعْض ... بَعْض: همدیگر ۵

بَعِيد: دور «متضاد: قَرِيب»

بَعْتَة: ناگهان

بَقَر، بَقَرَة: گاو

بُقْعَة: قطعه زمین «جمع: بُقَاع» ۲

بَكْتِيرِيَا: باکتری ۵

بِكُلِّ سُرُورٍ: با کمال میل

بَكِي: گریه کرد

(مضارع: يَبْكِي / مصدر: بَكَاء) ۸

بَل: بلکه

بِلَا: بدون

بِلَاد: کشور، شهرها «مفرد: بَلَد»

بَلَد: شهر

بُلْدَان: کشورها ۷

بَلَغَ: رسید

(مضارع: يَبْلُغُ / مصدر: بُلُوغ) ۸

بَلَى: آری ۸

بِمَ: با چه چیزی «بِ + ما»

بِنَاء: ساختن، ساختمان ۷

بِنْت (ابْنَة): دختر «جمع: بَنَات»

بَنَفْسَجِي: بنفش

بُنَيَّ: پسرکم ۳

بُوم: جغد ۵

بَهِيمَة: چارپا (به جز درندگان)

«جمع: بَهَائِم» ۲

بَيْت: خانه «جمع: بُيُوت»

بُنْر: چاه «جمع: أَبَار»

بَيْع: فروش «متضاد: شَرَاء»

## ت

تَأَثَّرَ: تحت تأثیر قرار گرفت

(مضارع: يَتَأَثَّرُ / مصدر: تَأَثَّرَ) ۵

تَاسِع: نهم

تَالِي: تالی: بعدی

تَجَلَّى: جلوه گر شد

(مضارع: يَتَجَلَّى) ۴

تَجَمُّع: جمع شد

(مضارع: يَتَجَمُّعُ / مصدر: تَجَمُّعَ) ۸

تَحْت: زیر «متضاد: فَوْق»

تَحْذِيرِي: هشدارآمیز ۷

تَحَرَّك: حرکت کرد

(مضارع: يَتَحَرَّكُ / مصدر: تَحَرَّك) ۵

تَحْرَجَ: دانش آموخته شد

(مضارع: يَتَحَرَّجُ / مصدر: تَحَرَّجَ)

تُرَاب: خاک ۸

تُرَاث: میراث ۶

تَرْجَمَ: ترجمه کرد

(مضارع: يُتَرْجَمُ / مصدر: تَرْجَمَة) ۲

### تَرَكَ: ترک کرد

(مضارع: يَتْرُكُ / مصدر: تَرَكَ)

### تَسَاقَطَ: پی در پی افتاد

(مضارع: يَتَسَاقَطُ / مصدر: تَسَاقَطَ ۳)

تَسْجِيل: ثبت کردن

(ماضی: سَجَلَ / مضارع: يُسَجِّلُ) ۶

تِسْعَة، تِسْع: نه

تَسْلَمُ عَيْنَاكَ: چشمت سالم بماند

(چشمت بی بلا) ۸

### تَصَادَمَ: تصادف کرد

(مضارع: يَتَصَادَمُ / مصدر: تَصَادَمَ)

### تَعَارَفُوا: یکدیگر را شناختند

(مضارع: يَتَعَارَفُونَ / مصدر: تَعَارَفَ) ۱

تَعَالَ: بیا

### تَعَاوَنَ: همکاری کرد

(مضارع: يَتَعَاوَنُ / مصدر: تَعَاوَنَ) ۲

### تَعَايَشَ: همزیستی داشت

(مضارع: يَتَعَايَشُ / مصدر: تَعَايَشَ) ۴

تَعَب: خستگی

### تَعَجَّبَ: تعجب کرد

(مضارع: يَتَعَجَّبُ / مصدر: تَعَجَّبَ)

تَعَرَّفَ عَلَيَّ: شناختی ۳

### تَعَلَّمَ: یادگرفت

(مضارع: يَتَعَلَّمُ / مصدر: تَعَلَّمَ)

تَعْوِض: جبران کردن

تُقَاح: سیب

تَفْتِيش: بازرسی، جست و جو ۳

### تَفَرَّقَ: پراکنده شد

(مضارع: يَتَفَرَّقُ / مصدر: تَفَرَّقَ) ۴

تَفَضَّلَ: بفرما

### تَفَقَّهَ: دانش آموخت

(مضارع: يَتَفَقَّهُ / مصدر: تَفَقَّهَ)

تَقَاعُد: بازنشستگی

تَقَدَّم: پیشرفت

تَكَرِير: پالایش ۷

### تَكَلَّمَ: صحبت کرد

(مضارع: يَتَكَلَّمُ / مصدر: تَكَلَّمَ)

تِلْكَ: آن «مؤنث»

تِلْمِيز: دانش آموز «جمع: تِلْمِيزَة»

تَلْوِين: رنگ آمیزی

تَمَثَّل: تندیس «جمع: تَمَثَائِل»

تَمَر: خرما

### تَنَاوَلَ: خورد

(مضارع: يَتَنَاوَلُ / مصدر: تَنَاوَلَ)

تَنْظِيف: تمیز کردن ۸

تَهَيَّأَة: تهیه کردن

تَيَّار: جریان ۲

## ث

ثَالِث، ثَالِثَة: سوم

ثَامِن، ثَامِنَة: هشتم

ثَانِي عَشْر، ثَانِيَة عَشْرَة: دوازدهم

ثَانِي، ثَانِيَة: دوم

تَعَلَّب: روباه

ثَقَافِيَة: فرهنگی «ثَقَافَة: فرهنگ» ۶

ثَقِيل: سنگین

ثَقِيلُ السُّمْع: کم شنوا

الثَّلَاثَاء، يَوْمُ الثَّلَاثَاء: سه شنبه

ثَلَاثَة، ثَلَاث: سه

ثَلَاثُونَ، ثَلَاثِينَ: سی

ثُلُج: برف، یخ «جمع: ثُلُوج» ۳

ثُمَّ: سپس

ثَمَانِيَّة، ثَمَانِي: هشت

ثَمَر، ثَمَرَة: میوه

## ج

جَاءَ: آمد

(مضارع: يَجِيءُ / مترادف: أَتَى)

جاءَ بِ: آورد ۲

جار: همسایه «جمع: جيران»

جَاز: جابِز شد (مضارع: يَجُوزُ) ۴

جالِس: نشسته

جالَس: همنشینی کرد

(مضارع: يُجَالِسُ / مصدر: مُجَالَسَة) ۴

جامِعة: دانشگاه «جمع: جامِعات»

جاهِز: آماده ۳

جاهِل: نادان

«جمع: جُهاَل / متضاد: عَالِم»

جَبَل: کوه «جمع: جِبَال»

جُبْن، جُبْنَة: پنیر ۷

جَدّ: پدر بزرگ «جمع: أَجداد»

جَدّ: کوشید

(مضارع: يَجِدُّ / مصدر: جَدّ)

جِدّاً: بسیار

جِدَار: دیوار

جَدَل: ستیز

جَدَّة: مادر بزرگ

جَذَب: جذب کرد

(مضارع: يَجْذِبُ) ۶

جَذْوَة: پاره آتش ۱

جُرْح: زخم ۵

جَرَح: زخمی کرد

(مضارع: يُجَرِّحُ / مصدر: تَجْرِيح)

جَزاء: پاداش، کیفر

جَزَر: هویج

جِسْر: پُل «جمع: جُسُور»

جَعَلَ: قرار داد (مضارع: يَجْعَلُ /

مصدر: جَعَلَ) «مترادف: وَضَعَ»

جَلَبَ: آورد (مضارع: يَجْلِبُ)

جِلْد: پوست ۶

جَلَس: نشست

(مضارع: يَجْلِسُ / مصدر: جُلوس)

جَلِيسُ السَّوءِ: همنشین بد

جَمَارِك: گمرک ۴

جَماعِي: گروهی ۸

جَمال: زیبایی «متضاد: قُبْح»

جَمَعَ: جمع کرد

(مضارع: يَجْمَعُ / مصدر: جَمْع)

جَمِيل: زیبا «متضاد: قَبِيح»

جَنْب: کنار

جَنَّة: بهشت

جُنْدِي: سرباز «جمع: جُنُود»

جَوّ: هوا

جَواز، جَوازُ السَّفَر: گذرنامه

«جمع: جَوازات» ۳

جَوال، الْهَاتِفُ الْجَوال: تلفن همراه

جَهَّز: مجهّز کرد

(مضارع: يُجَهِّزُ / مصدر: تَجْهِيْز) ۱

جَهْل: نادانی «متضاد: عِلْم»

جَيِّدًا: خوب، به خوبی

## ح

حَاجَةٌ: نیاز «جمع: حَوَائِج»

حَادٌّ: تیز ۸

حَادِي عَشْرٍ، حَادِيَّةَ عَشْرَةٍ: یازدهم

حَارٌّ: گرم «متضاد: بارِد»

حَاسِبٌ: رایانه «جمع: حَوَاسِب»

حَافِظٌ عَلَيَّ: نگهداری کرد از

(مضارع: يُحَافِظُ / مصدر: مُحَافَظَةٌ) ۲

حَافِلَةٌ: اتوبوس «جمع: حَافِلَات»

حَاوَلٌ: تلاش کرد

(مضارع: يُحَاوِلُ / مصدر: مُحَاوَلَةٌ)

حَبٌّ: دانه

«جمع: حُبُوب / حَبَّة: یک دانه»

حُبٌّ: دوست داشتن

حَبَلٌ: طناب «جمع: حِبَال» ۴

حُبُوبٌ مُسَكَّنَةٌ: قرص‌های مسکن

حَبِيبٌ: دوست، یار «جمع: أَحِبَّة»

«مترادف: صَدِيق / متضاد: عَدُوٌّ»

حَتَّى: تا، تا اینکه

«حَتَّى تَبْتَعِدَ: تا دور شود» ۵

حَجَرٌ: سنگ «جمع: أَحْجَار»

حُجْرَةٌ: اتاق (جمع: حُجَرَات) ۲

حَدَّادٌ: آهنگر

حَدَّثَ: اتفاق افتاد

(مضارع: يَحْدُثُ / مصدر: حُدُوث)

حُدُودٌ: مرز، مرزها

حَدِيثٌ: نو، سخن

حَدِيقَةٌ: باغ «جمع: حَدَائِق»

حَدِيقَةُ الْحَيَوَانَاتِ: باغ وحش

حَذَرٌ: هشدار داد

(مضارع: يُحَذِّرُ / مصدر: تَحْذِير)

حُرٌّ: آزاد، آزاده ۲

حَرْبٌ: جنگ «جمع: حُرُوب»

حِزْبَاءُ: آفتاب‌پرست ۵

حَرَسٌ: نگهداری کرد، نگهداری داد

(مضارع: يَحْرُسُ / مصدر: حِرَاسَةٌ)

حَرَكٌ: حرکت داد، تحریک کرد

(مضارع: يُحَرِّكُ / مصدر: تَحْرِيك) ۵

حُرِّيَّةٌ: آزادی ۴

حَزَنٌ: غمگین شد (مضارع: يَحْزَنُ/

مصدر: حُزْن) «متضاد: فَرَح»

حَزِينٌ: غمگین

«متضاد: مَسْرُور و فَرِح»

حُسَامٌ: شمشیر

حَسِبَ: پنداشت (مضارع: يَحْسِبُ)

حُسْنٌ: خوبی «متضاد: قُبْح، سوء»

حُسْنُ الْخُلُقِ: خوش اخلاقی

حُسْنُ الْعَهْدِ: خوش پیمانی

حَسَنٌ، حَسَنَةٌ: خوب

حَسَنًا: بسیار خوب ۳

حِصَّةٌ: زنگ درسی، قسمت ۲

حَصَدٌ: درو کرد (مضارع: يَحْصُدُ)

حَصَلَ عَلَيَّ: به دست آورد

(مضارع: يَحْصُلُ / مصدر: حُصُول) ۶

حَطَبٌ: هیزم

حِفَافٌ عَلَيَّ: نگهداری از ۲

## حَفَر: گند

(مضارع: يَحْفِرُ / مصدر: حَفَرَ)

## حَفِظَ: حفظ کرد

(مضارع: يَحْفَظُ / مصدر: حَفِظَ)

حَفْلَةُ الزَّوْاجِ: جشن عروسی

حَفْلَةُ الْمِيلَادِ: جشن تولد

حَقِيبَة: کیف، چمدان

«جمع: حَقَائِب»

حَلْوَانِيّ: شیرینی فروش

حَلَوِيَّات: شیرینیجات ۶

حَلِيب: شیر

حَمَامَة: کبوتر

حُمُق: نادانی ۵

حَمْل: بُردن، حمل کردن

حَمِيم: گرم و صمیمی ۴

حَنْفِيَّةُ الْمَاءِ: شیر آب ۲

حِوَار: گفت و گو

حَوَائِج: نیازها

حَوْل: اطراف

## حَوَّلَ: تبدیل کرد

(مضارع: يُحوِّلُ / مصدر: تَحْوِيل) ۵

حَيَاء: شرم

حَيّ: زنده «جمع: أَحْيَاء»

حَيَاة: زندگی «متضاد: مَوْت»

حَيَر: حیران کرد (مضارع: يُحَيِّر) ۳

## خ

خَاتَم: انگشتر «جمع: خَوَاتِم»

خَاف: ترسید (مضارع: يَخَافُ)

خَامِسَ عَشَرَ، خَامِسَةَ عَشْرَة: پانزدهم

خَامِس، خَامِسَة: پنجم

خَائِف: ترسیده، ترسان

خَبَّاز: نانوا

خُبِر: نان

## خَدَمَ: خدمت کرد

(مضارع: يَخْدُمُ / مصدر: خِدْمَة)

## خَرَجَ: بیرون رفت

(مضارع: يَخْرُجُ / مصدر: خُرُوج)

خَرِيف: پاییز

خَزَانَة: گنجینه «جمع: خَزَائِن»

خُسْرَان: زیان

خَشَب: چوب «جمع: أَخْشَاب»

خَضِر، خَضِرَة: سرسبز ۱

خَطَأ: خطا «جمع: أخطاء»

خَطِيئَة: گناه، خطا «جمع: خطايا»

خَلَاب: جذاب ۶

خِلَاف: اختلاف ۴

خَلَف: پشت

«مترادف: وَراء / متضاد: أمام»

## خَلَقَ: آفرید

(مضارع: يَخْلُقُ / مصدر: خَلَقَ)

خُمْس: یک پنجم ۴

خَمْسَة، خَمْس: پنج

الْخَمِيس، يَوْمُ الْخَمِيس: پنجشنبه

خَوْف: ترس، ترسیدن

خَيْر: بهتر، بهترین، خوبی



## د

### دار: چرخید

(مضارع: یَدُورُ / مصدر: دَوَران) ۱

دَجاج: مرغ ۷

دُخان: دود

### دَخَلَ: داخل شد

(مضارع: یَدْخُلُ / مصدر: دُخول)

دُر: مروارید (جمع: دُرر) ۱

دِرَاسَة: درس خواندن، پژوهش

دِرَاسِي: تحصیلی

دَرَس: درس خواند (مضارع: یَدْرُسُ /

مصدر: دِرَاسَة و دَرَس)

### دَرَس: درس داد

(مضارع: یُدْرُسُ / مصدر: تَدْرِیس)

### دَعَا: فرا خواند، دعا کرد

(مضارع: یَدْعُو / مصدر: دَعْوَة و

دُعَاء) ۴

### دَفَعَ: دور کرد، پرداخت

(مضارع: یَدْفَعُ / مصدر: دَفْع)

دَلَّ: راهنمایی کرد (مضارع: یَدُلُّ) ۵

دَلیل: راهنما «جمع: اَدْلَة و اَدْلَاء»

دَمْع: اشک «جمع: دُموع»

دَوَاء: دارو «جمع: اَدْوِیَة» ۷

دَوام: ساعت کار

(دَوام مَدْرَسِي: ساعت کار مدرسه) ۲

دَوْر: نقش ۸

دَوْرَة المِیاه: سرویس بهداشتی ۲

دَوْران: چرخیدن

دَوْلَة: کشور، حکومت «جمع: دُول» ۶

دَوْنْ اَنْ: بی آنکه «دَوْنْ اَنْ یُحَرِّکَ:

بی آنکه حرکت دهد» ۵

دَهْر: روزگار

## ذ

ذَا: این «مَنْ ذَا: این کیست؟» ۱

ذات: دارای ۱

ذاکِرَة: حافظه ۸

ذَاكَ: آن ۱

ذَاهِب: رفته

ذَكَر: مرد، نر ۴

### ذَكَر: یاد کرد

(مضارع: یَذْكُرُ / مصدر: ذِکْر / متضاد:

نَسِي)

ذِکْرِي: خاطره «جمع: ذِکْرِیات» ۴

ذَلِکَ: آن «مذکر»

ذَنْب: دُم «جمع: أَذْناب» ۵

ذَنْب: گناه «جمع: ذُنُوب»

ذو: دارای

### ذَهَب: رفت

(مضارع: یَذْهَبُ / مصدر: ذَهَاب)

ذَهَب: طلا

ذَنْب: گرج «جمع: ذِئاب»

## ر

رابع، رَابِعَة: چهارم

راحِم: رحم کننده

رَأْس: سر

راسِب: مردود

راقِد: بستری

**رَأَى: دید** «مضارع: يَرَى»

رَأَى: نظر، فکر

رائِحَة: بو

رائِع: جالب ٦

رُبَّ: چه بسا

رَبِيع: بهار

رَجاء: امید

رَجاءً: لطفاً

**رَجَعَ: برگشت** (مضارع: يَرْجِعُ/

مصدر: رُجوع)

رَجُل: مرد «جمع: رجال»

**رَحِمَ: رحم کرد**

(مضارع: يَرْحَمُ / مصدر: رَحِمَ)

رَخِيس، رَخِصَة: ارزان

رُز: برنج

رِسالة: نامه «جمع: رَسَائِل»

**رَسَمَ: نقاشی کرد**

(مضارع: يَرْسُمُ / مصدر: رَسَمَ)

رَصِيف: پیاده‌رو

رِضا: رضایت

**رَفَعَ: بالا بُرد، برداشت**

(مضارع: يَرْفَعُ / مصدر: رَفَعَ)

**رَقَدَ: بستری شد، خوابید**

(مضارع: يَرْقُدُ)

**رَكَبَ: سوار شد**

(مضارع: يَرْكَبُ / مصدر: رَكَبَ)

رُمان: انار

رَمَل: ماسه «جمع: رِمَال» ٦

**رَمَى: پرت کرد**

(مضارع: يَرْمِي / مصدر: رَمَى) ٢

رِياضَة: ورزش

رِياضي: ورزشکار

رِيح: باد «جمع: رياح»

رِيفِي: روستایی ٦

رِئِسي: اصلی

## ز

زائد: به اضافه ٢

**زَادَ: زیاد کرد، زیاد شد**

(مضارع: يَزِيدُ / مصدر: زَادَ)

**زَانَ: زینت داد**

(مضارع: يَزِينُ / مصدر: زَانَ) ١

زُبْدَة: کره ٧

زُجاجة عِطَر: شیشه عطر

زِرَاعِي: کشاورزی

**زَرَعَ: کاشت**

(مضارع: يَزْرَعُ / مصدر: زَرَعَ)

زَمِيل: هم‌شاگردی، همکار، همسفر و

یار «جمع: زُملاء»

زَوْجَة: همسر «زوج: شوهر»

زَهْر: شکوفه، گل «زَهْرَة: یک

شکوفه، یک گل / جمع: أَزهار»

زَيْت: روغن «جمع: زُيُوت» ٥

## س

سء، سَوَفَ: نشانه آینده

سابع، سَابِعَة: هفتم

ساجِد: سجده کننده

ساحَة: حیاط، میدان

سادِس، سادِسَة: ششم

سارَ: حرکت کرد، به راه افتاد

(مضارع: يَسِيرُ / مصدر: سَيَّرَ) ٥

ساعَد: کمک کرد

(مضارع: يُسَاعِدُ / مصدر: مُسَاعَدَة)

سافَر: سفر کرد

(مضارع: يُسافِرُ / مصدر: مُسافَرَة)

سألَ: پرسید، درخواست کرد

(مضارع: يَسْأَلُ)

سائِح: گردشگر «جمع: سائِحون» ٢

سائق: راننده

سائل: مایع، پرسشگر ٢

ساوَى: برابر شد

(مضارع: يُساوي / مصدر: مُساواة) ٢

سَبَّ: دشنام داد (مضارع: يَسُبُّ) ٤

السَّبْتُ، يَوْمُ السَّبْتِ: شنبه

سَبَّحَ: به پاکی یاد کرد ٧

(مضارع: يُسَبِّحُ / مصدر: تَسْبِيح)

سَبْعَة، سَبْع: هفت

سَبْعِينَ، سَبْعُونَ: هفتاد

سِتَّة، سِت: شش

سَتَرَ: پوشاند، پنهان کرد

(مضارع: يَسْتُرُ)

سَجَد: فرش ٦

سَجَدَ: سجده کرد (مضارع: يَسْجُدُ)

سَحَاب: ابر

سَحَبَ: کشید (مضارع: يَسْحَبُ) ٣

سَخاء، سَخاوة: بخشندگی

سُرْوال: شلوار «جمع: سَراويل»

سَرير: تخت «جمع: أَسِرَّة» ٨

سَفَرَة: سفر

سَفَرَة عِلْمِيَة: گردش علمی

سَفِينَة: کشتی

«جمع: سُفُن و سَفائن»

سَكَّت: ساکت شد (مضارع: يَسْكُتُ)

سَلِمَ: سالم ماند (مضارع: يَسْلَمُ)

سَلَّمَ: سلام کرد، تحویل داد

(مضارع: يُسَلِّمُ / مصدر: تَسْلِيم)

سَلَمِيًّا: مُسَالَمَت آمیز

«سَلَم: صلح» ٤

سَماء: آسمان «جمع: سَمَوات»

سَماد: کود ٧

سَمَويّ: آسمانی

سَمَحَ: اجازه داد (مضارع: يَسْمَحُ)

سَمِعَ: شنوایی ٨

سَمِعَ: شنید (مضارع: يَسْمَعُ / مصدر:)

سَمْع و سَماع)

سَمَكَة: یک ماهی «جمع: سَمَكَات»

سَمَك: ماهی «جمع: أَسماك»

سَمَكُ الْقُرْش: کوسه ماهی ٨

سَمَيّ: نامید

(مضارع: يُسَمِّي / مصدر: تَسْمِيَة) ٣

سَنَ: دندان «جمع: أَسنان»

سَنَة: سال «جمع: سَنَوات و سِنون»

و سِنِينَ

سَنَوِيًّا: سالانه ۳

سوء: بدی، بد

سَوَاء: یکسان ۴

سِوَار: دستبند «جمع: أَسَاوِر» ۸

سَوْدَاء: سیاه (مؤنثِ أَسْوَد) ۳

سوق: بازار «جمع: أسواق»

سَهْل: آسان

سِيَاخَة: جهانگردی، گردشگری ۶

سَيَاَرَة: خودرو

سَيَاَرَة الْأَجْرَة: تاکسی

سَيِّد: آقا

سَيِّدَة: خانم

سَيِّئ، سَيِّئَة: بد ۴

شَاهِد: دید

(مضارع: يُشَاهِدُ / مصدر: مُشَاهَدَة)

شای: چای

شَبَاب: دوره جوانی، جوانان

«مفرد: شَاب»

شَبَكَة: تور

شِئَاء: زمستان

شَجَر: درخت «جمع: أَشْجَار»

شَجَرَة: یک درخت «جمع: شَجَرَات»

شَجَّع: تشویق کرد

(مضارع: يُشَجِّعُ / مصدر: تَشْجِيع)

شِرَاء: خریدن «متضاد: بَيْع»

شِرَاب: نوشیدنی، شربت

«جمع: أَشْرِبَة»

شَرِب: نوشید

(مضارع: يَشْرِبُ / مصدر: شُرْب)

شَرَح: شرح داد

(مضارع: يَشْرَحُ / مصدر: شَرْح)

شَرَرَة: زبانه آتش ۱

شَرَشَف: ملافه «جمع: شَرَاشِف» ۸

شُرْطَة: اداره پلیس

شُرْطِي: پلیس

شَرَف: مشرف فرمود، افتخار داد

(مضارع: يُشْرِفُ / مصدر: تَشْرِيف) ۳

شَرَكَة: شرکت «جمع: شَرَكَات»

شُعْب: ملت «جمع: شُعُوب» ۲

شَعَر يه احساس... کرد

(مضارع: يَشْعُرُ / مصدر: شُعُور)

شَق: شکافت (مضارع: يَشُقُّ) ۱

شَقَاوَة: بدبختی

شَكَر: تشکر کرد

(مضارع: يَشْكُرُ / مصدر: شُكْر)

شُكْرًا جَزِيلًا: بسیار سپاسگزارم

شَلَال: آبشار «جمع: شَلَالَات»

شَم: بویید

(مضارع: يَشُمُّ / مصدر: شَم) ۸

شَمْس: خورشید

شَهْد: شاهد بود (مضارع: يَشْهَدُ) ۳

شَهْر: ماه «جمع: شُهُور»

ش

شَاب: جوان «جمع: شَبَاب»

شَارِع: خیابان «جمع: شَوَارِع»

شَاطِئ: ساحل «جمع: شَوَاطِئ» ۶

## ص

صادق: راستگو

صار: شد (مضارع: يَصِرُّ)

صالح: درستکار

صالة: سالن ۴

صباح الخير، صباح النور: صبح به خیر

صحة: تندرستی

صحراوية: کویری ۶

صحيفة: روزنامه «جمع: صُحُف»

صحيفة جدارية: روزنامه دیواری

صخر: صخره «جمع: صُخور» ۷

صداع: سردرد

صدقة: دوستی

صدر: سینه «جمع: صُدور» ۵

صدر: صادر کرد

صدّر: صادر کرد (مضارع: يُصَدِّرُ / مصدر: تَصْدِير) ۷

صدق: باور کرد

صدق: راست گفت (مضارع: يُصَدِّقُ / مصدر: تَصْدِيق) ۳

صدق: راست گفت

(مضارع: يَصْدُقُ / مصدر: صَدَقَ)

صديق: دوست

«جمع: أَصْدِقَاءُ / متضاد: عَدُوٌّ»

صرخ: فریاد زد (مضارع: يَصْرُخُ)

صعد: بالا رفت

(مضارع: يَصْعَدُ / مصدر: صُعِدَ)

صغر: کوچکی

صغير: کوچک

«جمع: صِغار، متضاد: كَبِير»

صف: کلاس «جمع: صُفوف»

صفر: سوت زد (مضارع: يَصْفِرُ) ۸

صلاة: نماز

صلح: تعمیر کرد

(مضارع: يُصَلِّحُ / مصدر: تَصْلِيح) ۸

صناعة: صنعت

صناعية: صنعتی

صنع: ساخت

(مضارع: يَصْنَعُ / مصدر: صُنِعَ)

صور متحركة: عکس‌های متحرک

صورة: عکس «جمع: صُور»

صوم: روزه

صيانة: نگهداری، تعمیرات ۷

صيدلي: داروفروش ۶

صيدلية: داروخانه ۶

صير: گردانید (مضارع: يُصَيِّرُ) ۱

صيف: تابستان

الصين: چین

## ض

ضحك: خندید

(مضارع: يَضْحَكُ / مصدر: ضَحِكَ)

ضرب: زد

(مضارع: يَضْرِبُ / مصدر: ضَرَبَ)

ضع: بگذار ۱

ضعف: برابر در مقدار

«ضِعْفَيْن: دو برابر» ۷

ضغط الدم: فشار خون

ضوء: نور «جمع: أَضْواء» ۵

ضياء: روشنایی ۱

ضیافت: مهمانی

صَيْف: مهمان «جمع: صُیُوف»

طُفُولَة: کودکی

طَلَب: درخواست کرد

(مضارع: يَطْلُبُ / مصدر: طَلَب )

طَيَّار: خلبان

طَير: پرندۀ «جمع: طُيُور» ۸

ظ

ظَاهِرَة: پدیدۀ «جمع: ظَوَاهِر» ۳

ظَلَام: تاریکی ۵

ظَلَم: ستم کرد

(مضارع: يَظْلِمُ / مصدر: ظَلَم)

ظَن: گمان کرد

(مضارع: يَظُنُّ / مصدر: ظَنَّ)

ظَهَر: آشکار شد

(مضارع: يَظْهَرُ / مصدر: ظَهَرَ)

ط

طَارِح: تازه

طَاقَة كَهْرَبَائِيَّة: نیروی برق

طَالِب: دانش آموز، دانشجو

«جمع: طُلَّاب»

طَائِر: پرندۀ «جمع: طُيُور»

طَائِرَة: هواپیما «جمع: طَائِرَات»

طِبُّ الْعُيُون: چشم پزشکی

طَبَّاح: آشپز

طَبَخ: پخت

(مضارع: يَطْبُخُ / مصدر: طَبَخ)

طَبَعَ: چاپ کرد

(مضارع: يَطْبَعُ / مصدر: طَبَعَ)

طَرَد: با تندى راند

(مضارع: يَطْرُدُ / مصدر: طَرَد )

طَرَق: کوبید

ع

عَاش: زندگی کرد

(مضارع: يَعِيشُ / مصدر: عَاشَ)

عَاشِر، عَاشِرَة: دهم

عَالَم: جهان

عَالَمِيّ: جهانی، بین المللی

عَالَمِيْنَ: جهانیان

عام: سال «جمع: أَعوام»

عامّ دِرَاسِيّ: سال تحصیلی

عامِل: کارگر «جمع: عُمال»

عَبَاءَة: چادر

عَبَد: بندۀ «جمع: عِبَاد»

عَبَر: از راه ۳

عَبَرَ: عبور کرد

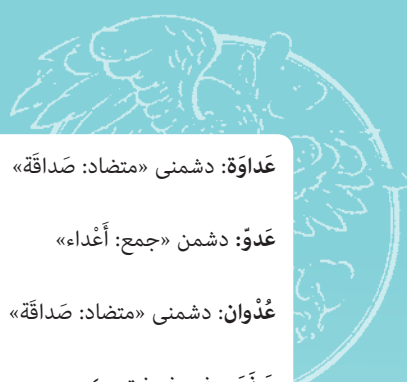
(مضارع: يَعْبُرُ / مصدر: عَبَرَ)

عِبْرَة: پند «جمع: عِبَر»

عَتِيق: کهنه

عَجَز: ناتوان شد

(مضارع: يَعْجِزُ / مصدر: عَجَز)



عَدَاوَة: دشمنی «متضاد: صَدَاقَة»

عَدُوّ: دشمن «جمع: أَعْدَاء»

عُدُوَان: دشمنی «متضاد: صَدَاقَة»

عَذَرَ: عذر پذیرفت ۴

عَرَبَة: واگن، گاری

عَرَفَ: شناخت، دانست

(مضارع: يَعْرِفُ / مصدر: عَرَفَان)

عَرَفَ: معرفی کرد

(مضارع: يُعْرِفُ / مصدر: تَعْرِيف) ۸

عِزَّة: ارجمندی

عَزَلَ: برکنار کردن

عَزَمَ: تصمیم گرفت

(مضارع: يَعْزِمُ / مصدر: عَزَمَ) ۸

عُشٌّ: لانه

عِشَاء: شام

عُشْب طِبِّي: گیاه دارویی

«جمع: أَعْشَاب طِبِّيَّة» ۵

عَشْر، عَشْرَة: ده

عِشْرُون، عِشْرِينَ: بیست

عَصَفَ: وزید (مضارع: يَعْصِفُ)

عُصْفُور: گنجشک «جمع: عَصَافِير»

عَصِيرُ الْفَاكِهَة: آبمیوه

عَطَّرَ: عطر زد

(مضارع: يُعَطِّرُ / مصدر: تَعَطِير)

عُطْلَة: تعطیلی ۶

عَفَا: بخشید

(مضارع: يَعْفُو / مصدر: عَفُو) ۸

عَفُوًّا: ببخشید

عَلِمَ: پرچم «جمع: أَعْلَام»

عَلِمَ: دانست

(مضارع: يَعْلَمُ / مصدر: عَلِمَ)

عَلَى: بر، روی

عَلَى الْيَسَارِ: سمت چپ

عَلَى الْيَمِينِ: سمت راست

عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ: در گذر زمان

«عُصُور جمع عَصْر» ۴

عَلَيْكَ بِ...: بر تو لازم است...، تو

باید ...

عِمَارَة: ساختمان ۶

عَمِلَ: انجام داد، کار کرد

(مضارع: يَعْمَلُ / مصدر: عَمَل)

عَمُود: ستون «جمع: أَعْمِدَة»

عَمِيل: مزدور «جمع: عَمَلَاء» ۴

عَنْ: درباره، از

عَنْب: انگور

عِنْدَ: هنگام، نزد، کنار، داشتن

عِنْدَمَا: وقتی که

عِنْدَيْهِ: در این هنگام ۲

عَوَضَ: جبران کرد

(مضارع: يُعَوِّضُ / مصدر: تَعْوِض) ۵

عَيْش: زندگی

عَيْن: چشم، چشمه «جمع: عُيُون»

عَبَنَ: مشخص کرد

(مضارع: يُعَبِّنُ / مصدر: تَعْيِين) ۱

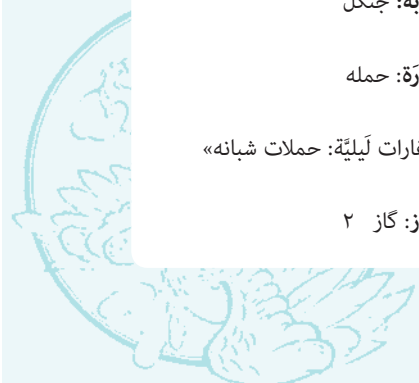


غَابَة: جنگل

غَارَة: حمله

«غارات لَيْلِيَّة: حملات شبانه»

غاز: گاز ۲



غالی (غال): گران

«متضاد: رخیص»

غایة: پایان، هدف

عَدَا: فردا

عَداء: ناهار

عُرَاب: کلاغ

عُرْفَة: اتاق «جمع: عُرَف»

عَرِق: غرق شد

(مضارع: يَغْرِقُ / مصدر: غَرِقَ)

غَزَال: آهو «جمع: غِزْلان»

غَسَلَ: شست

(مضارع: يَغْسِلُ / مصدر: غَسَلَ)

غَضِبَ: خشمگین شد

(مضارع: يَغْضَبُ / مصدر: غَضَبَ)

غَفَرَ: آمرزید

(مضارع: يَغْفِرُ / مصدر: غَفَران)

عَنَى: آواز خواند (مضارع: يُعْنِي) ۸

غَيَّرَ: تغییر داد

(مضارع: يُغَيِّرُ / مصدر: تَغْيِير)

غِيم: ابر «مترادف: سحاب» ۱

## ف

فَرَس: اسب

فُرْشاة: مسواک

فَرَع: خالی شد

(مضارع: يَفْرُغُ / مصدر: فَرَاغَ) ۲

فَرَق: پراکنده ساخت، فرق گذاشت

(مضارع: يُفَرِّقُ / مصدر: تَفَرَّقَ) ۴

فَرِيضَة: واجب دینی «جمع: فَرَائِض»

فَرِيق: تیم، گروه «جمع: أَفْرِقَة»

فُسْتَان: پیراهن زنانه

«جمع: فَسَاتِين»

فُسْتُق: پسته ۶

فِضَّة: نقره

فَضْل: برتری، فزونی ۴

فَطُور: صبحانه

فِعْل: کار، انجام دادن «جمع: أَفْعَال»

فَعَلَ: انجام داد

(مضارع: يَفْعَلُ / مصدر: فَعَلَ)

فَقْدَ: از دست داد

(مضارع: يَفْقِدُ / مصدر: فَقَدان)

فَلَّاح: کشاورز

فَد: پس، و

فارغ: خالی ۲

فاعِل: انجام دهنده

فاق: برتری یافت

(مضارع: يَفُوقُ / مصدر: فَوَّقَ) ۲

فاكِهَة: میوه «جمع: فَوَاكِه»

فائِز: برنده

فَتَحَ: باز کرد

(مضارع: يَفْتَحُ / مصدر: فَتَحَ)

فَجَاءَ: ناگهان

فَحَصَ: معاینه کرد

(مضارع: يَفْحَصُ / مصدر: فَحَصَ)

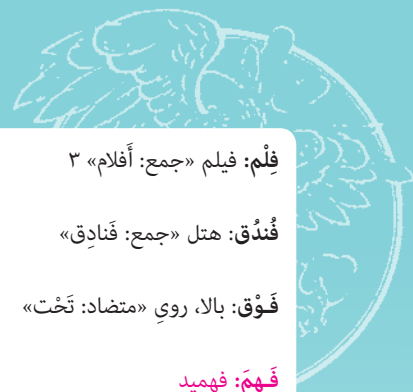
فَرَاغ: جای خالی ۱

فَرِحَ: خوشحال شد

(مضارع: يَفْرَحُ / مصدر: فَرَحَ)

فَرِحَ: شاد ۴

فَرَح: جوجه «جمع: فِرَاح»



فَلْم: فیلم «جمع: أفلام» ۳

فُنْدُق: هتل «جمع: فُنَادِق»

فَوْق: بالا، روی «متضاد: تَحْت»

فَهْم: فهمید

(مضارع: يَفْهَمُ / مصدر: فَهَمَ) (فَهْم)

في: در، داخل

في أَمَانِ اللّهِ: خداحافظ

## ق

قَاتِل: جنگید

(مضارع: يُقَاتِلُ / مصدر: مُقَاتَلَةٌ ۷

قَادِم: آینده

قَاطِع: بُرنده

قَاطِع الرّجَم: بُرنده پیوند خویشان

قَاعَة: سالن ۱

قَافِلَة: کاروان «جمع: قَوَافِل»

قَالَ: گفت

(مضارع: يَقُولُ / مصدر: قَوْل)

قَالَ فِي نَفْسِهِ: با خودش گفت

قَامَ: برخاست

(مضارع: يَقُومُ / مصدر: قِيَام) ۲

قَائِد: رهبر «جمع: قَادَة» ۴

قَائِم: استوار، ایستاده ۴

قَائِمَة: لیست ۶

قُبْح: زشتی «متضاد: جَمَال»

قَبَّل: بوسید

(مضارع: يَقْبَلُ / مصدر: تَقْبِيل)

قَبِل: پذیرفت

(مضارع: يَقْبَلُ / مصدر: قَبُول)

قَبْل أُسْبُوع: هفته قبل

قُبَّة: گنبد ۶

قَبِيح: زشت

قَدَر: توانست

(مضارع: يَقْدِرُ / مصدر: قُدْرَة)

قَدَم: پا «جمع: أَقْدَام»

قَدَف: انداخت (مضارع: يَقْدِفُ)

قَرَأ: خواند

(مضارع: يَقْرَأُ / مصدر: قِرَاءَة)

قَرَبَ مِنْ: نزدیک شد به

(مضارع: يَقْرُبُ / مصدر: قُرْب و

قُرْبَة)

قَرِيبٌ مِنْ: نزدیک به

«متضاد: بَعِيدٌ عَنْ»

قَرِيَة: روستا «جمع: قُرَى»

قَسَمَ: قسمت کرد (مضارع: يَقْسِمُ) ۵

قَسَمَ: تقسیم کرد

(مضارع: يُقَسِّمُ / مصدر: تَقْسِيم)

قَشَر: پوست

قَصِير: کوتاه

قَضَاءُ الْعَطَلَات: گذراندن تعطیلات ۶

قَط: گربه ۵

قَطَعَ: بُرید

(مضارع: يَقْطَعُ / مصدر: قَطْع)

قُطْن: پنبه ۶

قَفَر: پرید، جهید

(مضارع: يَقْفِرُ) ۸

قُل: بگو ۱

قَل: کم شد

(مضارع: يَقِلُّ / مصدر: قِلَة)

قَلِيل: کم «متضاد: کثیر»

قَمَح: گندم

قَمَر: ماه «جمع: أَقْمَار»

قَمِص: پیراهن

قَوْل: گفتار

قیام: برخاستن

قَيْد: بند ۵

قِيَمَة: ارزش، قیمت «جمع: قِیم»

## ک

ک: مانند

كَ: ت، - تو «مذکر»

كِ: ت، - تو «مؤنث»

کاتب: نویسنده

کَانَ: بود (مضارع: یَکُونُ)

کَانَ: گویی، انگار

کَبَر: بزرگسالی «متضاد: صِغَر»

کَبِیر: بزرگ «متضاد: صَغِير»

کَتَب: نوشت

(مضارع: یَكْتُبُ / مصدر: کِتَابَة)

کَتَم: پنهان کرد

(مضارع: یَكْتُمُ / مصدر: کِتْمَان)

کَثُر: زیاد شد

(مضارع: یَكْثُرُ / مصدر: کَثَرَة)

کَثِیر: بسیار «متضاد: قَلِيل»

کَذَب: دروغ گفت

(مضارع: یَكْذِبُ / مصدر: کِذْب و

کَذِب) «متضاد: صَدَق»

کَذَلِک: همین طور ۸

کُرَة: توپ

کُرَة الْقَدَم: فوتبال

کُرَة الْمِنْضَدَة: تنیس روی میز

کُرْسِي: صندلی «جمع: کُرَاسِي»

کَشَف: آشکار کرد

(مضارع: یَكْشِفُ / مصدر: کَشَف)

کَلَام: سخن

کَلْب: سگ «جمع: کِلَاب»

کَم: تان، - شما «جمع مذکر»

کَم: چند، چقدر

کَمَا: تان، - شما «مثنی»

کَمَا: همان گونه که

کُنْ: تان، - شما «جمع مؤنث»

کُنْز: گنج «جمع: کُنُوز»

کَوْکَب: ستاره «جمع: کَوَاکِب»

کَهْرَبَاء: برق

کَهْف: غار «جمع: کُهُوف» ۶

کِیمِیاء: شیمی

کَيْف: چگونه؟

کِیمِیائِي: شیمیایی

## ل

ل: دارد، برای «گاهی ل به ل تبدیل

می‌شود؛ مانند: لَهُ، لَک»

لا: نه، نیست، حرف نفی مضارع

لا بَأْس: اشکالی ندارد

لَا بُدَّ مِنْ: ناگزیر ۶

لا شُكْرَ عَلَى الْوَاجِب: وظیفه‌ام

است؛ تشکر لازم نیست

لَاخَظْ: ملاحظه کرد

(مضارع: يُلَاحِظُ / مصدر: مُلَاحَظَةٌ) ۳

لَاعِب: بازیکن

لَام: ملامت کرد (مضارع: يَلُومُ)

لِأَنَّ: زیرا

لَبِثَ: اقامت کرد و ماند

(مضارع: يَلْبَثُ) ۲

لَبِسَ: پوشید (مضارع: يَلْبَسُ)

لَبَوْنَةُ: پستاندار «جمع: لَبونات» ۸

لَدَى: نزد «لَدَيْهِمْ: دارند» ۴

لِسَان: زبان

لَعِبَ: بازی کرد (مضارع: يَلْعَبُ)

لَعِبَ بِ: به بازی گرفت

لَعِقَ: لیسید (مضارع: يَلْعَقُ) ۵

لُغَةً: زبان

لَقَدْ: قطعاً

لَكِنَّ، لَكِنْ: ولی

لِمَ: برای چه؟ (لِ + ما)

لَمَّا: هنگامی که

لِمَاذَا: چرا؟

لِمَنْ: مالِ چه کسی، مال چه

کسانی؟

لَوْحَةً: تابلو

لَوْن: رنگ «جمع: ألوان»

لَيْسَ: نیست

لَيْل: شب «جمع: لَيَالٍ»

لَيْمُون: لیمو

## م

ما: آنچه

ما: حرف نفی ماضی

ما أَجْمَلُ: چه زیباست! ۲

ما بِكَ: تو را چه می شود؟

ما؟: چه، چه چیز، چیست؟

ماء: آب «جمع: مياه»

مات: مُرد

(مضارع: يَمُوتُ / مصدر: مَوْتُ)

ماذا: چه، چه چیز؟

مازَسَ: انجام داد، تمرین کرد

(مضارع: يُمارِسُ / مصدر: مُمارَسَةٌ) ۲

ماشي: پیاده «جمع: مُشاة»

ماشَى: باهم راه رفتند

(مضارع: يُماشي / مصدر: مُماشاة) ۴

مائِدَةٌ: سفره غذا

مُبِيدَةُ الْحَسَرَاتِ: حشره کش

«مُبِيدَةٌ: از بین برنده» ۷

مُبِين: آشکار

مُتَحَف: موزه

مَتَى: چه وقت؟

مِثَالِي: نمونه

مُجَالَسَةٌ: همنشینی

مُجْتَهِد: کوشا

مُجِدّ: کوشا

مُجَفَّف: خشک شده

مَجْنُون: دیوانه

مَجْهُول: ناشناخته، گمنام

مُحَافَظَةٌ: استان، نگهداری

مُحاوَلَةٌ: تلاش

محرار: دماسنج ۶

مَحَطَّة: ایستگاه ۷

مُحِيطٌ أَطْلَسِيّ: اقیانوس اطلس ۳

مُخْتَبَر: آزمایشگاه

مَخْزَن: انبار «جمع: مَخَازِن»

مَدُّ خُطُوطِ الْأَنْبِيبِ:

کشیدنِ خطوطِ لوله ۷

مُدَارَا: مدارا کردن

مُدَرِّس: معلّم

مَدِينَة: شهر «جمع: مُدُن»

مَرَأَة (الْمَرْأَة): زن

مُرَاجَعَة: دوره

مُرَافِق: همراه ۳

مُرَافِق عَامَّة: تأسیسات عمومی ۲

مَرَّة: بار، دفعه

مَرَحَباً بِكُمْ: خوش آمدید، درود بر شما ۳

مَرَحْمَة: مهربانی

مَرَضُ السُّكَّرِ: بیماری قند

مَرَق: خورش ۷

مُرور: گذر کردن

مَرِیض: بیمار «جمع: مَرَضَى»

مُرَدِّجِم: شلوغ

مَسَاء: شب، بعدازظهر

مُسَاعَدَة: کمک

مُسْتَشْفَى: بیمارستان

مُسْتَعِر، مُسْتَعِرَة: فروزان ۱

مُسْتَعِين: یاری جوینده ۱

مُسْتَوْصَف: درمانگاه

مُسَجَّل: دستگاه ضبط

مَسْرُور: خوشحال «متضاد: حَزین»

مُسْلِم: مسلمان

مَسْمُوح: مجاز

مَسْؤُولُ الْإِسْتِقْبَالِ: مسئول پذیرش ۷

مُشْرِف: مدیر داخلی ۸

مِشْمِش: زردآلو

مِصْبَاح: چراغ «جمع: مِصَابِیح»

مُصْحَف: قرآن

مُصَدِّرَة: صادرکننده ۷

مَصْفَى: پالایشگاه «جمع: مَصَافِی» ۷

مَصْنَع: کارخانه

مَصْنَعُ الْوَرَقِ: کارخانه کاغذ

مَصِير: سرنوشت

مَقْصَى: گذشت (مضارع: يَمْضِي)

مُقْضِی: نورانی ۵

مُضِیاف: مهمان دوست ۲

مَطَار: فرودگاه ۱

مَطَاط: پلاستیک، کائوچو ۷

مَطْبَعَة: چاپخانه «جمع: مَطَابِع»

مَطَر: باران «جمع: أَمْطَار»

مَطْعَم: غذاخوری، رستوران

«جمع: مَطَاعِم»

مُطَهِّر: پاک کننده ۵

مَعَ: همراه، با

مَعَ الْأَسْفِ: متأسفانه ۱

مَعَ السَّلَامَة: به سلامت

مَعَالِم: آثار ۶

مَعاً: با هم

مَعَ بَعْضٍ: با همدیگر ۴

مَعْجُونُ أَشْنَانٍ: خمیر دندان

مُعْلَق: بسته شده ۲

مِفْتَاح: کلید «جمع: مَفَاتِیح»

مُفْتَكِر: مُفْتَكِرَة: اندیشمند ۱

مَفْرُوش: پوشیده ۳

مَكْتَبَة: کتابخانه

مُكْرَم: گرامی

مُكَيِّف، مُكَيِّفُ الْهَوَاءِ: کولر ۲

مَلَأَ: پُر کرد (مضارع: يَمْلَأُ)

مَلَايِس: لباس‌ها

مَلْحُوظ: قابل ملاحظه ۶

مَلْعَب: زمین بازی، ورزشگاه

«جمع: مَلَاعِب»

مِلْف: پرونده

مَلِك: پادشاه «جمع: مُلُوك» ۸

مَلَك: مالک شد، فرمانروایی کرد

(مضارع: يَمْلِكُ) ۵

مَمَر: راهرو، گذرگاه

مَمَرُ الْمَشَاةِ: گذرگاه پیاده

مَمْرَض: پرستار

مَمْلُوء بِ: پُر از

مِنْ: از

مَنْ: چه کسی؟ چه کسانی؟ هرکس

مَنَاطِقُ الْجَذِبِ السِّيَاحِيِّ: مناطق

دارای جاذبه جهانگردی ۶

مِنْ أَيْنَ: از کجا، اهل کجا؟

مُنَحَذَر: سرازیری ۷

مِنْ دُونِ اللَّهِ: به جای خدا، به غیر خدا ۴

مِنْ فَضْلِكَ: خواهشمندم ۴

مُنْشَقَة: حوله

مُنْصَدَة: میز

مُنْظَمَة الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَة:

سازمان ملل متحد

مُنْقَذ: نجات‌دهنده ۸

مُنْهَمِر، مُنْهَمَرَة: ریزان ۱

مَوَادُّ التَّجْمِيلِ: موادّ آرایشی ۷

مَوَاطِن: شهروند، هم‌میهن ۲

مَوْت: مرگ

مَوْسُوعَة: دانشنامه ۸

مَوْظَف: کارمند

مَوْعِد: وقت «جمع: مَوَاعِد» ۷

مُهِدِّي: آرام‌بخش

مِهْرَجَان: جشنواره، فستیوال ۳

مِهْمَة إدارية: مأموریت اداری

مِهْمَة: شغل «جمع: مِهَمَن»

مِيناء: بندر «جمع: مَوَانِي» ۷

مِهَة: صد

ن

نَا: يَمَان، \_ ما

نَاجِح: موفق، پیروز

نَادَى: صدا زد

(مضارع: يُنَادِي / مصدر: مُنَادَة)

نَار: آتش

نَاس: مردم

نَاسَب: مناسب شد

(مضارع: يُنَاسِبُ / مصدر: مُنَاسَبَة) ۱

نَافِذَة: پنجره «جمع: نَوَافِذ»

نَاقِص: منهای ۲

نَاقِلَة: نفتکش ۷

نَائِم: خوابیده «جمع: نِيَام» ۳

نَبَات: گیاه «جمع: نَبَاتَات»

نَبَاتَات بَرِّيَّة: گیاهان صحرایی

نَهَرَ: رودخانه «جمع: أنهار»

نَهَضَ: برخاست (مضارع: يَنْهَضُ)

## و

وَلَوْ: اگرچه

وَاجِبٌ: تکلیف

وَاحِدٌ: واحدَة: یک

وَاسِعٌ: وسیع

وَاقِفٌ: ایستاده

وَالِدٌ: پدر «مترادف: أَبٌ»

وَالِدَةٌ: مادر «مترادف: أُمٌّ»

وَالِدَيْنِ، وَالِدَانِ: پدر و مادر

وَجَبَ: واجب شد

(مضارع: يَجِبُ / مصدر: وَجُوب) ۷

وَجَدَ: پیدا کرد

(مضارع: يَجِدُ / مصدر: وَجُود)

وَجَعَ: درد «مترادف: أَلَمٌ»

وَجْهٌ: چهره «جمع: وُجُوهُ»

(مضارع: يَنْظُرُ / مصدر: نَظَر)

نَظَرًا: نظر به ۶

نَظِيفٌ: پاکیزه

نَعَمٌ: بله

نِعْمَةٌ: نعمت (جمع: أَنْعَمُ و نِعَم) ۱

نُفَايَة: زباله ۲

نَفْسٌ: خود، همان

نِفْطٌ: نفت ۶

نَفْعٌ: سود رساند

(مضارع: يَنْفَعُ / مصدر: نَفَع)

نَفَقَةٌ: هزینه

نَقَصَ: کم شد

(مضارع: يَنْقُصُ / مصدر: نَقَص)

نُقُودٌ: پول، پول‌ها

نَمَا: رشد کرد

(مضارع: يَنْمُو / مصدر: نُمُو) ۱

نَمْلَةٌ: مورچه ۲

نَوْمٌ: خواب

نَهَارٌ: روز

نَهَايَة: پایان «متضاد: بَدَايَة»

نَجَحَ: موفق شد (مضارع: يَنْجَحُ)

(مصدر: نَجَاح)

نَجْمٌ: ستاره (جمع: نُجُوم و أَنْجُم) ۱

نَحْنُ: ما

نَدِمَ: پشیمان شد

(مضارع: يَنْدِمُ / مصدر: نَدَامَةٌ و نَدَم)

نَزَلَ: پایین آمد

(مضارع: يَنْزِلُ / مصدر: نَزُول)

نِسَاءٌ: زنان

نَسِيَ: فراموش کرد

(مضارع: يَنْسَى / مصدر: نِسْيَان)

نَشَاطٌ: فعالیت ۲

نَشِيطٌ: بانشاط، فعال

نَصٌ: متن «جمع: نُصُوص»

نَصَحَ: پند داد (مضارع: يَنْصَحُ) ۲

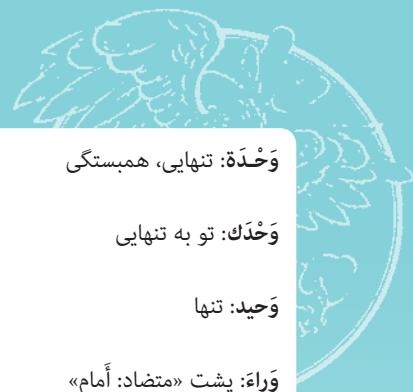
نَصَرَ: یاری کرد

(مضارع: يَنْصُرُ / مصدر: نَصْر)

نَضِرٌ، نَضِرَةٌ: تر و تازه ۱

نَظَرٌ: نگاه

نَظَرَ: نگاه کرد



وَحْدَةً: تنهایی، همبستگی

وَحْدَكَ: تو به تنهایی

وَحِيد: تنها

وَرَاءَ: پشت «متضاد: أَمَامَ»

وَرْد: گُل «وَرْدَة: یک گُل»

وَرَع: پارسایی

وَرَق: برگ «جمع: أَوْرَاق»

وُصْفَة: نسخه

وَصَلَ: رسید

(مضارع: يَصِلُ / مصدر: وُصِلَ)

وَضَعَ: گذاشت

(مضارع: يَضَعُ / مصدر: وُضِعَ /

متضاد: رَفَعَ)

وَقَايَة: پیشگیری ۵

وَقَعَ: واقع شد، اتفاق افتاد، افتاد

(مضارع: يَقَعُ / مصدر: وَقِعَ)

وَقَفَ: ایستاد

(مضارع: يَقِفُ / مصدر: وَقُوف)

وَقُود: سوخت (مواد سوختی) ۷

وَلَد: پسر، فرزند «جمع: أَوْلَاد»

وَلِيّ: یار «جمع: أَوْلِيَاء»

هـ

هَشَ: شَ، - او، - آن «مذكر»

هَاشَ: شَ، - او، - آن «مؤنث»

هَاتَانِ: این دو، اینها، این «مؤنث»

هَاتِف: تلفن (جمع: هَوَاتِف) ۲

هَادِيّ: آرام

هَجَر: دوری، جدا شدن

هَجَرَ: جدایی گزید، جدا شد

(مضارع: يَهْجُرُ / مصدر: هَجَرَ)

هَجَمَ: حمله کرد

(مضارع: يَهْجُمُ / مصدر: هُجِمَ)

هُدوء: آرامش ۲

هُذَا: این «مذكر»

هُذَانِ: این دو، اینها، این «مذكر»

هُذِهِ: این «مؤنث»

هَرَبَ: فرار کرد

(مضارع: يَهْرُبُ / مصدر: هُرِبَ)

هَلْ: آیا؟

هَلَكَ: مُرد، هلاک شد

(مضارع: يَهْلِكُ / مصدر: هَلَكَ)

هُمُ: ایشان، - آنها «مذكر»

هُمُ: ایشان، - آنها «مذكر»

هُمَا: ایشان، - آن دو، - آنها «مثنی»

هُمَا: آن دو، آنها

هُنَّ: ایشان، - آنها «مؤنث»

هُنَّ: ایشان، - آنها «مؤنث»

هُنَا: اینجا

هُنَاكَ: آنجا

هُوَ: او «مذكر»

هُؤْلَاءِ: اینان

هِيَ: او «مؤنث»

## ی

ی: مَ، - من

یا: ای

یَا لَیْتَنی: ای کاش من!

یَجِبُ: باید ۷

یَد: دست «جمع: اَیْدی»

یَدَوِیَّة: دستی ۶

یَسَار: چپ

یَمین: راست

یَوْجَدُ: وجود دارد

یَوْم: روز «جمع: اَیَّام»

یَئْسَ: ناامید شد

(مضارع: یَئَسُّ / مصدر: یَأْس)

أَيُّهَا الزُّمَلَاءُ ؛  
إِلَى اللِّقَاءِ ،  
نَنْتَظِرُكُمْ فِي الصَّفِّ الْحَادِي عَشَرَ ؛  
حَفِظَكُمُ اللَّهُ ؛  
فِي أَمَانِ اللَّهِ ؛  
مَعَ السَّلَامَةِ .

